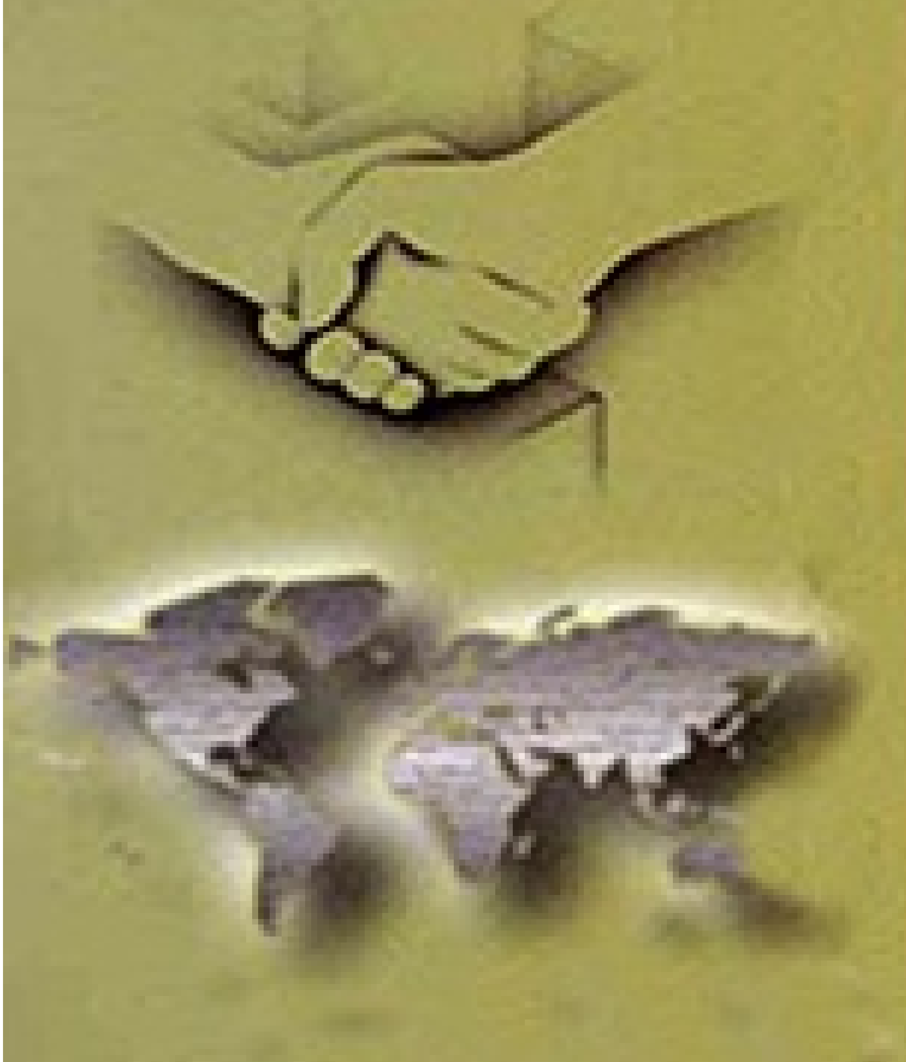


اتحاد و همگرایی

در پرتو مهدویت و موعودگرایی

حسین الهی‌نژاد

بسم الله الرحمن الرحیم

اتحاد و همگرایی در پرتو مهدویت و مو عود گرایی

نویسنده:

حسین الهی نژاد

ناشر چاپی:

آیین احمد صلی الله علیه و اله و سلم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اتحاد و همگرایی در پرتو مهدویت و مو عود گرایی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : اتحاد و همگرایی در پرتو مهدویت و مو عود گرایی/حسین الهی نژاد.

مشخصات نشر : قم: آیین احمد صلی الله علیه و اله و سلم، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۹۲ص.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۳۶۲۳۶

ص: ۱

اشاره

همگرایی

در پرتو

موعودگرایی

مؤلف: حسین الهی نژاد

مقدمه

وحدت اسلامی از دیرباز در میان مسلمانان مطرح بوده است. رهبران دینی در گروه های مختلف اسلامی با عنایت به اهمیت وحدت، علاوه بر توصیه های گفتاری، در عمل نیز بدان ملتزم بوده اند. کتاب های حدیثی و تاریخی که مملو از احادیث و جملات وحدت بخش است، حکایت از اهتمام پیشوایان دینی به مسأله اتحاد و همدلی در میان مسلمانان دارد. در این زمینه رسول خدا فرموده است:

« خیر المومنین من کان مالفه للمؤمنین و لا خیر فمین لا یؤلف ولا یأ لف» (۱)

بهترین مؤمنان کسی است که محور الفت و وحدت مؤمنان باشد. کسی که انس نگیرد و با دیگران مآنوس نشود، خیر ندارد.

اصلا پیشرفت و ترقی جامعه مرهون اتحاد و وحدت است هر جامعه ای که به سوی تکامل و ترقی حرکت می کند، یقیناً مردم ان جامعه در امور اجتماعی یکدل و یک رنگ هستند پس ترقی منهای اتحاد معنا ندارد و اتحاد نیز ثمره ای جزء پیشرفت ندارد.

از انجایی که دین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی که شاخصه هایی جامعیت و کمال را به همراه دارد به همه سطوح زندگی بشر اعم از فردی واجتماعی نظر دارد، و برای رشد و تعالی انسان ها برنامه و راه کار ارائه داده است، همیشه بهترین وکاملترین برنامه، آن برنامه ای است که فایده اش بیشتر و نیز افراد بیشتری از آن سود ببرند، با همین نگاه است که اسلام مصالح اجتماعی را بر مصالح فردی ترجیح داده و در دوران امر میان منفعت اجتماعی با منفعت شخصی، حق را به منفعت اجتماعی می دهد. و غالب تعالیم روح بخش اسلامی به نحوی با اجتماع و جامعه مسلمانان گره خورده است پس اسلام به اجتماع و جامعه اسلامی اهتمام ویژه ورزیده و برای حفظ آن از تدوین هیچ قانون و برنامه هایی فرو گذار نکرده است.

ترابط میان اجتماع و اتحاد، ترابط وثیق و نا گسستنی است و بر همگان روشن است که اجتماع منهای اتحاد یعنی افتراق و جدایی پس نمی توان صحبت از اجتماع و جامعه کرد واتحاد را در کنار آن ندید بر همین اساس کارهای پیامبر اکرم (ص) در ایجاد و اخوت و برادری میان اصحاب خود، توجیه می شود.

ص:۲

۱- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۷۱ ص ۱۳. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱ ص ۹۴

« تأخوا فی الله اخوین اخوین »(۱)

به خاطر خدا پیمان اخوت ببندید و دو به دو با هم برادر باشید.

و ایشان جهت حفظ جماعت مسلمانان فرمودند:

«من رغب عن جماعه المسلمین، سقطت عدالته »(۲)

هر کس از صف جماعت مسلمانان روی گردان شود عدالت او نابود می گردد.

در این زمینه جانشینان پیامبر اکرم (ص) نیز همان سیره و روش ایشان را ادامه داده و در این راه از هیچ کوششی اعم از گفتاری و عملی فرو گذار نکرده اند.

امام صادق در کیفیت معاشرت با اهل سنت می فرمایند:

«صل معهم، فان المصلی معهم فی الصف الاول، کالشاهر سیفه فی سبیل الله»(۳)

با آنها نماز گذار، زیرا هر کس در نماز جماعت انان شرکت کند، مانند این است که با شمشیر برهنه در جهاد فی سبیل الله شرکت کرده است.

پس از منظر اسلام و پیشوایان دینی، اتحاد و همگرایی مسلمانان دارای جایگاه والا و مهمی است که لازم است همه مسلمانان در این امر مشارکت کرده تا اتحاد و وحدت در جامعه اسلامی حکم فرما شود.

«البته مقصود از وحدت، وحدت شیوه های فقهی اجتهادی نیست. کم این که مقصود از آن برتر قرار دادن مذهبی بر مذهب دیگر یا ادغام مذاهب در یکدیگر و قرار دادن آن ها به صورت تأسیس مذهب جدید نیست. بلکه مقصود، در میان ابعاد وحدت، تنها در دو بعد وحدت است، یکی بعد سیاسی و اجتماعی و دیگری بعد علمی و فرهنگی. مقصود از بعد اول این است که همه مسلمین در هر کجای دنیا که زندگی می کنند و دارای هر زبانی و رنگ و از هر قوم و نژادی که هستند به اسم مصلحت عالیه اسلام در صف واحد در برابر دشمنان اسلام قرار گیرند پس غرض این نیست که سنی شیعه شود یا شیعه سنی شود. البته بر سنی است که مسلمانان باشد قبل از آنکه سنی باشد و بر شیعه است که مسلمان باشد قبل از آنکه شیعه باشد. مقصود از بعد دوم وحدت یعنی بعد علمی و فرهنگی، همان تقریب بین مذاهب اسلامی است. تحقق این پدیده منوط است به اجتماع اندیشمندان وفقهای بزرگ مذاهب که آگاه به آراء و نظرات همه مذاهب باشند و مطرح کردن مسائل اختلافی نظری در

۱- ابن هاشم الحمیری، السیره النبویه، ج ۲ ص ۳۵۰

۲- حر العاملی، محمد، و سائل الشبعه، ج ۳ ص ۳۹۴
۳- تشیح طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳ ص ۲۷۷

جوی سالم و آرام، صمیمی و به دور از تعصب، برای دستیابی به حقایق و واقعیت های اسلامی در ابعاد علمی و کلامی.... و نشر نتیجه بحث ها و مناظره ها برای پیروان مذاهب»(۱)

پس علاوه بر اتحاد در ابعاد سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی، که ثمره آن تحقق همبستگی و همدلی میان مسلمانان است اتحاد در بعد اعتقادی و کلامی نیز نقش موثری در وحدت بخشی جامعه اسلامی دارد در این قسم از اتحاد، آموزه های اعتقادی که مورد قبول همه باورمندان اسلامی است محور گفتمان میان اندیشمندان و عموم مردم قرار می گیرد، از جمله آن باور ها، باور داشت مهدویت است، در موضوع مهدویت و مفاهیم هم سو با آن نظیر انتظار، ظهور، حکومت جهانی، گسترش عدالت و....... هر کدام عاملی جهت وحدت بخشی در میان باورمندان به مهدویت است بر این اساس، نگارنده سطور، ابتدا به اتحاد و ابعاد، مراتب، مؤلفه های آن و نیز راهکارهای اتحاد آور پرداخته و در بخش دوم، به مهدویت و مفاهیم هم سو که نقشی بی بدیل و تاثیر گذاری در اتحاد بخشی جامعه دارند مبادرت ورزیده است.

ص:۴

۱- جناقی، محمد ابراهیم، همبستگی در ادیان و مذاهب اسلامی ص ۵۰۱

۱. ضرورت اتحاد و همبستگی

امام باقر فرموده است:

«یا معشر المومنین تآلفوا وتعاطفوا» (۱)

هان ای گروه مومنان ! مانوس و متحد باشید و به همدیگر مهربانی کنید.

با نگرشی عقلی، فطری و تاریخی، بشر برای پیش برد زندگی و نیل به اهداف خویش نیاز به تشکیل جامعه دارد یعنی طبق داده های عقلی و فطری و نیز شواهد تاریخی، زندگی انسانها بدون تشکیل جامعه، سامان نخواهد یافت، از جمله عوالی که در سازماندهی جامعه به سوی مقصود و هدف انسانی، موثر و تاثیر گذار است، اتحاد و همبستگی میان انسان ها به طور عموم و میان باورمندان به یک مسلک به طور خصوص می باشد.

بر اساس ضروری بودن تشکیل جامعه برای انبیاء بشر،ضرورت اتحاد و همدلی نیز در میان آن ها احساس می شود،زیرا فلسفه اجتماعی بودن انسان فطرا و عقلاـهمان رسیدن انسان به سر منزل مقصود که خداوند برای او در نظر گرفته می باشد،اگر جامعه ای دارای اتحاد و همدلی نباشد یعنی تفرقه و تشتت در آن جامعه حکم فرما باشد،انسان ها در راه رسیدن به هدف دچار مشکل می شوند.

پس از طریق فلسفه و علل تشکیل جامعه برای انسان ها که ضرورت آن به تایید عقل وفطرت رسیده است، عوامل و مؤلفه های قوام آفرین وتداوم گر جامعه نظیر مقوله اتحاد و وحدت، نیز ضرورت پیدا می کند. پس ضرورت اتحاد در پرتو ضرورت جامعه قابل برداشت است.

منشور اتحاد در کلام امیر مؤمنان:

امیر مؤمنان علی (ع) در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه، بعد از پند و اندرز به مردم اشاره به عبرت گیری آنان از سر گذشت امت های گذشته نموده و با بیان راهنمای ها جهت ساماندهی زندگی مسلمانان، اشاره به اتحاد و همدلی میان آنان کرده و در این راستا با اشاره به اهمت انسجام و مؤلفه ها و خواستگاه آن به ترسیم منشور اتحاد پرداخته است:

« از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نگو هیده بر سر ملت های پیش از شما آمده بپرهیزید و احوال خوب و بد آنان را به یاد آورید و از این که چون آنان باشید دوری کنید. اگر در احوال نیک و بد

۱- کلینی، محمد، الکافی، ج ۲ ص ۳۴۵

آنـان بیندیشـید و همـان کـاری را عهـده دار شویـد که عزیز شـان گردانـد و دشـمنان شـان را از آنان دور ساخت و تندرسـت نگاهشـان داشت و نعمت فراوانی به سـراغشان آمـد و نیکـو کـاری و بزرگواری بـاعث پیونـد آنـان گردیـد و آنـان از تفرقه و پراکندگی اجتناب ورزیدن و به یکدیگر مهربانی کردن و همدیگر را به این کار تشویق نمودن و از کارهایی که پشت آنان را شکست و قدرت آنان را از بین برد دوری کنید، کارهایی چون کینه ورزی دل ها و دشـمنی سـینه ها و پشت کردن جان ها به یکدیگر و دست شسـتن از یاری هم و در احوال مؤمنان پیش از خود نیز بیندیشـید و بنگرید که آنان چگونه بودند آن گاه که جمیعت ها فراهم بودند و خواسـته ها یکی بود و دلها یکسان بود و چگونه دسـتها یار هم بودند و شمشیر ها به کمک یکدیگر می آمدنـد و بینش ها ژرف و اراده ها یکی، آیا مهتران سراسـر زمین نبودنـد و برگرده جهانیان شـهریاری نمی کردند ؟ نیز به فرجـام کـار آنها بنگریـد آن گاه در میان شان جـدایی افتاد و رشـته الفت از هم گسـست و سـخن ها و دل هایشان از هم جـدا گشت و به دسـته های گو نا گون تقسـیم شدند و دسته دسته شده به جان هم افتادند. در این هنگام خداوند جامه کرامت را از تن آنـان بر کنـد و نعمت های فراوانش را از ایشان گرفت و داسـتان سـر گـذشت آنها در میان شـما مانـد تا درس عبرتی برای عبرت آمو زان باشد.»(۱)

۲. اتحاد و کارکردهای آن

اشاره

امام علی (ع) در رابطه با آثار اتحاد و پیامد تفرقه در نهج البلاغه می فرماید:

« امت هـای پیشـین تـا مـادامی که با هم یـد واحـد بوده انـد، همواره در حال پیشـرفت و شـکوفایی بوده و به عزت و اقتـدار و خلاقیت و وراثت زمین نایل گشـته، رهبر و زمامـدار جهانیان شده اند و از آن هنگام که خدا را فراموش کرده و به مادی گری روی آورده دچار خود برتر بینی و تعصبات قومی و فرقه ای و تشتت، و پرا کنـدگی گشـته، با هم به نبرد پرداخته اند خداوند لبـاس کرامت و عزت و خلاـقیت را از تنشـان بیرون آورد و خیر و بر کت و وفور نعمت را از آنان سـلب و به ذلت و اسـتعمار مبتلا کرده است. به عنوان نمونه بنی اسـرائیل در اثر تفرقه، کسـراها و قیصـرها بر آنان مسلط شدند آنها را به بردگی گرفتند، و از سـرزمین های آباد و کناره های دجله و فرات به بیابان های کم گیاه و بی آب و علف تبعید کردند و به ذلت و فقر و مکنت و جهـل و پرا کنـدگی دچـار ساختنـد. خداونـد با نعمت پیامبر اکرم و اسـلام، بنی اسـماعیل و سایر مسـلمانان را متحـد و برادر ساخت و پر و بال کرامت خود را بر آنها گوشود، نهر های مواهب خود را به سویشان جاری گرداند و آنان را به نعمت قدرت و عظمت و عزت رساند و حکومتی پایدار نصیب شان

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۹۲

ساخت بطوری که کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت. متاسفانه پس از چنین هجرتی با شکوه، مسلمانان به احزاب و فرقه های گوناگون تقسیم شدند. (۱)»

بعد از بیان سخنان امام علی (ع) پیرامون آثار اتحاد به بیان چند از کارکرد های اتحاد خواهیم پرداخت:

۲-۱. عزت و سر بلندی

از جمله آثار و بر کات اتحاد و همدلی، عزت و سر بلندیی است که نصیب مسلمان و جامعه اسلامی می شود زیرا وقتی که مردم در یک جامعه در امور ملی، فرهنگی و مصلحت کشور یکدل و یک رای بودند قطعآ در بر خورد با مخالفان و معاندان با قاطعیت رفتار می کنند که این خود نماد عزت و سر بلندی آن ملت می باشد، در مقابل عزت، ذلت و فرمایگی قرار دارد کا از ناحیه تفرقه و تشتت دامنگیر افراد و جامعه می شود زیرا جامعه ای که در آن دوگانگی و اختلاف حکم فرما باشد در امور مهمه کشور و مصلحت همگانی، تصمیم صحیح و قاطعی گرفته نمی شود که نتیجه آن جزء ذلت و تن به خواری دادن نمی باشد.

چنانکه در مورد مذمت تفرقه و اختلاف از امام صادق چنین نقل شده است:

«و اوصیکم ایاکم و التفرق والشتات فتذهب همتکم وتقل قیمتکم ویهین قدرکم عند الملوك فیطمع الطامع »(۲)

« به شما وصیت می کنم که از تشتت و تفرقه و جدایی بپرهیزید، زیرا موجب رفتن همت و کم شدن ارزش و پایین آمدن قدر و منزلت شما نزد ملکوت می شود. و اهل طمع در شما طمع می نمایند.

نکته مهمی که امام صادق در حدیث فوق اشاره دارند همانا کم شدن ارزش و جایگاه مردم که منجر به استعمار، استعمار گران و سود جویی برای سودجویان ستمگر شود.

همان مشکلی که در دوران معاصر کشورهای اسلامی بدان دچار بوده و به خاطر عدم اتحاد و هم دلی با اینکه از لحاظ تعداد ۵/۱میلیون جمعیت جهان و از نظر مو قعیت جغرافیایی، بهترین منطقه را به خود اختصاص داده ولی باز تحت سیطره سلطه طلبان و تحت نفوذ استعمار گران ظالم قرار دارند و نیز به

۱- نهج البلاغه، خطبه ۵

۲- مجلسی،محمد باقر، بحارالانوار ج ۱۵ ص ۵۳ ج ۴۸

خاطر همین، برنامه ها و سیاست های کلی و کلان کشور های اسلامی تحت قیومیت نظام سلطه جهانی، یعنی آمریکا تدوین و اجراء می شوند.

۲-۲. بالندگی و پویایی

بالندگی و پویائی که در مقابل آن سستی و خمودی قرار دارد از جمله برون داد مهم اتحاد و همبستگی می باشد، جامعه و افراد آن در صورتی که با هم اتحاد وهم دلی داشته باشند به طور طبیعی سرمایه و امکانات کشور به سوی بالندگی و پویائی سوق داده می شود زیرا با وجود تفرقه و اختلافات، مشکلات و معظلات عدیده ای دامنگیر جامعه می شود که برای رفع آن ها نیاز به صرف هزینه ها و سر مایه های هنگفتی است حال اگر جامعه و افراد آن با هم متحد باشند به طور قهری سرمایه ها و هزینه های جاری که در امر رفع مشکلات تفرقه صرف می شده در امر تکامل و پیشرفت آن جامعه هزینه می شود و در نتیجه چنین جامعه ای خوب زیستن همراه با پویائی و بالندگی را تجربه می کند.

چنانچه خداوند در قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

« واطیعوا الله و رسوله ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم »(۱)

« و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود.

خداوند متعال در آیه فوق ابتدا به دو عامل مهم اتحاد که همان اطاعت از خدا و رسول او باشد اشاره داشته و بعد به دو نکته مهم که جزو پیامد های تفرقه و دودستگی، یعنی سستی و بی ارزشی است تاکید می نماید.

۲-۳. الطاف و رحمت الهی

جامعه ای که در آن مردمان نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت نموده و در غم و شادی در کنار یکدیگر قرار دارند. در آن جامعه روح اتحاد و یکدلی حکم فرما است، و از آنجایی که اتحاد و یکدلی مردم از دستورات الهی بوده و محبوب حق تعالی می باشد پس حضرت احدیت نسبت به چنین جامعه ای نظر ویژه داشته و الطاف و رحمت خویش را بر آن جامعه نازل می کند بر این اساس هر چه اتحاد و همبستگی در میان مردم بیشتر باشد، نزول الطاف و رحمت الهی نیز به آن جامعه بیشتر خواهد بود در مقابل رحمت

۱- انفال (۸) آیه ۴۶

و الطاف خدا نقمت و عذاب الهی قرار دارد یعنی جامعه ای که از طراوت اتحاد خالی و در آن تفرقه و اختلاف حکم فرما باشد، دچار عذاب و نقمت الهی می گردد چنانکه در قرآن آمده است:

« ولا تکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جائکم البینات واولئک لهم عذاب عظیم»(۱)

«و چون کسانی م باشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمده پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است »

در این زمینه پیامبر اکرم می فرماید:

« فی الجماعه رحمه و فی الفرقه عذاب »(۲)

« وحدت مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است. »

در حدیث دیگر فرموده است:

« لا تختلفوا فان من کان قبلکم اختلفوا فهلکوا »(۳)

« اختلاف نکنید زیرا آنانی که پیش از شما با هم اختلاف کردند به هلاکت رسیدند. »

۴-۲. رشد اخلاق و شاخصه های انسانی

اتحاد و همدلی در جامعه سبب میشود تا مردم نسبت به یکدیگر مدارا و تسامح

داشته باشند و درمعاشرت و مراوده شئون و حقوق یکدیگر را بیشتر رعایت نمایند

چنانکه امام صادق(ع) درکیفیت برخورد با مخالفان چنین فرموده است:

« علیکم بالصلاه فی المساجد و حسن الجوار للناس و اقامه الشهاده و حضور الجنائز لا بد لکم من الناس ان احد لا یستغنی عن الناس حیاته و الناس لابد لبعضهم من بعض »(۴)

« بر شما باد نماز گزاردن در مساجد (اهل سنت) و معاشرتی خوب با همسایگان و ادای شهادت و حضور در تشیع جنازه های (اهل سنت) زیرا شما ناچارید با مردم زندگی کنید و به راستی کسی نیست که در حیات خود از مردم بی نیاز باشد و مردم برخی از آن ها به برخی دیگر نیاز دارند (وچاره ای از این وابستگی ندارند)

۱- آل عمران (۳) آیه ۱۰۵

۲- المتقی الهندی، کنزالعمال، ج۳ ص۲۶۶

۳- همان جلد۱ ص۱۷۷

۴- کلینی، محمد، اصول کافی ج۴،ص۴۴۷،ج۳۵۸۳

در همین زمینه باز از امام صادق روایت دیگری نقل شده است:

ابی علی می گوید: « به امام صادق عرض کردم، در مسجد محل ما، امام جماعتی اقامه نماز می کند که در مذهب با ما مخالف است و با همه یاران ما عناد دارد ! امام صادق فرمود: اگر راست می گویی به حرف او توجه نکن، تو برای شرکت در آن مسجد از او شایسته تری، پس: « کن اول داخل و آخر خارج و احسن خلقک مع الناس و قل خیرآ »(۱)

« بنابراین اولین کسی که داخل آن مسجد می شود و آخرین کسی که از آن خارج می شود، تو باید باشی و با اخلاق نیک و پسندیده با آنان بر خورد کن و جزء کلام مفید و خیری هم به زبان میاور »

اخلاق نیک و پسندیده در اسلام جایگاه بس مهم و خطیری دارد تا جایی که پیامبر اکرم آخرین سفیر الهی که حامل آخرین دین و کامل ترین دین است بعثت خود را بر محور مکارم اخلاق قرار داده « بعثت لا ـ تمم المکارم الاخلاق »(۲)و هدف و رسالت بعثت خود را ارتقاء و تثبیت اخلاق پسندیده در جامعه می داند. بر همین اساس که خداوند خطاب به پیامبر اکرم می فر ماید: «انک لعلی خلق العظیم »(۳)

خدای بزرگ و با عظمت که وصف نا محدود تنها برازنده اوست اخلاق رسول خود را اخلاق بزرگ و عظیم می داند، همه این ها حکایت از بهره مندی رسول خدا از اخلاق اسلامی که مورد عنایت خداونداست دارد.

۲-۵ نفی سلطه بیگانگان

استعمارگران و ستمگران طاغوت از فرصت های مختلف جهت تسلط بر انسان های مستضعف استفاده کرده و با تز « تفرقه بیانداز و حکومت کن » به استثمار و استعمار مردم می پردازند، در دوران معاصر نقش استعمارگران در ایجاد تفرقه در میان ملل اسلامی به خوبی بر همگان روشن است، محدود کردن کشورهای بزرگ اسلامی به کشورهای کوچکتر با موقعیت جغرافیایی محدود وبا فرقه سازی و گروه پردازی در میان ملل اسلامی و نیز ایجاد اختلاف و تشتت میان مسلمانان و جوامع اسلامی، توطئه هایی است از طرف استعمارگران جهت استضعاف، استعمار و در نهایت استثمار کشورهای اسلامی، در واقع راه

۱- حر عاملی، محمد، وسایل الشیعه، ج ۳ ص ۳۸۱

۲- الامین، حسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۱ ص ۴۳

۳- سوره قلم. آیه ۴

و روش استعمار گران معاصر همان راه و روش استعمارگران قدیم نظیر نمرودیان و فرعونیان می باشد اما اسلوب و شیوه استعمار جدید رنگ و روی دیگر گرفته و با ابزار نو و جدید به استثمار مردم می پردازند.

چنانکه قرآن شیوه و روش فرعونیان در استثمار مردم را چنین بازگو می کند:

« ان فرعون علا فی الارض وجعل اهلها شیعآ یستصعف طائفه منهم یزبح ابناء هم »(۱)

فرعون در سرزمین (مصر) سر برافراشته و مردم آن را طبقه طبقه ساخته طبقه ای از آنان را زبون می داشت، پسرانشان را سر می برید،

« اگر در تارخچه استعمار »دقیق شویم، همیشه استعمارگران در لباس دوستی و دلسوزی و عمران و آبادی، در اجتماعات استعمار شده، نفوذ می کردند (و حتی کلمه استعمار که به معنی اقدام به آبادی است نشانه همین مطلب است) آنها پس از محکم کردن پنجه های خود در ریشه های اجتماع استعمار شده، بی رحمانه بر آنها می تازند و همه چیز را به یغما می برند »(۲)

ولی باید گفت واژه استعمار با آن زیبایی خاص و کشندگی مفهوم که همان عمران و آبادانی است، آنچنان مفهومش در عصر ما مسخ شده که درست در مقابل مفهوم قرآنی (هو انشاکم من الارض واستعمرکم فیها)(۳) او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد، قرار گرفته است.

« البته تنها واژه استعمار نیست که به این سرنوشت شوم گرفتار شده است، کلمات زیادی چه در فارسی و چه در عربی و چه در لغات دیگر می یابیم که گرفتار همین مسخ و تحریف و واژگونگی شده است مانند « حضارت »، «ثقافت »، «حریت » در عربی و کلماتی مانند « تمدن »، « روشنفکری »، « آزادی»، « هنر و هنرمندی » در فارسی که در سایه این تحریفات واقعیت ها و اصالت های واژگانی در پرده ابهام قرار می گیرند.

به هر حال مفهوم واقعی استعمار در عصر ما، استیلای قدرتهای بزرگ سیاسی و صنعتی بر ملتهای مستضعف و کم قدرت است که محصول آن غارت و چپاولگری و مکیدن خون آن ها وبه یغما بردن منابع حیاتی آنان است این استعمار که چهره های شوم گوناگونی دارد گاهی در شکل فرهنگی، گاهی فکری،

۱- قصق، ۴/

۲- مکارم ناصر، تفسیر نمونه، ج۲ ص۳۷۲

۳- سوره هود آیه ۶۱

وگاه سیاسی و نظامی مجسم می شود، همان است که چهره دنیای امروز ما تاریک و سیاه بوده، اقلیتی در این جهان دارای همه امکانات و اکثریت عظیمی فاقد امکانات »(۱).

اما واژه ای که قرآن برای این مفهوم به کار برده استضعاف است که درست در قالب و معنای خود به کار می رود، یعنی تضعیف مردم به معنای وسیع خود، ضعف سیاسی، ضعف اقتصادی، ضعف فرهنگی، ایدئولوژی و اعتقادی وضعف هویتی و اصالتی که نتیجه چنین ضعفهایی،استثمارگری و چپاول گری، استعمارگران را به همراه دارد.

مسلمانان باید با اتکا به فرهنگ اصیل خود به خودباوری و خود اتکائی رسیده. و در مقابل فرهنگ و تمدن استعمارگران مرغوب نشوند بلکه با اتحاد حول هویت دینی و اصالت اسلامی به مبارزه ونفی سلطه سلطه گران همت گمارند، چنانکه قرآن کریم در راستای احیای خود باوری در میان مسلمانان به برتری هویت اسلامی و اصالت فرهنگی در برابر بیگانگان ستمگر، اشاره کرده است:

« ولا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین »(۲)

« واگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید.»

« فلاتهنوا و تدعوا الی السلم وانتم الاعلون و الله محکم.... »(۳)

« پس سستی نورزید و (کافران را) به آشتی مخوانید (که) شما برترید و خدا با شماست.»

پس با عنایت به درس آموزی قرآن برای باورمندان قرآنی، آیات مطرح شده مؤلفه های چهارگانه ای نظیر هویت سازی اسلامی، اصالت اندیشی اسلامی، خود باوری فرهنگی و هم اندیشی اسلامی، جهت رسیدن به تمدن عظیم اسلامی که به خودی خود نفی سلطه استعمارگران را به همراه دارد، پیشنهاد می گردد.

۲-۶ آرامش و آسایش

آرامش و آسایش از جمله خواسته های فطری است که ندای درونی و وجدان انسان آن را همراهی می کند، همه انسانها با فرهنگ و باورهای مختلف و با ملیت و نژاد های گوناگون در اصل گرایش به

۱- مکارم، ناصر، تفسیر نمونه ج ۹ ص ۱۵۱
۲- آل عمران ۳ آیه ۱۳۹
۳- محمد (۴۷) آیه ۳۵

تحقق آرامش و آسایش هماهنگی و همگونی دارند، تحقق آرامش و پاسخ گفتن به ندای فطرت در سایه تحقق وحدت و انسجام در میان بنی آدم حاصل می شود.

اگر در جامعه وحدت کلمه وجود نداشته باشد، آرامش و آسایش در جامعه رخت بر می بندد جنگ و درگیری جای آن را خواهد گرفت و مردم یک سره در نگرانی و دل هره به سر خواهند برد چنانکه قرآن کریم به این نکته اشاره دارد:

« قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عنداباً من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعآ ویذیق بعضکم باس بعض.... »(۱)

« بگو: او توانا است که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد (ودچار تفرقه سازد) و عذاب بعضی از شما را به بعضی (دیگر) بچشاند. »

« این تعبیر نشان می دهد که مسئله اختلاف کلمه و پراکندگی در میان جمعیت به قدری خطرناک است که در ردیف عذابهای آسمانی و صاعقه ها وزلزله ها قرار گرفته است، و راستی چنین است، بلکه گاهی ویرانی های ناشی از اختلاف و پراکندگی به درجات بیشتر از ویرانی های ناشی از صاعقه ها و زلزله ها است، کرارآ دیده شده است کشورهای آباد در سایه شوم نفاق و تفرقه به نابودی مطلق کشیده شده است و این جمله هشداری است به همه مسلمانان جهان »(۲)

۳. ابعاد و مراتب اتحاد

اشاره

اتحاد به جهت اهمیت و خطیر بودن آن در قلمرو وسیعی یعنی در ابعاد مختلف نظیر فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و.... مطرح است و نیز از لحاظ مراتب، اتحاد در سطوح و لایه های مختلف قابل طرح است.

اما توضیح مطلب:

۱- سوره انعام آیه ۶۵

۲- مکارم ناصر، تفسیر نمونه ج۵ ص۲۸۴

۳–۱. ابعاد اتحاد

با توجه به اهداف و انگیزه ای که در متحدین وجود دارد اتحاد در ابعاد مختلف ظهور پیدا می کند، یعنی یک بار نقش اصلی را در ایجاد اتحاد باور ها و اعتقادات به عهده دارند که پیروان یک دین و یا یک مذهب در پرتو باور داشت و معتقدات خویشتن، در کنار یکدیگر قرار می گیرند که این چنین اتحاد را اتحاد دینی یا اعتقادی تعبیر می کنند. البته مقصود از اتحاد در این نوشتار نیز اتحاد دینی و اعتقادی می باشد.

بار دیگر انگیزه های چون فرهنگ، سیاست، و یا اقتصاد، سبب همبستگی و اتحاد در میان مردم می شود که از آن به اتحاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تعبیر می کنند.

۳–۲. مراتب اتحاد

اتحاد در امور دینی و اعتقادی دارای مراتب و زوایای است که برای هر مرحله نیاز به اتحاد و همبستگی است. مثلاً یک بار باور مندان یک مسلک در همه اعتقادات و باورها با هم اتحاد برقرار می کنند، بار دیگر اتحاد تنها در برخی از امور مهم اعتقادی صورت می گیرد نه در همه باور ها.

اما در مقابل دیدگاه فوق برخی دیدگاه پیرامون اتحاد در امور دینی، قائل « به همه یا هیچ» هستند یعنی، دین و مذهبی که می خواهد محور اتحاد میان باورمندان خود باشد در صورتی قابل تحقق است که همه باورمندان آن نسبت به همه آموزه های آن دین هم عقیده باشند به عنوان مثال اسلام در منظومه اعتقادی خودش، آموزه های نظیر مبدا، معاد، نبوت، اعجاز، نزول قرآن، امامت و.... دارد، که اتحاد در میان مسلمانان زمانی شکل می گیرد که همه مسلمانان در همه باورها هم عقیده، و هم رای باشند، یعنی ممکن نیست در بر خی از آنها مثلا در مبدا شناسی یا در معاد شناسی هم عقیده بوده و با یکدیگر اتحاد برقرار کنند اما در بقیه امور اعتقادی هر کدام دیدگاه خاص خودشان را داشته باشند پس مصداق اتحاد، در این امور اعتقادی، دین با همه باور هایش می باشد در غیر این صورت قائل به گزینه « هیچ» می باشد، یعنی، اتحاد برقرار کردند در برخی از امور دینی دست نیافتنی و اعتقادی بی معنا است.

اما اسلام به عنوان دین برتر که دارای شاخصه جامعیت بوده و در امور مهم جامعه دارای انعطاف و نرمش می باشد، جهت تحقق اتحاد میان ابناء آدم بر اساس قانون « مالا یدرک کله لا یترک کله » به هم گرایی در برخی امور اعتقادی دستور داده است.

ص:۱۴

«قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا تعبـدوا الا الله ولا نشـرک به شـیناً و لا یتخذ بعضـنا بعضاً ارباباً من دون الله.... »(۱)

« بگو:ای اهل کتاب بیایید بر سـر سـخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جزء خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا نگیرند. »

قرآن نخستین بار درضـمن آیات گذشـته مسـیحیان را دعوت به استدلال منطقی و پس از مخالفت دعوت به مباهله نمود چون دعوت مباهله به مقـدار کافی در روحیه آنها اثر گـذاشت به دلیل اینکه حاضـر به مباهله نشدنـد و شـرائط ذمه را نپذیرفتنـد بار دیگر از این آمادگی روحی اسـتفاده کرده مجـددآ شـروع به اسـتدلال می کنـد. ولی این اسـتدلال با اسـتدلال گذشـته تفاوت فراوانی دارد:

در آیات گذشـته دعوت به سوی اسلام بود (با تمام خصوصیاتش) ولی در این آیه دعوت به نقطه های مشترک بین اسلام و اهل کتاب است در واقع قرآن با این طرز استدلال به ما می آموزد که اگر کسانی حاضر نبودنند در تمام اهداف مقدس شما با شما همکاری کنند از پا ننشـینید و بکوشید لااقل در قسمتی که با شما اشتراک هدف دارند همکاری آنها را جلب کنید و آنرا پایه برای پیش برد اهداف مقدستان قرار دهید.

آیه فوق یـک « نـدای وحـدت و اتحاد » در برابر اهل کتاب است و به آنها می گویـد: « شـما مـدعی هستیـد و حتی معتقـدید مسـئله «تثلیث» (اعتقـاد به خـدایان سه گـانه) منافاتی با توحیـد نـدارد و لـذا قایل به « وحـدت در ثلیث » می باشـید و همچنین «یهود» در عین سخنان شرک آمیز و «عزیز» را فرزند خود دانستن مدعی توحیدند »

قرآن به آنان اعلام می کند که همه شما در اصل «توحید» خود را مشترک می دانید بیائید دست به دست هم داده و این اصل مشترک را بـدون هیچ گونه پیرایه ای زنده کنیم و از تفسـیرهای نا به جا که نتیجه اش شـرک و دوری از تو حید خالص اسـت خود داری نمائیم.

« ولا یتخذ بعضاً ارباباً من دون الله »

در آغاز آیه دوباره اشاره به مسـئله توحید شده یکی با جمله « لا نعبد الا الله »: « بیائید جزء خدا را نپرستیم » و دیگری با جمله « لا نشرک به شیئاً »: « کسی را شریک او قرار ندهیم »

۱- سوره آل عمران (۳) آیه ۶۴

در این جمله برای سومین بار روی این اصل تکیه شده است اما با صراحت بیشتر و با انگشت گذاردن روی نقطه های اصلی درد زیرا مفاد جمله این است:

« ونباید بعضی از ما بعضی دیگر را به عنوان معبود و پروردگار خود انتخاب کند »

۴. تاکید اسلام بر اتحاد و همبستگی:

اشاره

اسلام به عنوان آخرین و کاملترین و جامع ترین دین آسمانی، که داعیه جهانی بودن را دارد، به اتحاد و همبستگی میان مسلمانان خصوصآ و میان بنی آدم عمومآ تاکید فراوان نموده است، علت این مسئله به جهان نگری اسلام باز می گردد، زیرا دین جهانی که در واقع دین فرا منطقی است، همه جغرافیا و ملیت و فرهنگ ها را در نور دیده و در کنار انسان ها با فرهنگ ها و ملیت های مختلف در مناطق جغرافیای گوناگون نشسته است، به طور طبیعی نفوذ و تداوم چنین دینی در میان بشر مستلزم تحقق اتحاد و همگونی میان انسان ها با فرهنگ و نژاد و ملیت های گوناگون است پس از آنجائی که در میان بشر، فرهنگ ها و نژاد ها و قومیت های گوناگون وجود دارد و نیز از آن جائی که دین اسلام دین جهان نگر که داعیه جهانی بودن را در سر می پروراند محالآ تحقق چنین ادعایی، تحقق اتحاد و همبستگی میان بنی آدم را به همراه دارد، پس اتحاد و همدلی یکی از شرایط و پیش نیاز تحقق دین جهان نگر یعنی اسلام است، از این رو در متون و منابع معرفتی دین اسلام نظیر قرآن و سنت روی اتحاد و همنوایی مسلمانان خصوصآ و همه انسان ها عمومآ بسیار تاکید شده است.

۴-۱. قرآن و اتحاد مسلمانان:

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان که به جهت صیانت الهی و عدم تحریف دارای قداست و جمعیت است، روی اتحاد همبستگی مسلمانان و نیز اتحاد مسلمانان با ادیان ابراهیمی در برخی از باورهای اصلی، تاکید و سفارش فراوانی نموده است.

از نظر قرآن، انسان ها از جنس مذکر و مؤنث آفریده شده اند.(۱)

و مردمان امتی واحد و یگانه بوده اند (۲)و تمایز رنگ و زمان آنان نه مایه امتیاز و نه نشانه برتری است، بلکه نشانه های قدرت الهی است.(۳)چندگونگی قبیله ای، راهی برای شناسایی بهتر و هماهنگی و

۱- حجرات آیه ۱۳

۲- بقره (۲) ۲۱۳

۳- روم ۲۲

همگرایی است.(۱) هر ملتی به جهات چندی پدیدار می گردد، چنان که امت ها و شرایع نیز به جهات شرایط زمانی، روحیات، مقتضیات روحی و روانی انسان پدید آمده است. (۲)

پس از نگاه قرآن دوگانگی بشر از لحاظ اجتماعی، نژادی و جغرافیای عرضی و ظاهری می باشد بلکه محور اتحاد بنی آدم، خدا و باورهای اصیل الهی است جهت تعیین و اثبات مسئله از منظر قرآن به آیاتی چند در ذیل نظری افکنیم:

« واعتصموا بحبل الله جمیعآ ولا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداً فالف بین قلوبکم فا صبحتم بنعمته اخوآنا.... » (۳)

« و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان (یکدیگر) بودید پس میان دلهای شما الفت انداخته تا به لطف او برادران هم شوید »

قرآن، برای انکه اثر شگفت انگیز و معجزه آسای اسلام را در ایجاد وحدت بیان کند، مسلمانان را به یاد وضعی که پیش از اسلام داشتند، می اندازد و می گوید: مگر شما همان مردمی نبودید که با هم دشمن بودید و میان طوایف و قبایل همیشه جنگ های خونین بر پا بود و با یکدیگر بر سر موضوعات پوچ (نژاد، جمعیت، ثروت و جمعیت اموات) فخر فروشی می کردید و با هم به نزاع ستیز و می پرداختید، اما اسلام با تعالیم روح بخش خود این دو دستگی و نزاع و ستیز را تبدیل به اتحاد و همدلی میان شما تبدیل کرد.

در آیه فوق خداوند همه را دعوت می کند تا با جنگ زدن به ریسمان الهی از دو دستگی و تفرقه اجتناب نمایند، درباره این که منظور از « حبل الله » چیست ؟ مفسران احتمالات مختلفی ذکر کرده اند، بعضی می گویند منظور از آن قرآن است وبعضی می گویند اسلام و بعضی دیگر گفته اند منظور خاندان پیامبر (ص) و ائمه (ع) معصومین هستند در روایاتی که از پیامبر (ص) و ائمه (ع) اهل بیت نقل شده نیز همین تعبیرات گوناگون دیده می شود، مثلا در تفسیر « درالمنشور » از پیامبر اکرم ودر کتاب « معانی الاخبار » از امام سجاد (ع) نقل شده که فرمودند: «حبل الله قرآن است » و در تفسیر «عیاشی» از امام باقر نقل شده که: ریسمان الهی «آل محمد (ص) » می باشد که مردم مامور به تمسک به آن هستند.

ولی نه این احدایث و نه آن تفسیر ها، هیچ کدام با یکدیگر اختلاف ندارند زیرا منظور از ریسمان الهی هر گونه وسیله ارتباط با ذات پاک خداوند است خواه این وسیله، اسلام باشد، یا قرآن، یا پیامبر (ص)

۱- حجرات ۱۳

۲- مائده ۴۸

۳- آل عمران ۳ آیه ۱۰۳

و اهل (ع) بیت او، و به عبارت دیگر تمام آنچه گفته شد، در مفهوم وسیع « ارتباط با خدا » که از معنی « حبل الله » استفاده می شود، جمع است.(۱)

« ان هذه امتکم امه واحده وانا ربکم فآتقون »(۲)

« در حقیقت این امت شما است که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید. »

بر اساس آیاتی که قبل و بعد از آیه فوق آمده چنین برداشت می شود که واژه امت در آیه فوق به همه انسان ها که بر محور باور توحیدی می چرخند، تعبیر می شوند، به این معنا که انسان های باورمند به ادیان توحیدی باید بر اساس توحید و یکتا پرستی به اتحاد و همبستگی همت گمارند.

نکته قابل توجه در آیه فوق این است که لازم نیست اتحاد و همدلی میان بشر بر اساس همه ابعاد اعتقادی صورت بگیرد به تعبیر دیگر مثلاـ میان باورمندان به ادیان ابراهیمی با عنایت به اختلاف در بر خی اعتقادات نظیر « رسالت » و شریعت، در باور داشت نسبت به خدا اتفاق نظر وجود دارد پس باید اتحاد را بر محور خدا شناسی قرار داد و پیروان ادیان ابراهیمی در قبال این اصل مهم دینی با هم اتحاد و هم بستگی داشته باشند.

« و ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله ذلکم وصیکم به لعلکم تتقون »(۳)

« و بدانید این است راه راست من، پس از آن پیروی کنید و از راه های دیگر که شما را از راه وی پراکنده می سازد پیروی مکنید. این هاست که (خدا) شما را به آن سفارش کرده است باشد که به تقوا گرایید »

از جمله عواملی که در واقع محور اتحاد میان انسان ها می باشد صراط مستقیم الهی است یعنی باورمندان توحیدی بر اساس صراط الهی در کنار یکدیگر قرار میگیرند.

با تمام گفتگو های که درباره اثر اعجاز آمیز اتحاد در پیشرفت اهداف اجتماعی و سر بلندی اجتماعات گفته شده و می شود، می توان گفت هنوز اثر واقعی آن شناخته شده نیست.

به عنوان مثال امروز سدهای عظیمی در نقاط مختلف جهان بر پا شده که مسبب تولید بزرگترین نیروهای صنعتی است و سرزمین های وسیعی را زیر پوشش آبیاری و روشنائی قرار داده است. اگر درست

۱- مکارم، ناصر، تفسیر نمونه ج ۳ ص۲۸

۲- مؤمنون آیه ۵۲

۳- انعام (۶) آیه ۱۵۳

فکر کنیم می بینیم این قـدرت عظیم چیزی جزء نتیجه بهم پیوسـتن قـدرت هـای ناچیز دانه های باران نیست و آنگاه به اهمیت اتحاد و کوشش های دسته جمعی انسان ها واقف می شویم.

۴-۲. وحدت درکلام پیامبر

اشاره

در کارنـامه درخشـان پیـامبر اکرم آثـاری عظیم و بزرگی از تلاـش وفعـالیت هـای دقیق و عمیق برای هموار سـاختن راه هـای وحدت و یک دلی و اتحاد و پیوستگی مسلمانان مشاهده می شود.

پیامبر اکرم سـعی وافر داشـتند که اقوام و اقشار و ملل مختلف را به صورت « پیکر واحد » با هم متحد و منسـجم سازد و از هر گونه تفرق و تشتت باز دارند.

پیامبر اکرم در اندیشه، علم و عمل با تعصبات قومی و نژادی (که مانع بزرگ اتحاد و به هم پیوستگی مسلمانان بود) مقابله و مبارزه می نموند و همواره به وحدت و برادری و عزت و مودت فرا می خواندند.

این سخن ژرف و بیدادگر از رسول گرامی اسلام است که با صراحت فرمودند:

« ایها الناس ان ربکم واحـد وان اباکم واحد کلکم لادم وآدم من تراب « ان اکرمکم عند الله اتقیکم » لیس لعربی علی عجمی فضل الا بالتقوی »(۱)

«ای مردم ! پروردگارتان یکی است پدرتان هم یکی، همه شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است عرب را بر غیر عرب هیچ فضیلت و برتری نیست، مگر به تقوا و پاکی »

وحدت در کنار توحید عبادی

در کلام رسول خدا اتحاد مسلمانان در کنار تو حید عبادی قرار گرفته است.

« ان الله تعالی رضی لکم ثلاثاً وکره لکم ثلاثاً رضی لکم ان لا تعبدوا الا الله ولا تشر کوا به شیناً و ان تعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا.... »(۲)

« خداوند برای شـما سه چیز را پسـندیده وسه چیز را برای شـما مکروه داشـته است. برای شـما رضایت دارد که مورد پرستش قرار ندهید مگر خدا را، هیچ چیز را شریک خدا قرار ندهیدو اینکه به ریسمان خدا چنگ زنید و متفرق نشوید.

۱- ابن شعبه العقول ص۳۴

۲- متقی هندی الحرانی، تحف کنز العمال ج۱ ص۱۷۷

در روایت فوق اعتصام به حبل الله و اتحاد مسلین در کنار توحید عبادی قرار گرفته است که خود این نشان از اهمیت و خطیر بودن اتحاد از منظر رسول گرامی اسلام می باشد.

وحدت نشانه مسلمانی

رسول اکرم فرموده است:

«من فارق جماعه المسلمین فقد خلع ربقه الاسلام من عنقه »(۱)

« هر کس از جمع مسلمانان فاصله بگیرد در ریسمان اصلی ارتباط با اسلام را از گردن خود گسسته است. »

اتحاد و اجتماع مسلمانان به قدری مهم و خطیر است که پیامبر اکرم خروج از اجتماع مسلمانان به مثابه خروج از اسلام قلمداد می نماید.

نیاز اسلام به وحدت

در روایت دیگری از پیامبراکرم (ص) اتحاد و اجتماع مسلمانان به حدی عالی و در مرتبه بالا تصور شده که حیات اسلام و تداوم آن مرهون همگرای مسلمانان قلمداد شده است.

« الاسلام احوج الی الجماعه من الجماعه الی الاسلام »

« اسلام احتیاجش به جماعت، بیشتر از احتیاج جماعت به اسلام است. »

باز حضرت فرموده است:

« من فارق الجماعهشبراً فمات میته جاهلیه »

« کسی که از جماعت مسلمانان یک وجب دوری گزیند و آن گاه بمیرد، مرگ وی مرگ دوران جاهلیت است»

۴-۳. وحدت در کلام امامان

اشاره

به شهادت تاریخ، امامان در راستای فرامین قرآن و در راستای سیره و روش پیامبر اکرم (ص) به اتحاد و یک دلی مسلمانان اهمیت بسزایی می دادند. از باب نمونه می توان به زندگی امیر مؤمنان علی (ع)

۱- الکلینی، محمد، الکافی، ج ۱ ص۴۵، الطبرانی، معجم الکبیر، ج۱۲ ص۳۳۶

امام اول شیعیان نظر انداخت که چگونه در کنار غصب خلافت به خاطر حفظ اسلام و صیانت از اتحاد و همدلی مسلمانان با غاصبان مهاشات ومدارا کرده و به تحریک افراد سود جو که به دنبال اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان بودند اعتنا نکرده است.

از این رهگذر امیرمؤمنان طی نامه ای به ابوموسی اشعری چنین فرمودند:

« ولیس رجل (فاعلم) احرص علی جماعه امه محمد و الفتها منی ابتغی بذلک حسن الثواب و کرم الماب » (۱)

« بدان که هیچ کس چون من به اتحاد، اجتماع و ائتلاف امت اسلامی حریص نیست من در این آزمندی، پاداش نیک و فرجام کریمانه را از خداوند درخواست دارم. »

آن حضرت درباره ناکثین، که اول کسانی بودند که با ایشان بیعت نمودند و بعد بیعت را شکستند فرمودند:

« ان هذا قد تمالؤوا علی سخطه اماراتی، و ساصبر مالم اخف علی جماعتکم: فانهم ان ثمموا علی فیاله هذا الرای انقطع نظام المسلمین.... »(۲)

« این گروه (ناکثین) به خاطر نارضایتی از حکومت من به یکدیگر پیوسته و من تا هنگامی صبر می کنم که بر اجتماع ضرری وارد نشود، چه اینکه آنان اگر بر این افکار سست و فاسد باقی بمانند و بخواهند اهداف خود را عملی کنند، نظام جامعه اسلامی از هم گسسته خواهد شد.... »

در کلام امیرمؤمنان علی (ع) حد نصاب صبر و تحمل در برابر مخالفان بر همخوردن اتحاد وهمدلی مسلمانان، دانسته شده، که اگر به اتحاد و یک دلی مسلمانان ضربه بخورد، طبق مرام علی (ع) این جای صبر و سکوت نیست، بلکه باید فتنه را از میان برد.

شیطان در کمین متفرقین

امیرمؤمنان علی (ع) می فرماید:

« والزموا السواد الا عظم فان یدالله مع الجماعه وایاکم والفرقه، فان الشاذ من الناس للشیطان، کما ان الشاذ من الغنم للذئب »(۳)

۱- نهج البلاغه، نامه ۷۸

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۶۹

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷

« با اکثریت جامعه همراه شوید زیرا دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید که جدا شده از مردم طعمه شیطان است، همچنان که گوسفند جدا شده از رمه طعمه گرگ است. »

در مقابل انسان و شاخصه های انسانی، شیطان و شاخصه های شیطانی قرار دارد اتحاد و همدلی از شاخصه های انسانی، تفرقه و اختلاف از شاخصه های شیطانی به حساب می آید به طورطبیعی اگر انسان از شاخصه های انسانی فاصله بگیرد در زمره شیاطین و شاخصه های شیطانی در می آید پس هر چه همگرایی در میان انسان ها بیشتر شود، خصال انسانی در جامعه بیشتر می شود که نتیجه آن دوری شیطان از آن جامعه است.

اتحاد عامل استحکام و استواری جامعه

پیشرفت و ترقی جامعه مرهون اقتدار و استواری انسان ها است جامعه ای که در آن انسان ها از شاخصه اقتدار تهی بوده و ضعف و سستی بر آن جامعه حکم فرما باشد، نه تنها چنین جامعه ای روی تکامل و ترقی را به خود نمی بیند بلکه به سوی انحطاط و زبونی به پیش می رود، شاخصه اقتدار نیز با این همه جایگاه مرهون اتحاد و همدلی مردم است، پس چنین می توان نتیجه گرفت که پیشرفت در پرتو اقتدار و اقتدار در پرتو اتحاد نصیب جامعه می شود.

چنانکه امام حسن (ع) در این زمینه فرموده:

« انه لم یجتمع قوم قط علی امر واحد الا اشتد امر هم والستحکمت عقدتهم »(۱)

« هرگز گروهی در کاری یکدست و متحد نشوند مگر آن که کارشان استحکام یافته و پیوندشان استوار گشت»

۴-۴. سیره و رفتار علمای اسلامی در ایجاد اتحاد و همبستگی

اشاره

در راستای دستورات قرآن، سیره و روش معصومان، علمای اسلامی مردم را به اتحاد و همدلی دعوت کرده و خود در این مسیر با سیره و روش همگرایی، دیگران را در تحقق اتحاد و یک دلی تشویق

۱- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید : ج۳ ص ۱۸۰

و ترغیب نموده انـد ذکر اقوال شخصیت هـای مهم علمی جهـان تشیع به عنوان رهـبران معنوی دربـاره اهمیت مسـاله انسـجام اسـلامی برای روشن شدن بیشتر ضـرورت انسـجام و اتحاد برای مسـلمین امری ضـروری است. امید است با الگو قرار دادن این گفتارها بتوانیم گامی مهم و موثری در ایجاد وحدت اسلامی برداریم.

علمای شیعه و اتحاد

حضرت امام خمینی به عنوان احیا گر اسلام در دوران معاصر ومنادی وحدت در این باره می فرماید:

« در جامعه ای که انبیاء الهی و قرآن کریم در صـدد تشـکیل آن بوده انـد، واحد و به هم پیوسـتگی حقیقی است که مفهومی بسیار فراتر از قوم و ملت و دولت باتعاریف متداول است. »

ایشان تفرقه را از شیطان و وحدت کلمه را از خداوند رحمان می داند و ادامه می دهد:

« مگر می تـوان تفکر توحیـدی داشت، خـدای یگـانه را پرستیـد، اراده الهی را در همه اشیـاء و عـالم هسـتی، سـاری و جـاری دانست اما در میدان عمل و ارتباط با خلق خدا، نسبت به سرنوشت دیگران بی تفاوت ماند ؟ »

« قیـام برای نفس است که بیش از ده هـا میلیون شـیعه را به طوری از هم متفرق و جـدا کرده که طعمه مشـتی شـهوت پرسـت پشت میز نشین شدند. »(۱)

«وحدت مذهبی لازم است. وحدت مذهبی است که این اجتماع عظیم و فشـرده را ایجاد می کند، اگر علاقه به اسـتقلال ایران دارید، وحدت مذهبی داشته باشید. »(۲)

آیت الله بروجردی

ایشـان از پیش گامـان اخـوت اسـلامی و وحـدت دینی و مـدارای مـذهبی بودنـد و در ایـن راه هـم از بعـد علمی و هم عملی اقدامات مؤثری انجام دادند. چهارجوب و روش فقهی و اسـتنباطی ایشان، مبتنی بر رجوع به فتوای فقهای سایر مذاهب اسلامی بـود که خود از این تفکر سـر چشـمه می گرفت و روایـات فقهی اهـل بیت غالبـاً به صورت حاشـیه یـا تعلیقه ای بر رفتـار رایج مذاهب مخالف اسلامی معاصرشان بود. به

۱- صحیفه نور ج۱ ص۲

۲- صحیفه نور ص ۶۴

همین دلیل ایشان رجوع به فتوای علمای اهل سنت را برای فقهای شیعه که مقدمه ای به اجتهاد است، لازم می دانستند و به این ترتیب ایشان پایه گذار فقه مقارن شدند و با اهمیت دادن به مبانی فقهی و علمی اهل سنت، راه را برای برخورد متقابل آنان با فقه شیعه هموار ساختند،(۱) آن چنان که شیخ شلتوت، مرجع فقهی وقت جامع الازهر مصر، تحت تاثیر روش خوب و پسندیده ایشان، ضمن تاکید بر مدارا، مذاهب فقهی شیعه را نیز به رسمیت شناخته ومی گوید:

اسلام بر هیچ یک از پیروان خود، تبعیت از مذهب معینی را الزام نکرده است بلکه می گوید هر مسلمانی حق دارد در ابتدا از هر یک از مذاهب اسلامی منقول و گردآوری شده در مکتب خاص، تقلید کند و هر کسی که از مذهبی تقلید کرد می توان مذهب دیگری را بر گزیند.مذهب جعفریه، معروف به مذهب شیعه امامیه اثنا عشریه مذهبی است که می توان مانند سایر مذاهب اهل سنت از آن تقلید کرد، پس شایسته است که مسلمانان ضمن درک درست از این موضوع، از هر گونه تعصبی پرهیز کنند، زیرا دین و شریعت خداوند تابع مذهب معینی نیست.(۲)

علامه طباطبائی

شیعیان صدر اول، هرگز از صف اکثریت کنار نرفته ودر پیشرفت امور عامه اسلامی با عموم مسلمانان تشریک مساعی و بذل نصح می نمودند و هم اکنون نیز بر عموم مسلمانان لازم است که اتفاق خود را در اصول آیین مقدس اسلامی در نظر گرفته و از این همه فشار و ناراحتی که در طول این مدت از بیگانگان و عوامل خارجی کشیده اند، به خود آمده وتفرقه عملی را کنار گذاشته و در یک صف قرار گیرند.

سید جمال الدین اسد آبادی

سعی کنید موانعی را که در میان الفت شما و سایر ملل واقع شده رفع نمایید.(۳)

سید جمال یک مصلح ساخت گرای اسلامی است که تمامی تلاش خود را مصروف ساختن نظریه وحدت اسلامی و مدارای بین مذاهب نمود و در این میان تفرقه و تشتت آرا میان فرق اسلامی را (که

۱- سید حسینی، سید صادق، مدارای بین مذاهب، ص ۵۵۵

۲- واعظ زاده خراسانی، محمد، رساله التقریب ص۱۲۹

۳- جمالی، ابوالحسن، نامه های سید جمالی، ص۷۳

باعث عدم انسجام و رفتارهای ناموزون علمی بین پیروان مذاهب گشته بود.) بیش از هر چیز مد نظر داشت، به همین دلیل به یک نهضت فکری- اجتماعی عظیمی دست زد که باآن هم در اندیشه مسلمانان رستاخیز به وجود آورد و هم در نظارت زندگی آن ها.(۱)

علامه سید عبدالحسین شرف الدین

وی از جمله کسانی است که در کنار مبارزات سیاسی و فرهنگی علیه کفر و طاغوت به اتحاد و همدلی میان مردم خصوصاً میان مسلمانان اهتمام جدی می ورزیده است و می گوید: « اری ما بایددر اندیشه تشکیل (اتحاد جماهیر اسلامی) باشیم و در این راه به جان بکوشیم این آرمان مقدس، حضورهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقدامهای جهانی گوناگون می طلبد باید متفکران مؤمن بیندیشند و برای همه این مسائل برنامه ریزی کنند و زمینه و فرهنگ و اقدام را فراهم آورند.»(۲)

ایشان در ادامه گفته است: « شیعه و سنی را از روز نخست، سیاست (ومطالع سیاسی) از هم دور کرد و اکنون باید سیاست (ومصالح سیاسی اسلام و مسلمانان) آنان را در کنار هم گرد آورد. »(۳)

۵. عوامل وحدت آفرینی

اشاره

در منظومه باورهای اسلامی برخی از باورها در ایجاد وحدت و هم گرایی مردم نقش مهم وتاثیر گذاری دارند که باعث شناخت و معرفی آنها به باورمندان می توان نقش آنها را در هدایت جامعه به سوی وحدت و اتحاد دو چندان کرد در ذیل به برخی از آن عوامل و میزان تاثیر آنها در ایجاد جامعه همگرا خواهیم پرداخت:

۵-۱. خدا

اولین و مهمترین گزینه ای که باور و اعتقاد به آن به منزله اذن ورود به جمع باورمندان به مکتب توحیدی است، واژه الله می باشد، از آن جایی که واژه الله در گستره وسیعی در میان موحدان مطرح است، اتحاد و همدلی که از قبل کل واژه الله حاصل می شود، همه جانبه و فرا دینی است یعنی علاوه بر این

۱- مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص۱۴

۲- مشعل اتحاد، ص۶۵

۳- مشعل اتحاد، ص۵۷

که معتقـدین به دین اسـلام می تواننـد بر محور واژه الله اتحاد و همنوایی کننـد معتقدین به ادیان ابراهیمی نظیر دین یهودیت و مسیحیت نیز می تواننـد بر اساس آن در کنار یکـدیگر قرار بگیرنـد از این روست که خداوند متعال یهودیان و مسیحیان را بر گرد اعتقاد به خدا و یگانه پرستی که مورد قبول همه است دعوت می نامید.

« قل یا هال الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا تشرک به شیئآ»(۱)

بگو: «ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جزء خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، »

در آیات قبل از آیه فوق، قرآن اهل کتاب را به سوی اسلام با تمام خصوصیات فرا می خواند، ولی در این آیه دعوت به نقطه های مشترک بین اسـلام و اهل کتاب است در واقع قرآن با این طرز اسـتدلال به ما می آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدس شـما با شـما همکاری کنند از پا ننشینید و بکوشید لااقل در قسمتی که با شما اشتراک نظر دارند همکاری آنها را جلب کنید وآن را پایه و اساس پیشبرد اهداف خود قرار دهید.

۵-۲. قرآن

قرآن کتاب آسـمانی مسـلمانان است و همه مسلمانان در گروه های مختلف با ایده و تفکرات گوناگون در اعتقاد به قرآن که از ناحیه خـدا آمـده و دارای قـداست و حجیت است ونیز دست تحریف بشـر به سوی آن دراز نشـده و نخواهـد شد اتفاق نظر دارند.

علاوه بر اینکه خود قرآن یعنی در اصـل بـاور داشت به آن میـان مسـلمانان اتفـاق نظر وجود دارد، آیـات فراوانی در قرآن به اتحـاد و همـدلی مسـلمانان اشاره داشـته و باورمنـدان به دین اسـلام را جهت گام برداشـتن به سوی اتحاد و همـدلی و تشـکیل جامعه همگرا تشویق و ترغیب می نمایند.

« واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا »(۲)

« به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید. »

« ولا تنازعوا فتفشلوا و نذهب ریحکم »(۳)

۱- آل عمران (۳) آیه ۶۴

۲- آل عمران ۳ آیه ۱۰۳

۳- انفاق آیه ۴۶

« و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود.»

۵–۳. نبوت

رسالت پیامبر اکرم (ص) به عنوان دومین اصل بنیادین اسلام، محور اتحاد و همدلی مسلمانان است، مسلمانان با یک دل و یک صدا در قبول باور داشت نبوت این آیه را تلاوت می نمایند:

« ربنا آمنا بما انزلت و اتبعنا الرسول فاکتبناه مع الشاهدین »(۱)

« پروردگار به آنچه نازل کردی گرویدیم و فرستاده (ات) را پیروی کردیم پس ما را در زمره گواهان بنویس. »

پس در اصل رسالت پیامبر اکرم (ص) که به عنوان آخرین پیامبر که آخرین دین و آخرین کتب آسمانی بر او نازل شده، مسلمانان اتفاق نظر داشته و با بصیرت و آگاهی کامل به آن اعتقاد دارند.

چنانکه در قرآن پیامبر اکرم (ص) از زبان مسلمانان نسبت به رسالت خویش فرموده است:

« قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیره انا واتبعنی و سبحان الله ما انا من المشرکین»(۲)

بگو: این است راه من، که من و هر کس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم و منزه است خدا و من از مشرکان نیستم.

۵–۴. رهبری

اجتماعی زندگی کردن از شاخصه های مهم فطری در انسان ها است یعنی خداوند در وجدان و درون انسان ها اجتماعی زندگی کردن و تشکیل جامعه را نهادینه کرده است، بی شک سامان یابی زندگی اجتماعی بشر در کنار تدوین قانون میسور و ممکن است به تعبیر دیگر تدوین قانون برای تداوم حیات اجتماع بشر ضروری و لازم می باشد، قانون نیز به خودی خود نمی تواند سعادت بشر و جوامع بشری را تضمین کند، بلکه در صورتی می تواند یک قانون مناسب، موجب تکامل و سعادت جامعه شود که مجری خوب و عادل در راس جامعه قرار گرفته و در اجرای قانون نقش مهم داشته باشد. پس در مرحله آخر و فرآیند سامان یابی اجتماع بشری نقش مجری و رهبر،نقش مهم و بی بدیل است از جمله نقش مهم رهبر محور بودن ایشان در امور اجتماعی و رفع اختلافات و حل معضلات مردم است، اگر رهبر مزین به

۱- آل عمران(۳) آیه ۵۳

۲- یوسف آیه ۱۰۸

شاخصه های نیک نظیر عدالت، تقوا، شجاعت، مدیریت، و... باشد نقش محوری ایشان جهت اتحاد و انسجام مردم ملموس تر خواهد بود.

چنانکه امیرمؤمنان علی در بیان نقش رهبر در جامعه می فرماید:

« ومکان القیم بالامر مکان النظام من الخرز بجمعه و یضمه فاذا انقطع النظام تفرق الخرز و ذهب ثم لم یجتمع بحذا فیره ابدآ»(۱)

« جایگاه رهبر و سرپرست در اجتماع، جایگاه رشته ای است که دانه ها را به هم پیوند داده جمع می کند و آنگاه که رشته پاره شود دانه ها پرا کنده شده و هرگز تمام آن ها جمع نخواهد شد. »

و شاید رمز موفقیت یک جامعه بعد از داشتن قانون مناسب و رهبر عادل و شجاع، مطیع بودن مردم در برابر رهبر باشد، زیرا اگر مردم در مسیر اطاعت فرامین رهبر گام بر ندارند، هر چند رهبر عالی مقام باشد یعنی مقام عصمت و ولایت الهی نیز داشته باشد باز مردم دچار تشتت و اختلاف شده و جامعه به سوی اضمحلال پیش می رود پس در کنار قانون و مجری مناسب، شرط دوم برای جامعه متعادلی و پیشرفته اطاعت کردن مردم از رهبر و فرامین او می باشد.

با همین رویکرد پیامبر اکرم (ص) مردم را در اطاعت از رهبر تشویق و ترغیب نموده و می فرماید:

«اسمعوا واطیعوا لمن ولاه الله الامر، فانه نظام الاسلام »(۲)

« از کسی که خداوند به او ولایت امر داده است، حرف شنوی و اطاعت داشته باشید چرا که این اطاعت، نظام بخش اسلام است.»

امام رضا (ع) در فلسفه وجودی رهبر و لزوم اطاعت مردم از ایشان می فرماید: اگر کسی از حکمت رهبری و لزوم اطاعت از رهبری سؤال کند ؟ در پاسخش گویند که این امر علت های فراوانی دارد: « یکی از ادله ضرورت امامت و رهبری این است که جامعه نیاز به قانون دارد و مردم مکلفند که از مرز قانون، تجاوز نکند، چون شکستن این مرز موجب فساد و تباهی جامعه است. برای نگهبانی از مرز قانون، مرزبانی امین لازم است واگر این چنین نباشد هیچ کس نمی خواهد لذت ومنفعت شخصی خود را، هر چند موجب فساد جامعه شود از دست بدهد. بر این مبناست که خداوند زمام امور مردم را به دست فردی می سپارد تا از فساد مفسدان و تبهکاران پیشگیری کند و مقررات و قوانین را در جامعه به اجرا در آورد.(۳)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶

۲- المفید، امالی المفید، ص ۱۴ ج ۲

۳- عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۱۰۰، علل الشریع ص۲۵۳

در دوران غیبت و پنهان زیستی رهبر معصوم امام مهدی (ع)، جامعه اسلامی خصوصآ جامعه شیعی بدون رهبر و حاکم عادل، نظام نخواهد گرفت از این رو غالب فقها و صاحب نظران دینی، در دوران غیبت تداوم حکومت معصوم را به رهبری نماینده عام امام مهدی(ع)، توجیه می نمایند و نقش ولایت فقیه در هدایت و مقصود رسانی مردم، نقش مهم و خطیر است و رتق و فتق امور مردم و هدایت آنها به سوی اتحاد و همدلی از جمله وظایف مهم ولایت فقیه به حساب می آید.

« سلار » حمره بن العزیز دیلمی (متوفای ۴۴۸) در کتاب فقهی معروف « مراسم » می نویسد:

«امامان معصوم اجرای حدود و احکام انتظامی را به فقیهان واگذار نموده و به عموم شیعان دستور داده اند تا از ایشان پیروی کرده پشتوانه آنان باشند و آنان را در این مسئولیت یاری نمایند.(۱)

شهید اول در کتاب دروس آورده است:

« اجرای حدود الهی، وظیفه امام و نایب او است و در عصر غیبت بر عهده فقیه جامع الشرایط می باشد بر مردم است که او را تقویت کنند و پشتوانه وی باشند.... و بر فقیه لازم است که در صورت امنیت فتوا دهد و بر مردم است که اختلاف خود را نزد او ببرند. »(۲)

محقق کرکی ضمن ادعای اجماع و اتفاق می نویسد: فقیهان شیعه، اتفاق نظر دارند که فقیه جامع الشرایط که از آن به مجتهد تعبیر می شود از سوی امامان معصوم در همه اموری که نیابت در آن دخالت دارد نایب است، پس دادخواهی در نزد او و اطاعت از حکم او، واجب است.(۳)

پس از جمله عوامل مهم در راستای اتحاد و انسجام اسلامی دهبر و جایگاه مهم او در میان مردم است و نیز تحقق و تقویت اتحاد و همگرایی عمومی مرهون اطاعت و تبعیت مردم از رهبر می باشد.

۵-۵. دین

دین از جمله عواملی مهمی است که می توان پیروان و باور مندان خود را بر اساس تعالیم و قوانین آسمانی در کنار یکدیگر جمع نموده و همگرایی را میان آن ها احیاء نماید، این مهم در دین اسلام پر رنگ تر و ملموس تر است زیرا دین اسلام به عنوان آخرین دین و جامع ترین و کامل ترین برنامه

۱- سلار، المراسم العلویه، ص۲۶۳

۲- شهید اول، محمد، الدروس الشریعه، ص ۱۶۵

۳- محقق کرکی، رسایل المحقق الثانی ج ۱ ص ۱۴۲

آسمانی، یقیناً به انسجام و اتحاد مسلمانان توجه کرده و برای تحقق یکدلی میان مسلمانان، آموزه های بسیاری را تدوین کرده است.

مثلاًـ از باب مثال، نماز که به عنوان اولین فروع دین اسلام به حساب می آید نماد تجمع و اتحاد مسلمانان است، ثوابی که اسلام برای نماز جماعت در نظر گرفته است، عامل مهمی است جهت حرکت مسلمانان به سوی مساجد و شرکت در تجمع مسلمانان.

با نگاه دقیق تر به نماز خواهیم دید که اسلام برای اجتماعات مختلف مسلمانان نمازهای گوناگون تشریع کرده است تا تناسب اجتماعات مختلف مسلمانان را داشته باشد، مثلاًنماز یومیه برای اجتماع در یک محل کوچک و نماز جمعه برای اجتماع یک شهر و.. نشان از توجه ویژه اسلام به جامعه اسلامی است.همچنین حج و مناسک آن که یکی از فروعات اسلامی است در اتحاد و هم دلی مسلمانان نقش تاثیر گذاری دارد،طبق فتوای رهبران مذاهب گوناگون اسلامی، برگزاری حج و اقامه نماز توسط همه مسلمانان با مذاهب گوناگون درکنار یکدیگر، نشان از نقش بی بدیل حج در تثبیت همگرایی اسلامی است پس دین اسلام با تعالیم روح بخشش، سبب وحدت و همدلی میان مسلمانان می باشد.

در قرآن کریم دین امر فطیری تلقی شده و همه انسان ها را به سوی عمل کردن بدان فرا خوانده است.

« فاقم و جهک للدین حنیفاً فطرت الله التی فطر الناس علیها »(۱)

« پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خداوند مردم را با آن سرشته است. »

با تو جه به این که دین امر فطری به حساب آمده و فطرت امر فراگیر و مورد قبول همه انسان ها می باشد پس دین مورد قبول همه انسان ها خواهد بود، پس یکی از راه هایی که می توان دین را محور اتحاد و همگرایی مسلمانان و غیر مسلمانان یعنی پیروان ادیان دیگر آسمانی به حساب آورد فطریی بودن دین می باشد چونکه فطرت و امور فطری یکی از شاخصه آن عمومیت و کلیت است پس می توان از راه دین به عمومیت و فراگیری در میان همه انسان ها رسید.

امام خمینی در این زمینه گفته است:

۱- روم آیه ۳۰

« این اسلام بود که همه را با هم مجتمع کرد و این اسلام بود که شما را پیروز کرد و این اسلام است که سعادت همه انسان ها را تامین می کند.(۱)»

در جای دیگر گفته است:

« این عنایت اسلام است که همه برادران اهل سنت با هم هستند و اختلافی هم با یکدیگر ندارند.... و من امیدوارم که این رویه متداوم باشد.(۲)

ایشان در مصاحبه با خبرنگار لبنانی به مسلمانان عرب زبان گفته است:

بیاید اختلاف را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و همگام و هم پیمان با همه برادران مسلمان غیر عرب، تنها اسلام را تکیه گاه خود قرار دهید. با.... ذخیره الهی و معنوی که اسلام است می توانید قدرتی باشید که هرگز ابر قدرت ها هوس تسلط بر شما را نکنند. (۳)

۵-۶. اهل بیت محور اتحاد مسلمانان

اشاره

اهل بیت پیامبر اکرم (ص) می توانند محور اتحاد و همدلی مسلمانان قرار گیرند چنانکه پیامبر اکرم (ص) در این زمینه فرموده است:

« فانتم « اهل بیت » اهل الله عزوجل الذین بهم تمت النعمه واجتمعت الفرقه و ائتلفت الکلمه.»(۴)

« شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی بر طرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است.»

همچنین حضرت زهرا اهل بیت و اطاعت از آنها را محور اتحاد و همبستگی است اسلامی می داند:

« طاعتنا نظاماً للمله و امامتنا لما للفرقه و الجهاد عزا الاسلام »(۵)

« پیروی از ما اهل بیت نظام بخش است و رهبری ما وحدت و جهاد عامل عزت و سر بلندی اسلام است.»

۱- در جستجوی راه امام از کلام امام، دفتر ۱۵، ص۱۲۹

۲- در جستجوی راه امام از کلام امام، ص۱۰۷

۳- در جستجوی راه امام در کلام امام، ص۱۴۶

۴- الکلینی، محمد، الکاض، ج۱ ص۴۴۶
۵- اربلی، علی کشف الغمه ج ۲ ص ۱۱۰

نقش اهل بیت از باب این که خانواده پیامبر اکرم (ص) هستند و همه مسلمانان آن ها را به عنوان اهل بیت می شناسند، برای وحدت و اتحاد مسلمانان نقش مهم و خطیری است، یعنی علاوه بر این که پیروان مذهب تشیع می توانند از این فرصت و عامل اتحاد به نحو احسن بهره بگیرند و جامعه شیعیان را به سوی اتحاد و یک رنگی هدایت کنند، می توانند با جوامع اهل سنت که نسبت به اهل بیت عشق و علاقه دارند نیز اتحاد بر قرار کرده و بر محور محبت اهل بیت به کلمه طیبه وحدت نایل آیند در ذیل به برخی از مقامات و فضایل اهل بیت از منظر اهل سنت که در راستای اعتقادات شیعه است می پردازیم:

کتاب های که پیرامون فاضیل اهل بیت تحریر شده است

در این زمینه از ناحیه بزرگان و اندیشمندان اهل سنت کتاب هایی در راستای تبیین جایگاه و مقام اهل بیت به رشته تحریر در آمده به برخی از آنها اشاره می کنیم.

«فضائل اهل بیت» تالیف استاد مقریزی

« احیاء المیت فی فضائل اهل بیت » و « الثغور الباسمه فی فضائل السیده فاطمه » تالیف سیوطی

« ینابیع الموده لذوی القربی » تالیف قندوزی

«مناقب الامام علی » تالیف ابن المغاذلی

« علی امام المتقین » تالیف عبد الرحمان شرقاوی

« حیاه الامام علی » تالیف استاد محمود شلبی

« الامام صادق ملهم الکیمیا » تالیف استاد محمد یحیی (۱)

کتاب ها و تالیفات فوق که در شان و مقام اهل (ع) بیت از نا حیه اندیشمندان اهل سنت به رشته تحریر در آمده حکایت از عشق و علاقه اهل سنت به اهل بیت پیامبر اکرم دارد

سخنان بزرگان اهل سنت پیرامون جایگاه اهل بیت

عبدالله بن احمد از پدرش احمد بن حنبل شیبانی پیشوای مذهب حنبلی سؤال می کند: من افضل الصحابه ؟ (برترین صحابه چه کسی است ؟) در پاسخ گفت: ابو بکر، عمر، عثمان، طلحه، و زبیر، عبدالله. گفت: فاین علی بن ابیطالب ؟ (پس جایگاه علی ابن ابیطالب چیست ؟) در پاسخ گفت: یا ولدی

۱- جناتی، محمد ابراهیم، همبستگی ادیان و مذهب اسلامی ص ۴۲۶

انت سالتنی من افضل الصحابه و انا اجبت علیها و امام علی بن ابیطالب فهو نفس رسول الله. (فرزنـدم تو از بین برترین صحابه از حیث فضیلت و برتری از من پرسش نمودی و من پاسخ دادم، امام علی ابن ابی طالب نفس رسول الله است.(۱)

پیشوای مـذاهب حنبلی درباره امام علی گفت:«اِن الخلافه لم تزین علیآ بل علی زینها» (خلافت علی را زینت نداده است بلکه علی آن را زینت داده است) و گفت: « علی ابن ابی طـالب من اهـل الـبیت لایقـاس بهم احـد » (او از اهـل بیتی است که نمی توان کسی را به آنان مقایسه کرد.)(۲)

و نیز گفته است: « مـا جـاء لاحـد من الصـحابه من فضائل مثل ما لعلی بن ابیطالب » نیامـده است برای هیـچ یک از اصـحابه از فضیلت ها مانند فضیلت هایی که برای علی ابن ابیطالب بوده است.(۳)

پیشوای شاخصـی برای اهل (ص) بیت احترام خاصی قایل بود و هر گاه در مجلسی یکی ازعلویان حضور داشت صحبت نمی کرد و می گفت: لاـ اتکلم فی مجلس یحضـره احـدهم هم احق بالکلاـم » (من در مجلس یکی از علویان حضور داشـته باشـم سخن نمی گویم زیرا آنان به سخن گفتم سزاوارترند.(۴)

او درباه امام سجاد نیز گفته است:«علی ابن الحسین افقه اهل البیت»(۵)

مالـک بن انس پیشوای مـذهب مـالکی دربـاره امـام صادق می گویـد: « والله ما رات عینی افضل من جعفربن محمـد زهـدآ و فضـلآ و عبادتآ و ورعآ و کنت اقصـد فیکرمنی و یقبل علی » (قسم به خـدا که ندیده است چشم من از حیث زهد و فضـیلت و عبادت و ورع و پرهیزگاری برتر از جعفر بن محمد، خدمت او می رسیدم و مرا مورد اکرام و احترام قرار می داد.(۶)

بـاز می گویـد:«اختلف الیه زماماً فمـا کنت اراه الاـ علی احـدی ثلاـث حضال اما مصل و اما صائم واما یقرا القرآن »(۷) (من مدت زیادی را با او مراوده داشته و خدمت ایشان رسـیدم، ندیدم او را مگر در یکی از سه خصلت یا در حال نماز ویا در حال روزه و یا در حال قرائت قرآن)

۱- جناتی، محمد ابراهیم، همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی ص ۴۳۶

۲- المناقب، ص ۱۶۳

۳- قندوزی، ینابیع الموده، ص ۱۴۲

۴- الفهرست، ص ۴۴۱

۵- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید ج ۱۵، ص ۲۷۴

۶- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۷ ص ۲۰

۷- عسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب ج۲ ص ۱۰۴

از مجموع تالیفات اندیشمندان اهل سنت در رابطه با جایگاه و ارزش اهل بیت و نیز سخنان بزرگان و پیشوایان مذاهب چهار گانه پیرامون شان و جایگاه اهل (ع) بیت و عشق و علاقه آنان به آن ها، حکایت از محور بودن اهل بیت از منظر اهل سنت دارد، و از طرف دیگر شان و جایگاه اهل بیت در میان شیعیان و باور های شیعی، و محبت و عشق شیعیان نسبت به اهل بیت پیامبر بر همگان روشن است و اصلا شیعیان با عشق و محبت به اهل بیت شناخته می شوند، پس با عنایت به مطالب فوق می توان روی اهل بیت و محبت به آن ها حساب ویژه ای باز کرد و آن ها را محور اتحاد و همگرایی میان فرقه های مختلف اسلامی قرار داد.

۶. راهکارهای تحقق اتحاد

اشاره

مهمترین مسئله ای که لازم است قبل از هر چیز بدان توجه شود راهکارهای ایجاد اتحاد در میان مردم است. یعنی در مسیر همبستگی و همگرایی چه شیوه و اسلوبی کار آمد و کاربردی است آیا در مقاطع و زمان های مختلف، ابزار و شیوه های اجرای اتحاد نیز تغییر کرده و باید شیوه های نو و کار آمد بکار گرفته شود ؟ و آیا افراد جامعه در سطوح مختلف در تحقق اتحاد دارای مسئولیت و رسالت گوناگونی هستند ؟ از این دست سوالات که در واقع پاسخ گفتن به این نوع پرسشها همان تبیین راهکارهای تحقق اتحاد است:

۶-۱. فرهنگ سازی همگرایی

از جمله راه کارهای مهم اتحاد، فرهنگ سازی اتحاد در میان مردم است در فرهنگ اسلامی، باورهای فراوانی وجود دارد که بسترهای مناسبی است جهت تحقق وحدت در میان مسلمانان، کسانی که با آموزه های اسلامی (زندگی) آشنایی داشته باشند به راحتی به این نکته خواهند رسید که خیلی از آموزه های اسلامی به اجتماع و اتحاد مسلمانان اختصاص داده شده و در دوران امر میان منافع فردی با منافع اجتماعی، اسلام به نفع اجتماع مسلمانان رای داده است، وقتی که اهمیت وحدت و توجه ویژه اسلام به اجتماع مسلمانان برای مردم روشن شد، به خودی خود، در جامعه فرهنگ وحدت طلبی در میان مردم نهادینه می شود و مردم با آغوش باز به دنبال اتحاد با فرقه های اسلامی دیگر خواهند رفت.

ص:۳۴

در راستای فرهنگ سازی اتحاد، علما و بزرگان شیعه و اهل سنت زحمات طاقت فرسایی را متحمل شده اند، مثلاً پیشگامان وحدت در شیعه عبارتند:

شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، علامه حلی، شهید اول، شهید دوم،سید جمال الدین اسد آبادی، سید محسن امین، سید عبدالحسین شرف الدین، آیه الله بروجردی، امام خمینی.

پیشگامان معاصر وحدت در میان اهل سنت عبارتند از:

(علاوه بر پیشگامان مذاهب اربعه که قبلاً ذکرشان گذشت)

محمد عبده که در قرن گذشته همراه با سید جمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی آنچه در توان داشتند در زمینه تحقق و تقریب از راه بحث ها و مناظره های علمی به کار گرفتند و مجله « عروه الوثقی » را به همین منظور صادر کردند.

رئیس دانشگاه الازهرا، مصطفی عبدالرزاق

مصطفی مراغی، متفکر و مصلح معروف

محمد علی علویه مفتی اعظم فلسطین

حاج امین حسینی

شیخ حسن بنا، دانشمند تونسی

محی الدین قلیبی، پیشوای مذاهب مالکیه

علامه شیخ عبدالفتاح مرغینانی نماینده زیدی های یمن

و نیز استاد علی بن اسماعیل، علامه کواکبی، استاد شیخ فهام، علامه محمد مدنی، استاد محمود فیاض، شیخ محمد عبدالله دراز.......(۱)

۶-۲. تمسک به شعائر اسلامی

اسلام دارای شعائر فراوانی است که برخی از آن ها، فرصت های خوبی را جهت وحدت در میان مسلمانان فراهم می نمایند یکی از این شعائر، حج و موسم حج است که از فلسفه های مهم آن ایجاد اتحاد میان صفوف مسلمانان می باشد در این زمینه امام صادق فرموده است:

ص:۳۵

۱- جنانی، محمد ابراهیم، همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی،ص ۴۲۳

« ان الله الخلق.... و امرهم بما یکون من امر الطاعه فی الدین و مصلحتم من امر دنیاهم، فجعل فیه الاجتماع من الشرق الغرب لیتعارفوا.... »(۱)

« یقیناً خدا انسان را خلق کرد... و هر آنچه در امر دین بدان نیاز داشتند به آنها امر کرد و مصالح دنیا را نیز به آنها گوش زد کرد و حج را محل اجتماع مسلمانان از شرق و غرب عالم قرار داد تا نسبت به یکدیگر آشنا شوند. »

مراسم پرشکوه حج (همچون عبادات دیگر) دارای برکات و آثار فراوانی در فرد و جامعه اسلامی است که اگر طبق برنامه صحیح انجام پذیرد و از آن بهره برداری درستی صورت گیرد می توان هر سال منشا تحول تازه ای در جوامع اسلامی گردد.

یکی از ابعاد مهم حج بعد سیاسی آن است به گفته یکی از بزرگان فقهای اسلام مراسم حج در عین این که خالصانه ترین و عمیق ترین عبادت را عرضه می کند، مؤثرترین وسیله برای پیشبرد و اهداف سیاسی اسلام است.

روح عبادت، توجه به خدا، و روح سیاست و توجه به خلق خدا است، این دو در حج آن چنان به هم آمیخته اند به مثابه تار و پود یک پارچه !

حج عامل مؤثری برای وحدت صفوف مسلمانان است. حج عامل مبارزه با تعصبات ملی و نژاد پرستی و محدود شدن در حصار مرزهای جغرافیایی است.

حج وسیله ای است برای شکستن سانسورها و از بین بردن خفقان های نظامی ظالمانه ای که در کشورهای اسلامی حکم فرما است.

حج وسیله ای است برای انتقال اخبار سیاسی کشورهای اسلامی از هر نقطه به نقطه دیگر و بالاخره حج، عامل مؤثری است برای شکستن زنجیرهای اسارت و استعمار و آزاد ساختن مسلمین. بی جهت نیست که یکی از سیاستمداران معروف بیگانه در گفتار پر معنی خود می گوید: « وای به حال مسلمانان اگر معنی حج را نفهمند، وای به حال دشمنان شان اگر معنای حج را درک کنند. »(۲)

۱- البحر العاملی، محمد وسایل الشیعه، ج ۱۱ ص ۱۴

۲- مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴ ص ۷۶

۶-۳. واجب دانستن وحدت اسلامی

یکی از کارهای که در دوران معاصر بر دوش مسلمانان به صورت عام و بردوش بزرگان دینی و اندیشمندان اسلامی به صورت خاص، سنگینی می کند « ضروری دانستن اتحاد و وحدت اسلامی » است.

از آن جایی که عموم مردم تابع خواص مردم هستند، پرداختن به وحدت و واجب دانستن آن ابتدا بر عهده خواص است یعنی اندیشمندان اسلامی با برگذاری همایش های هم اندیش و تقریب مذاهب اسلامی زمینه های فرهنگی وحدت را در میان مردم ایجاد کرده و اهمیت و ضرورت آن خصوصآ در دوران معاصر که از ناحیه دشمنان ستمگر که با ایده « تفرقه بیانداز و حکومت کن »، به دو دستگی و تشتت میان مسلمانان و جوامع اسلامی می پردازند، تبیین نمایند، تا مسلمانان با پی بردن به ضرورت و وجوب وحدت، با اشتیاق و علاقه تمام در تحقق آن با علماء و اندیشمندان اسلامی همکاری نمایند.

۶-۴. نقد بودن توهین

بعضی از مسلمانان به گونه ای یکدیگر را به باد نقد و انتقاد می گیرند که گوئی با دشمن خود طرف هستند. این رفتار جاهلانه و توهین آمیز است که باعث رنجش و عصبانیت طرف مقابل می شود ما باید پیش از نقد یکدیگر، آداب انتقاد را بیاموزیم تا از انتقاد به ورطه اهانت کشیده نشویم. دانستن و به کار بستن آن آداب نه تنها باعث حل مشکلات می شود، بلکه فضای صمیمیت و برادری را در بین مسلمانان تقویت می کند.

چنانکه خداوند در قرآن در سوره حجرات می فرماید:

« یا ایها الذین آمنوا لایسخر قوم من قوم عسی ان یکونوا خیرآ منهم ولانساء من نساء عسی ان یکن خیرآ منهن ولا تلمزوا انفسکم ولا تنا بزوا با لالقب بئس الاسم الفسوق بعد الایمن..... »(۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آن ها از این ها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان (دیگر) را (ریشخند کنند) شاید آن ها از این ها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به هم دیگر لقبهای زشت مدهید ؛ چه نا پسند است نام زشت پس از ایمان. »

۱- حجرات، آیه ۱۱

۶-۵. برادری و اخوت اسلامی

یکی از چیز هایی که از دیر باز میان مسلمانان مطرح بوده و مسلمانان صدر اسلام به دستور پیامبر اکرم (ص) بدان توجه ویژه نموده اند اخوت و برادری میان مسلمانان بوده است. زیرا هنگام ظهور اسلام، مسلمین از لحاظ عده و عده در مرتبه نازلی قرار داشتند ودشمنان از هر سوی به کیان مسلمانان هجوم می آوردند، تدبیر پیامبر اکرم (ص) جهت مقابله با دشمنان، ایجاد فضای صمیمیت و برادری میان مسلمانان بود تا مسلمانان در کارهای اجتماعی ودینی مدد کار یک دیگر باشند و هم در برابر دشمنان به منزله دست واحد عمل نمایند. چنانکه قرآن می فرماید:

« انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم... »(۱)

« در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید.... »

امام صادق در این زمینه فرموده است:

« المسلم اخو المسلم و هو عینه و مراته و دلیله، لایخونه و لایظلمه و لایخدعه ولایکذبه و لایغتابه »(۲)

« مسلمان برادر مسلمان است، به منزله چشم اوست و همانند آینه اوست و راهنمای اوست هرگز شخص مسلمان به برادر خود خیانت نمی کند بر او ستم روا نمی دارد و در کارش نیرنگ نمی کند و به او دروغ نمی گوید و عیب جوئی و غیبت او را جائز نمی شمارد. »

در زمینه برادری و اخوت آیات و روایات دیگری نیاز در متون اسلامی آمده است، که در واقع مضامین آن ها، قانون و منشوری را بدست مسلمانان می دهند که چگونه در جامعه در کنار یکدیگر در حل مشکلات و معضلات اجتماعی کمک یکدیگر نمایند.

یکی از مهمترین برنامه ای که اسلام روی آن تاکید کرده و در واقع زیر بنای تحقق برادری و عقد اخوات اسلامی است « اصلاح ذات البین » می باشد در آموزه های اسلامی به اندازه ای به این موضوع اهمیت داده شده که به عنوان برترین عبارت معرفی گردیده است.

قرآن کریم می فرماید:

« لا۔ خیر کثیر من نجواهم الا۔ من امر بصدقه او معروف او اصلاح بین الناس و من یفعل ذلک ابتغاء مرضاه الله فسوف نؤتیه اجرآ عظیماً »(۳)

ص:۳۸

۱- حجرات، آیه ۱۰۱

۲- الکلینی، محمد، الکافی، ج ۲ ص ۱۶۶

۳- نساء آیه ۱۱۴

« در بسیاری از رازگویی های ایشان خیری نیست مگر کسی که (بدین وسیله) به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم، فرمان دهد و هر کسی برای طلب خشنودی خدا چنین کند به زودی او را پاداش بزرگی خواهیم بود. »

امیر مؤمنان امام علی (ص) در آخرین سفارشات خود هنگام شهادت به فرزندانش فرمودند:

«انی سمعت جدکما رسول الله یقول: ذات البین افضل من عامه الصلوه والصیام »(۱)

« من از جد شما پیامبر شنیدم که می فرمود: اصلاح رابطه میان مردم از انواع نماز و روزه»

همچنین از امام صادق (ص) در این زمینه نقل شده است:

« صدقه یجبها الله اصلاح بین الناس اذا تفاسدوا و تقارب بینهم اذا تباعدوا »(۲)

« صدقه و بخششی را که خداوند دوست دارد اصلاح بین مردم است هنگامی که به فساد گرایند و نزدیک ساختن آن ها به یکدیگر است به هنگامی که از هم دور شوند. »

در کتاب (کافی) از امام صادق نقل شده که به مفضل (یکی از یاران امام) فرمود:

«اذا رایت بین اثنین من شیعتنا منازعه فافتد ها من مالی »(۳)

« هنگامی که میان دو نفر از پیروان ما مشاجره ای ببینی (که مربوط به امور مالی است) از مال من غرامت بپرداز (و آن ها را با هم صلح بده) »

« علت این همه تاکید در زمینه مساله اجتماعی با کمی دقت روشن می شود زیرا عظمت و توانایی و قدرت و سر بلندی یک ملت، جز در سایه تفاهم و تعاون ممکن نیست، اگر مشاجره ها، اختلافات کوچک اصلاح نشود ریشه عداوت و دشمنی تدریجآ در دل ها نفوذ می کند و یک ملت متحد را به جمعی پراکنده مبدل می سازد، جمعی آسیب پذیر، ضعیف و ناتوان و زبون که در مقابل هر حادثه و هر دشمنی، به قدرت مقاومت و استقامت از آن ها سلب می شود.به همین دلیل بعضی از مراحل اصلاح ذات البین شرعآ واجب و حتی استفاده از امکانات بیت المال برای تحقق بخشیدن آن مجاز است و بعضی از مراحل آن که با سرنوشت مسلمانان زیاد تماس ندارد مستحب مؤکد است. »(۴)

۱- نهج البلاغه

۲- الکلینی، محمد، الکافی،ج ۲ ص ۲۰۹

۳- همان، حدیث ۳

۴- مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷ ص ۸۴

۶-۶. پرهیز از تکفیر یکدیگر

اگر بخواهیم فضای وحدت اسلامی را سالم نگه داریم باید از این پدیده شوم بپرهیزیم، اتهام تفکیر، که متاسفانه در سالهای اخیر میان برخی از گروه های افراطی نثار برخی از گروه های دیگر می شود رواج پیدا کرده است و این پدیده نامیمون در جوامعی که اختلاف های فرقه ای بیشتر وجود دارد بیشتر به چشم می خورد البته این چنین گروهها که در میان مسلمانان در اقلیت هستند مورد تنفر وانزجار بقیه مسلمانان هستند، ولی همین مقدار اندک سبب تبلیغ دشمنان اسلام شده و دین اسلام را در میان جوامع غربی و شرقی، خشن و بی منطق جلوه می دهند و چهره زیبا اسلام بدست افراطیان جاهل مخدوش شده است.

راه علاج این پدیده شوم این است که اولاّ بااتحاد و همدلی میان همه طوایف اسلامی دل های مسلمین در کنار یکدیگر قرار گرفته و فاصله هایی که به واسطه بدگمانی و سوءظن حاصل شده از بین برود ثانیآ: دیدگاه های افراطی و صاحبان آن شناسایی و برای مردم روشن گری شود تا مردم در دام چنین دیدگاه های افراطی گرفتار نگردند.

۶-۷. تکیه بر اصول بنیادی

در میان مذاهب گوناگون اسلامی، اصول بنیادی اسلام مورد قبول و اتفاق همه فرقه های اسلامی است مثلاّ از باب مثال، توحید، نبوت، معاد، قرآن،اهل بیت، محبت به اهل بیت، فضیلت و کرامت اهل بیت، ظهور امام مهدی، جانشین داشتن پیامبر اکرم، دوازده نفر بودن جانشین پیامبر اکرم،..... و خیلی از باورهای دیگر که به خاطر طولانی شدن کلام از گفتم آن ها صرف نظر می شود، مورد اعتقاد و باور همه گروه های اسلامی است البته جای هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد که موارد نادر در برخی از اصول میان برخی از گروه ها اختلاف وجود ندارد اما اتفاقات به مراتب بیشتر از اختلافات است یعنی اختلافات تنها چند مورد محدود می باشد ولی اتفاقات قابل احصاء نمی باشد و باز باید گفته شود که در جزئیات و فروعات فقهی و کلامی نیز میان گروه های اسلامی اختلاف وجود دارد، در صورتی می توان به اتفاق و اتحاد در میان مسلمانان امیدوار بود که اولآ ـ روی مبانی بنیادی که مورد اتفاق همگان است تکیه کرده و روی آن ها بیشتر مانور داده شود و ثانیاً آن مقوله های اختلافی که جزو اصول بنیادی است، عالمانه و متخصصانه در همایش های علمی میان انمدیشمندان و فرهیختگان گروه های اسلامی مورد ارزیابی و دقت قرار گیرد و ثانیاً اختلافی که در امور فرعی و جزئی پیش می آید که موارد آن ها فراوان است، نه تنها

موجب تشتت و نا هماهنگی در میان مسلمانان نمی باشد بلکه موجب ترقی و شکوفاهی استعدادها بر اثر تقارب و تبادل نظرات میان اندیشمندان و عالمان دینی خواهد شد.

۶-۸. پیروی کردن از سیره بزرگان دین

« بزرگا ندین در حفظ وحدت کوشا و پر تلاش بودند و تاریخ زمان صحابه این را گواه است. البته آنان در شیوه های فقهی با هم اختلاف داشتند مثلاً- برخی دارای شیوه اصولی افراطی، برخی دارای روش اصولی معتدل و برخی دارای اصول احتیاطی بودند واین اختلاف باعث آرا و نظرات آنان در مقام استنباط از ادله، در بسیاری از مسائل نظری در فروع شد.

ولی آنان با این وصف هماهنگی و رفت و آمد و ارتباط با یکدیگر را حفظ می کردند واز ایجاد دشمنی و کینه و دودستگی، سخت پرهیز می کردند و هیچ گاه اختلاف آنان در برخی از آرا، سبب جدایی ایشان از یکدیگر نمی شد. »(۱)

وقتی که شیوه وروش بزرگان دین برای باورمندان دین تبیین شود مردم بر اساس حس الگو پذیری که یک حس فطری است از بزرگان دین الگو می پذیرند. از این رهگذر جهت پاسخ دادن به حس فطری الگو پذیری، می توان مردم را به سوی سیده بزرگان که همان دغدغه مندی نسبت به اتحاد و همدلی است سوق داد.

۶-۹. تحمل و بردباری نسبت به عقاید مخالف

مقوله صبر، تحمل وانتقاد پذیری، عامل مهمی است جهت تحقق وحدت در جامعه، به طور طبیعی یک جامعه چند صدایی، آراء و باورهای مختلفی وجود دارد که هر کدام از آن باورها طرف داران و پیروانی برای خودشان دارند، امنیت و استحکام چنین جامعه ای زمانی تحقق پیدا می کند که افراد آن جامعه دارای روحیه بردباری و انتقادپذیر می باشند یعنی مخالفین و افکار آن ها را نتحمل کرده و زندگی در کنار آن ها را قابل تحمل بدانند، جامعه نبوی، علوی و ولوی، نمونه بارزجامعه چند صدایی است که مخالفان حتی افراد کافر و زنادقه برای مناظره و گفتگو با پیامبر و اهل بیت آزادی عمل داشته و به راحتی عقاید و نظرات خودشان را در برابر معصومین بیان می کردند، حال اگر در جامع ایی مردم آن

۱- جناتی، محمد ابراهیم، همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی ص ۴۱۲

جامعه در اصول بنیادی اعتقادی اشتراک نظر داشته باشند، همگرایی و وحدت در میان آن ها با سهولت بهتری تحقق پیدا می کند پس شاخصه بردباری و انتقادپذیری از جمله شرط مهم و اساسی یک جامعه آزاد و چند صدایی است.

۶-۱۰. فرهنگ ملی (ایرانی)

در طول تاریخ، مکان و سرزمین در قالب قلمروهای محلی، ملی و منطقه ای همواره به عنوان یکی از عوامل هویت ساز مطرح بوده است در اسلام ضمن آن که مرزهای جغرافیایی و حفاظت از بلاد مسلمین از اهمیت خاصی برخوردار است، اما در تحلیل سطح کلان هویت های ملی را در مرتبه پایین تر از هویت دینی می داند.

« فرهنگ ملی در خود آگاهی ملی تبلور می یابد، خود آگاهی ملی یعنی خود آگاهی به خود در رابطه اش با مردمی که با آن ها پیوند قومی و نژادی بلکه همان طور که یک فرد دارای « خود »است، یک قوم و یک ملت به علت داشتن فرهنگ، یک « خود ملی » پیدا می کند. هم فرهنگی از هم نژادی وحدت بیشتری میان افراد ایجاد می کند. ملیت که پشتوانه فرهنگی داشته باشد از « من »ها یک « ما » می سازد، احیانآ برای این « ما » فداکاری می کند. »(۱)

اما اسلام همواره توجه انسان ها را به تاریخ از آن حیث که منشا آگاهی و بصیرت به سنن و تجارب گذشته گردد، معطوف ساخته است اما آن ها را از تعصبات بی جا و رسومات قومی برحذر داشته است. سنت های اجتماعی هویت ساز بر دو گونه اند ؛ برخی از آن ها از اصول اخلاقی – انسانی و تعلقات فطری بشری ریشه می گیرند و زمینه های وحدت و ایجاد هویت مشترک فرا گیر را فراهم می سازند وبعضی دیگر از احساسات و تعصبات محدود و علایق زیستی و ذهنی و خیالی و اسطوره ای سرچشمه می گیرند و خود عامل تفرقه، نزاع و انحطاط می گردد. از دیدگاه اسلام، نگاهی به سرگذشت امتهای پیشین نشان می دهد که سنت های ناپسند مایه انحطاط و جهالت و سنت های پسندیده عامل اتحاد و حیات بخش ملت ها بوده است.(۲)

از این رهگذر روایت معصوم (ع) که می فرماید: « حب الوطن من الایمان »(۳) قابل تو جه است.

۱- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۲ ص ۳۱۱

۲- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد۱۵ ص۸۸ – جلد ۱۶ ص ۷۷ – جلد ۱۲ ص ۴۷۷

۳- النحازی الشاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، ج ۱۰ ص ۳۷۵

۶-۱۱. رعایت اخلاق اسلامی

از نظر اسلام اخلاق و شاخصه های نیک دارای جایگاه مهمی است بطوری که پیامبر اکرم در یک روایتی چنین می فرماید:

« بعث لا تمم مکارم الاخلاق »

«من برای به کمال رساندن اخلاق مبعوث گردیدم »

« ان الله یحب مکارم الاخلاق و یبغض سفسافها »(۱)

« براستی خداوند اخلاق را دوست می دارد و از خصایص پست و پایین اخلاقی متنفر است.»

روشن است وقتی که جامعه به اخلاق اسلامی مزین شود همه آحاد جامعه در راستای تاسی به اخلاق پیامبر اکرم به یکدیگر احترام بگذارند، به طور قهری به سوی اتحاد و همدلی پیش می روند.

بخش دوم: نقش موعود گرایی در ایجاد وحدت

اشاره

وحدت گرایی یکی از گرایشات اساسی و فطیری است که در وجود همه انسان ها به چشم می خورد زیرا وحدت گرایی که عامل پیشرفت و ترقی محسوب می شود مورد علاقه و محبوب همه انسان ها است بدین جهت همگانی بودن وحدت گرایی را می توان از خواسته های امور فطری به حساب آورد. (زیرا یکی از شاخصه های امور فطری همگانی بودن است) موعود گرایی که یک باور فراگیر و عمومی و مورد قبول کلیه باورمندان ادیان آسمانی است به حس وحدت گرایی پاسخ مثبت داده و علاوه بر این که در عصر ظهور و تشکیل حکومت جهانی به خواسته های فطری انسان ها جامعه عمل می پوشاند.

« السلام علی المهدی الذی وعد الله عزوجل به الاهم ان یجمع به الکلم و یلم به الشعث»(۲)

« درود بر آن مهدی که خداوند عزوجل وعده ظهور او را به امت ها داده است که به وسیله او وحدت و یک پارچه گی را جایگزین پراکندگی و تفرقه می کند. »

چنانکه پیامبر اکرم (ص) در وصف حال امام مهدی بعد از ظهور و تشکیل حکومت جهانی،می فرماید:

۱- ابن ابی الدنیا، مکارم الاخلاق، ص ۱۹

۲- مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الامر

« وبنا یؤلف الله بین قلوبهم بعد عداوه الفتنه، کما الف بین قلوبهم بعد عداوه الشرک وبنا یصبحون بعد عداوه الفتنه اخوانآ، کما اصبحوا بعد عداوه الشرک اخوانآ فی دینهم »(۱)

«خداوند پس کینه های فتنه گری، به دست ما (امام مهدی) در میان آن ها الفت و صمیمیت ایجاد می کند، چنان که بعد از کینه توزی های شرک به دست ما در میان شان صفا و صمیمیت ایجاد نمود. بعد از عداوت روزگار فتنه، به وسیله ما (امام مهدی) برادری خود را باز یابند چنان که بعد از عداوت شرک به دست ما برادر ایمانی گشتند. »

در دوران غیبت نیز باور داشت موعود گرایی و آموزه های همسو با آن عامل وحدت و اتحاد میان باورمندان موعود است.

پس رابطه میان وحدت گرایی و موعود گرایی، رابطه علی و معلولی است یعنی در یک جامعه هر اندازه موعود گرایی در میان مردم پررونق تر و پرنگ تر باشد، وحدت گرایی در آن جامعه ظهور بیشتری دارد.

از این رهگذر موعود گرایی را می توان از دو منظر مورد دقت و امعان نظر قرار داد. یک بار موعود گرایی را از منظر فرا دینی مورد توجه قرار می دهیم و بار دیگر از منظر فرا مذهبی به آن نظر می افکنیم، البته انقسام موعود گرایی به فرا دینی و فرا مذهبی بسته به وحدت گرایی است زیرا یک بار وحدت وحدت گرایی میان مسلمانان دین اسلام با ادیان دیگر است و با دیگر وحدت گرایی میان فرقه های اسلامی مقصود است پس اگر وحدت و اتحاد را در دایره وسیع تر لحا کنیم نیاز به موعود گرایی فرا دینی داریم و اگر وحدت گرایی رادر قلمروی محدود، یعنی بین المذاهبی خلاصه کنیم، نیاز به موعود گرایی فرا مذهبی که همان مهدویت باشد داریم.

از این رو مباحث در پیش رو را در دو فصل مستقل بر اساس موعود گرایی بین الادیانی و موعود گرایی بین المذاهبی، مورد بحث قرار خواهیم داد.

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوارر، ج ۵۱ ص ۸۴

فصل اول: هم گرایی ادیان ابراهیمی در باور داشت منجی

اشاره

ادیان ابراهیمی یعنی، اسلام، مسیحیت و یهودیت با اصول مشترک، جزو ادیان آسمانی و توحیدی به حساب می آیند، و به جهت آسمانی بودن آن ها اتحاد و هم گرایی در میان باورمندان شان با عنایت به سه اصل مشترک (یعنی توحید، نبوت و معاد)، آسان تر به وقوع می پیوندد البته علاوه بر اصول سه گانه فوق، در برخی از باورها نیز باورمندان به ادیان ابراهیمی با هم اشتراک نظر دارند که می توان از این طریق نیز به اتحاد و هم دلی دست یازبد.

منجی گرایی و موعود باوری از جمله باورهایی است که باورمندان سه دین ابراهیمی در آن، هم عقیده و هم نظر هستند علاوه بر این که در اصل باور داشت موعود گرایی اتفاق نظر دارند در برخی از موضوعات هم سو با موعود گرایی نیز میان پیروان ادیان ابراهیمی اتحاد وجود دارد که در ذیل به آن ها خواهیم پرداخت.

۱. آینده نگری مثبت

اشاره

در اندیشه های مثبت نگر، آینده و فرجام تاریخ بشریت روشن و آفتابی است یعنی آینده تاریخ به منزله ظرفی است که رخداد ظهور و جامعه ایده آل موعود را در خود جای خواهد داد انسان های مثبت نظر، برای رسیدن به آن چشم به فراسوی دوخته و آمدن او را به انتظار می کشند.

نگرش مثبت، نگرشی است که غالب معتقدین به ماوراء و خدا و نیز اکثر باورمندان به ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی بدان باور داشته و نشاط و بالندگی فرد و اجتماع را در گروه آن می دانند پس مثبت نگری کارکردهایی نظیر نشاط آوری، بالندگی، پویایی، معنا بخشی و هم گرایی دارد.

پیروان ادیان ابراهیمی در اصل آینده نگری و مثبت نگری با هم هم عقیده و هم نظر هستند، یعنی در این که بشر و تاریخ بشر در فرجام و پایان خود خوش عاقبتی را تجربه می کند اتفاق نظر دارند از این رو آینده نگری مثبت را می توان محور هم گرایی میان باورمندان ادیان ابراهیمی قرار داد در ذیل به مواردی از آموزه های مثبت نگر در منابع ادیان ابراهیمی خواهیم پرداخت:

۱-۱. آینده نگری مثبت در منابع یهود

« زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تامل خواهی کرد نخواهند بود. و اما حکیمان وارث زمین خواهند شد.... زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد و اما صالحان را خداوند تایید می کند. خداوند روزهای کاملان را می داند و میراث آن ها خواهند بود تا ابد الا باد.(۱)»

جالب این که مطالب فوق همان مطالبی است که قرآن پیرامون ظهور حضرت مهدی از زبور نقل کرده است.

« ولقد کتبنا فی الزبور من الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون »(۲)

« در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. »

۱-۲. آینده نگری مثبت در منابع مسیحیت

« ولی از آن روز و ساعت (ظهور) غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس برحذر و بیدار شده دعا کنید زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود... در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد آما آنچه به شما می گویم به همه می گویم بیدار باشید. »(۳)

علاوه بر این که آینده نگری وجه اشتراک میان ادیان ابراهیمی است، از مطالب فوق نکته دیگری برداشت می شود که به نوعی مورد اتفاق پیروان ادیان ابراهیمی است و آن آگاه نبودن مردم از زمان و رخداد ظهور است زیرا عدم آگاهی از زمان ظهور در تورات و در انجیل و در روایات مهدویت در منابع اسلامی آمده است پس از جمله باورهای مشترک میان پیروان ادیان ابراهیمی پیرامون منجی، عالم نبودن به زمان ظهور است و تنها خداوند به زمان ظهور و آمدن منجی به صورت تفصیلی و دقیق آگاه است.

۱- تورات کتاب مزامیر، مزمور ۳۷ بندهای ۱۸-۱۷-۱۲-۹

۲- انبیاء آیه ۱۰۵

۳- کتاب مقدس، انجیل مرقس، ص ۷۷ باب ۱۳ بندهای ۱-۹ و ۳۱-۳۷

با این که خداوند علوم گوناگونی را به انبیاء و اولیای خود اعطا کرده و آن ها را منبع و خزائن علوم و اسرار خویش دانسته با این حال بعضی از علوم را به خود اختصاص داده و دیگران را از آگاهی نسبت به آن ها محروم کرده است.

امام صادق فرموده است:

« ان لله عزوجل علمین، علمآ عنده لم یطلع علیه احدآ من خلقه و علمآ نبذه الی ملائکته ورسله فما نبذه الی ملائکته ورسله فقد انتهی الینا »(۱)

« خداوند متعال دارای دو نوع علم است، علمی که مخصوص خود اوست و احدی از مخلوقات از آن اطلاع ندارند وعلمی که به ملائکه و انبیا (ص) داده شده است، پس علمی که به انبیا (ص) و ملائکه داده شده است به ما رسیده است. »

علومی که اختصاص به خدا دارد، یکی علم به زمان قیامت است و دیگری علم به زمان ظهور می باشد.

چنانکه قرآن علم به زمان قیامت را به خدا اختصاص داده است:

« یسئلونک عن الساعه ایان مرسیها قل انما علمها عند ربی لایجلها لوقتها الا هو ثقلت فی السموات والارض لا تاتیکم الا بغته »(۲)

« از تو درباره قیامت می پرسند (که) وقوع آن چه وقت است ؟ بگو: علم آن، تنها نزد پروردگار من است. جز او (هیچ کس)آن را به موقوع خود آشکار نمی گرداند. (این حادثه) بر آسمان ها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی رسد.

چنان که پیامبر اکرم در پاسخ به امام حسن (ع) مجتبی پیرامون زمان ظهور امام مهدی (ع) می فرماید:

« الائمه بعدی عدد نقباء بنی اسرائل اثنا عشر اعطاهم الله علمی و فهمی و انت منهم یا حسن، قلت یا رسول الله فمتی یخرج قائمنا اهل البیت، قال یا حسن انما مثله کمثل الساعه ثقلت فی السموات والارض لا تاتیکم الا بغته»(۳)

۱- الکلینی، محمد، الکافی، ج ۱ ص ۳۷۶ ج ۲

۲- اعراف ۱۸۶

۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج۵۲ ص ۱

« امامان بعد از من دوازده نفر به تعداد نقباء بنی اسرائل هستند و خداوند علم و درک مرا به آنها عطا می کند و تو یا حسن در میان آن ها هستی، گفتم یا رسول الله، قائم ما اهل بیت کی ظهور خواهد کرد ؟ پیامبر اکرم (ص) فرمود: همانا مثل وقت ظهور او مثل قیامت است (این حادثه) بر آسمان و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی رسد.»

در همین راستا درکتاب تلمود چنین آمده است: « لعنت به کسانی باد که تاریخ پایان ذلت اسرائل و ظهور ماشیح را محاسبه می کنند، لکن همواره منتظر ظهور او باش.(۱)

در منابع مسیحیت نیز به عدم اطلاع مردم از زمان دقیق منجی اشاره شده است:

« کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنید خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد..... پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید. »(۲)

پس در خصوص این مسئله که نمی توان برای ظهور منجی وقت تعیین کرد، همه باورمندان ادیان ابراهیمی با هم اتفاق نظر دارند و این مورد از جمله مواردی است در میان منظومه باورهای منجی گرایی که محور هماهنگی و همبستگی می باشد.

۲. اعتقاد به ظهور موعود

اشاره

در همه ادیان ابراهیمی بر آمدن موعود نوید داده شده است، همو موعودی که جهان و جهانیان را به سوی سعادت وخوشبختی رهنمون شده و برای اولین بار خوب زیستن را به تجربه بشری می رساند گر چه هر کدام از ادیان ابراهیمی برای منجی خود نام و القاب خاصی قرار داده و بر این گمانند که آینده تاریخ بشریت در آخر زمان یعنی در عصر ظهور بر اساس باورها و تعالیم دینی شان می چرخد ولی در اصل مساله یعنی حقیقت ظهور با هم اتفاق نظر دارند

۲-۱. حتمیت ظهور از منظر اهل کتاب

ص:۴۸

۱- گنجینه تلمود ص ۳۵۶

۲- انجیل لوقا، فصل ۱۳ بند های ۳۵-۳۶

«اگر چه تـاخیر نمایـد، برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهدآمـد و درنگ نخواهـد کرد بلکه جمیع امت ها را نزد خود جمع می کند و تمامی قوم ها را برای خویشتن فراهم می آورد.»(۱)

در جای دیگر آمده است:

«ای همه امتها بشـتابید و بیایید واز هر طرف جمع شوید ای خداوند شـجاعان ! خود را به آن ها فرو آور. امتها برانگیخته شوند و به وادی « یهو شافاظ » بر آیند زیرا که من در آن جا خواهم نشـست تا بر همه امتهایی که به اطراف آن هستند داوری نمایم.»(۲)

در منابع دینی مسیحیت آمده است:

«آن گاه پسـر انسان را ببینید که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می آید، در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به فضای فلک فراهم آورد.... ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید زیرا نمی توانید که آن وقت کی می شود. »(۳)

و در جای دیگر آمده است:

«کرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید و شـما مانند کسانی باشـید که انتظار آقای خود را می کشـند.... پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید. »(۴)

در منابع اسـلامی پیرامون حتمیت ظهور امام مهدی هم از ناحیه اهل سـنت و هم از ناحیه شـیعه روایات فراوانی نقل شده است وحتی در برخی از آن ها منکرین ظهور امام مهدی،، کافر پنداشته شده اند.

۲-۲. حتمیت ظهور از منظر شیعیان

پیامبراکرم فرموده است:

« لاتقوم الساعه حتی یقوم القائم الحق منا و ذلک حین یاذن الله عزوجل به و من تبعه نجا و من تخلف عنه هلک »(۵)

۱- کتاب حبقوق بنی : فصل ۲ بند های ۳_۵

۲- تورات کتاب بوئیل بنی، ص ۱۳۲۸، باب ۳، بند ۱۲

۳- انجیل مرقس، فصل ۱۳ بند های ۲۶،۲۷،۳۱،۳۲

۴- انجیل لوقا، فصل ۱۲ بند های ۳۶،۳۵

۵- مجلسی، محمد باقر، بحر الانوار، ج ۵۱ ص ۶۵

« قیامت بر پا نمی شود تا هنگامی که قائمی (ع) از ما به حق قیام کنـد. و این هنگامی است که خدای تعالی اذن ظهورش دهد، کسی که از او پیروی می کند نجات می یابد و کسی که از او تخلف کند هلاک می شود. »

امام باقر فرموده است:

« من المحتوم الذی حتمه الله قیام قائمنا، فمن شک فیما اقول، لقی الله و هو به کافر و له جاحد »(۱)

« قیام قائم ما از وعده های حتمی خداوند است. هرکس در این گفتار که می گویم شک به خود راه دهد خدا را به حال کفر و انکار ملاقات خواهد کرد. »

روایـات پیرامون ظهور و حتمیت آن در منـابع روائی، شـیعه بسـیار آمـده است امـا در این جـا تنها به دو روایت اکتفا کردیم و نکات مهمی در آن ها قابل برداشت است اولاً حتمیت ظهور امام مهـدی به صورت صـریح و واضـح ذکر گردیده است ثانیاً به حـدی ظهور امام مهدی جدی و حتمی است که منکرین آن کافر قلمداد شده اند ثانیآ پایان بشـریت و شـروع قیامت را موکول به رخ داد ظهور کرده انـد، یعنی پایـان پـذیری دنیـا و آغـاز قیـامت که وقوعش حتمی است مشـروط شـده است به ظهور امـام مهدی، خود این مطلب رخداد ظهور را قطعی جلوه می دهد.

۲-۳. حتمیت ظهور در منابع حدیثی اهل سنت

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم (ص) چنین روایت کرده است:

« من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد (ص) » (۲)

« هر که ظهور مهدی را انکار کند، به آنچه بر محمد (ص) نازل شده کفر ورزیده است. »

پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

« لولم یبق من الدنیا الایوم لطول الله ذلک الیوم حتی یلی رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی »(۳)

« اگر به پایـان دنیا جز یک روز باقی نمانـد خداونـد آن روز را به حـدی طولانی می سازد تا مردی از اهل بیت من که هم نام من است زمام امور را به دست گیرد.»

ص:۵۰

۱- شرفه الدین الحسینی، تاویل الآیات، ج ۱ ص ۲۰۲

۲- قندوزی،ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۵۹، باب ۷۸ ریال ح ۱

۳- المتقی الهندی، کنز العالی، ج ۱۴، ص۲۶۵

بزرگان اهل سنت پیروان قطعیت ظهور امام مهدی (ع) کلماتی دارند به چند نمونه از آن ها اشاره می شود:

۱. ابن ابی الحدید در « شرح نهج البلاغه » می گوید: « اتفاق تمام فرقه های مسلمین است که دنیا و دین و تکلیف تمام نمی شود مگر با مهدی (ع) موعود.»(۱)

۲. در « اسعاف الراغبین » آمده است: « همانا اخبار متواتری از پیامبر رسیده است که مهدی قیام می کند و او از اهل بیت پیامبر و زمین را پر از عدل و داد می کند. »(۲)

۳. گنجی شافعی نیز در کتاب « البیان » باب ۱۱، تواتر روایات مهدی و قطعی بودن ظهور او را تائید می کند.

از جمع بندی مطالب فوق چند نکته قابل ذکر است که با گزارش آن ها مباحث فوق را پایان می بریم:

۱. حتمیت ظهور وآمدن منجی

۲.اعتقادی بودن ظهور و حتمیت آن

۳. وقوع آخر زمان و پایان تاریخ برای بشریت

۴. آخر زمان ظرف رخ داد ظهور

۳. آسمانی بودن منجی

اشاره

در پایان تاریخ بشریت که مردم از ظلم و تعدی و نابسامانی های اجتماعی و فقدان معنویات و شاخصه های انسانی در رنج بوده و از همه مکاتب و نحله های بشری به ستوه آمده اند با اضطرار و مایوسانه نگاه های خود را به آسمان دوخته و انتظار مفتوح شدن باب آسمان را می کشند تا منجی با ندای الهی و با برنامه های آسمانی گوش های انسان های ملول و خسته را نوازش کرده و آن ها را به سوی پویایی و بالندگی و به سوی « به » زیستن راهنمایی کند.

آسمانی بودن منجی از جمله شاخصه هایی است که مورد قبول همه باورمندان به ادیان ابراهیمی است.

ابتدا باید روشن شود که آسمانی بودن منجی به چه معنا است ؟ اسمانی بودن منجی به این معنا نیست که فردی از آسمان نازل شده و بشریت را به آرزوی دیرینه خود برساند و نیز آسمانی بودن به

۱- ابن الی الحدید، شرح نهج البلاغه ج ۱۰ص ۹۶
۲- الصبان، محمد، اسعاف الراغبین، ج ۱ باب ۲ ص ۱۳۸

معنای غیر واقعی و غیر شناختاری بودن نیست که برخی مکاتب و ادیان هر امر ماورائی و آسمانی را خارج از حیطه شناخت و غیر واقعی می پندارند و نیز هر امر اسطوره ای و آرمانی را به آسمانی تعبیر می کنند.

بلکه آسمانی بودن به معنای این است که ابر مردی که بشر و جوامع بشری را به سعادت می رساند از همین زمین که زیستگاه انسان است برخاسته و با برنامه های الهی و آسمانی و با شاخصه های انحصاری نظیر انتصاب، عصمت و پاکدامنی ومؤید بودن به نصرت الهی دست به ساماندهی جوامع می زند. پس می توان آسمانی بودن منجی را با شاخصه های انتصاب، عصمت، تایید و نصرت خدا و همراه داشتن برنامه های الهی شناخت و در این مساله همه پیروان ادیان ابراهیمی اشتراک نظر دارند و شاهد این اتفاق نکاتی است که در منابع دینی یهودیت، مسیحیت و اسلام آمده است که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

۳–۱. آسمانی بودن منجی در منابع اهل کتاب

مثلاً در تورات که کتاب مقدس یهودیان می باشد آمده است:

« و نهالی از تنه «یسی»(۱)بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت، روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود، داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خویش، تنبیه نخواهد نمود. »(۲)

در عبارات فوق اوصافی که برای منجی برشمرده شده واین که ایشان دارای روح و قدرت خداست و دارای فهم و حکمت الهی است و بالاخره این که ایشان دارای تائید ونصرت الهی و همه کارهای او در راستای خشنودی و رضایت خدا است و همه آن ها حکایت از این دارد که منجی با برنامه و راه کارهای الهی در میان مردم ظاهر شده و به دنبال رسانـدن بشر به سعادت و رستگاری می باشد.

۱– به معنای قوی و پدر حضرت داود است (قاموس کتاب مقدس)

۲– تورات، کتاب اشعیای نبی، باب ۱۱ بند های ۱_۵

همچنین در منابع دینی مسیحیت پیرامون آسمانی بودن منجی آمده است: هم چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد.... آن گاه علامت پسر انسان را ببینید که بر ابر های آسمانی با قوت و جلال می آید(۱)... اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خود آید، آن گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست.(۲)

۳-۲. شاخصه های آسمانی منجی در متون اسلامی

اشاره

در متون اسلامی به منجی وشاخصه های او توجه ویژه ای شده وبا جدیت تمام به آن پرداخته شده است یعنی چهار شاخصه های (انتصاب، عصمت، تایید خدا و برنامه الهی)ذکر شده برای منجی به صورت ملموس و واضح منعکس شده است.

انتصابی بودن منجی

انتصابی بودن منجی یعنی در تعیین و گزینش منجی مردم حق انتخاب ندارند بلکه از ناحیه خدا منجی تعیین شده و به مردم معرفی می شود، « الله یعلم حیث یجعل رسالته »، بلکه مردم باید در راستای فرامین خدا از منجی و برنامه های او حمایت و پشتیبانی نمایند.

« و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین »(۳)

« خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان (مردم) گردانیم و ایشان را وارث (زمین) کنیم.

انتصابی بودن حضرت مهدی با برخی از فضایل و شاخصه های او که مورد قبول همه گروه های اسلامی است قابل اثبات است.

مثلاً این که پیامبر اکرم (ص) دوازده خلیفه دارد و همه آن ها از قریش هستند و آخرین خلیفه ایشان حضرت مهدی است.(۴)

ونیز در برخی از روایات اسم حضرت مهدی و القاب ایشان نام برده شده است.(۵)

۱- انجیل متی، فصل ۲۴ بند های ۲۷،۳۰

۲- انجیل متی، فصل ۲۵ بند ۳۱

۳- قصص آیه ۵

۴- مسند احمد، دارالفکر، ج ۵ ص۸۶، الجوهری، احمد، مقتضب الاثر، مکتبه الطباالطبائی، ص ۳

۵- مسند احمد، دارالفکر، ج ۱ ص ۳۷۶، الطوسی، محمد، الغیبه، مکتبه نینوی، ص۲۸۲

و همچنین در برخی از احادیث به انساب پدری و مادری حضرت مهدی اشاره شده و ایشان را از عترت پیامبر اکرم و از نسل حضرت علی و فاطمه زهرا می دانند.(۱)

و در بر خی از روایات صریحآ به خلیفه خدا بودن حضرت مهدی اشاره شده است.

پیامبر اکرم فرموده است: « یخرج المهدی علی راسه غمامه، فیها مناد ینادی: هذا المهدی خلیفه الله فاتبعوه»(۲)

«حضرت مهدی ظهور می کنددر حالی که بر سرش ابری است و از آن صدای بر می خیزد که این مهدی خلیفه خدااست از او پیروی کنید. »

بی گمان وقتی که اسم و نسب فردی به عنوان رهبر ومنجی آخر زمان از طرف پیامبر اکرم تعیین و به عنوان خلیفه خدا شهره باشد، نمی توان مقامی جز انتصابی بودن را برای او تصور کرد.

عصمت منجی

رهبریت بشر و جوامع بشری، تشکیل حکومت واحد جهانی، گسترش عدالت در پهنه زمین و نیز به ارمغان آوردن سعادت و خوشبختی برای بشر از جمله ماموریت های مهم منجی می باشد بی تردید کارها و اهداف و الا و مهم می طلبد که مجری آن دارای شاخصه های مهم و خطیری باشد تا بتوان از پس کارها ی مهم بر آید و کارها را بدون لغزش و اشتباه انجام دهد. از این رو یکی از شاخصه های مهم رهبران الهی معصومیت از لغزش وخطا می باشد که در اسلام از آن به عصمت تعبیر شده است، از جمله رهبران الهی که دارای شاخصه های عصمت می باشد حضرت مهدی است.

چنان که پیامبر اکرم فرموده است:

« بعدی اثنا عشر اماماً تسعه من صلب الحسین امناء معصومین و منا مهدی هذه الامه »(۳)

« بعد از من دوازده امام هستند که نه تن از آن ها از صلب حسین است که همگی امین معصوم هستند ومهدی این امت از ماست. »

۱- الطواسی محمد، الغیبه، مکتبته نینوی، ص ۱۱۱، البغدادی، احمد، الملاحم والفتن، مکتبه المسجد الاعظم ص ۱۰۶

۲- الجوینی الخراسانی، ابراهیم، فرائد المسمطین، مؤسسه المحمودی للطباعه والنشر، ج ۲ ص ۳۱۶

٣- منتخب الاثر ص ٦٥

مؤید به نصرت الهی

رهبر جهانی حضرت مهدی که به عنوان آخرین سفیر الهی برای سعادت بشریت قلمداد می گردد، نهضت جهانی که قلمروه جهانی دارد و کران تا کران زمین را در می نوردد را رهبری خواهند کرد از این رو علاوه بر شجاعت رهبر و صلابت یاران و نیز تلاش و کوشش مردم نیاز به نصرت و مدد الهی نیز دارد از این رهگذر است که در برخی از احادیث می خوانیم که حضرت مهدی اعجاز انبیا (ص) گذشته را جهت پیشبرد اهداف جهانی خود به همراه دارد و همچنین می خوانیم که خداوند جهت نصرت ویاری ایشان، ملائک و فرشته ها را جهت کمک به ایشان بسیج خواهند کرد.

پیامبر اکرم فرموده است:

« فلولم یبق من الدنیا الا یوم واحد، لطول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یاتیهم رجل من اهل بیتی، تکون الملائکه بین یدیه »(۱)

« اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن یک روز را طولانی نماید تااین که مردی از اهل بیت من در حالی که ملائک در پیشاپیش او حرکت می کنند ظهور نماید. »

امام باقر پیرامون یاران امام مهدی می فرماید:

« مصعدین من نجف الکوفه ثلاثمامه وبضعه عشر وجلاً، کأن قلوبهم زبر الحدید، جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن یاره »(۲)

« سیصد و اندی مردان که یاران مهدی هستند در بلندای نجف قرار گرفته و قلبهایشان به منزله آهن محکم است و جبرئیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ قرار دارند. »

پس یکی از موارد اتفاقی میان ادیان ابراهیمی پیرامون منجی، آسمانی بودن منجی است که مورد قبول پیروان یهودیت، مسیحیت و اسلام می باشد و می توان موضوع فوق را از جمله عوامل اتحاد آفرین میان باورمندان به موعود قرار داد.

۴. رجعت و زنده شدن افراد خاص

۱- متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴ ص ۲۶۹ ج ۳۸۶۸۴

۲- عیاشی، محمد، تفسیر عیاشی، ج ۲ ص۵۹ ح ۴۹

رجعت از جمله باورهایی است که در میان معتقدین به منجی مطرح است یعنی غالب پیروان ادیان ابراهیمی به این مسئله اذعان و اعتقاد دارند، رجعت که به معنای بازگشت در پایان تاریخ، تفسیر می شود در قرآن و روایات اسلامی با واژه های گوناگون نظیر کره، رد، حشر و ایاب، که همه این واژگان در معنای « بازگشت » مشترکند، استعمال شده است.(۱)

مرحوم سید مرتضی در بیان معنای اصطلاحی رجعت می فرماید:

« معنای رجعت چنین است که خدای تعالی به هنگام ظهور امام زمان، حضرت مهدی (ص)، گروهی از شیعیان را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته اند، به دنیا باز می گرداند تا آنان به پاداش یاوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نائل آیند و نیز برخی از دشمنان حضرتش را زنده می کند تا از ایشان انتقام گیرد. چنانکه قرآن می فرماید:

« انا لننصر رسلنا والذین آمنوا فی الحیوه الدنیا و یوم یقوم الاشهاد »(۲)

« در حقیقت ما فرستاده گان خود و کسانی را که گرویده اند در زندگی دنیا و روزی که گواهان بر پای می ایستند قطعا یاری می کنیم »

با بیان چند نکته روشن خواهد شد که این آیه اشاره به موضوع رجعت دارد:

۱.مفهوم و سیاق آیه دلالت برفعلی دارد که در آینده به طور حتمی به وقوع می پیوندد.

۲. نصرت و پیروزی که در این آیه وعده داده شده تا کنون تحقق نیافته است و خداوندهرگز خلف وعده نمی کند، پس ناگزیر باید در آینده تحقق پیدا نماید.

۳. پیامبران (جز حضرت عیسی و خضر) ومؤمنان گذشته هنگام نزول قرآن در قید حیات نبوده و در این دنیا یاری نشده اند پس به مقتضای آیه باید آن ها زنده شوند تا در هیمن دنیا یاری شوند.

۴. از جدا سازی نصرت دنیایی از نصرت آخرت، معلوم می شود که هر کدام از دنیا و آخرت به صورت مجزا مورد عنایت خدا است و خداوند در دو جا مؤمنان را پیروز می گرداند پس نمی توان نصرت را به صورت مطلق به نصرت قیامت تفسیر کرد.

شیخ مفید در تفسیر این آیه گفته است: شیعیان عقیده دارند که خدای تبارک و تعالی وعده نصرت خود را در مورد دوستانش پیش از آخرت تحقق خواهد بخشید و آن هنگامی است که قائم قیام کند در پایان آن مؤمنین رجعت می کنند و وعده الهی تحقق می یابد.(۳)

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۸ ص ۱۱۴ اقرب الموارد. ج ۱ص ۳۹۱

۲- مؤمن ۵۱

۳- ر- ک، حر عاملی، محمد، الایقاظ من الهجعه، الطبعه العلمیه، ص ۴۶

برای تایید مطالب فوق می توان به روایت امام صادق که اشاره به تفسیر آیه مورد نظر دارد اشاره کرد:

« ذلک والله فی الرجعه، اما علمت ان انبیاء الله کثیرهم لم ینصروا فی الدنیا وقتلوا الائمه من بعد هم قتلوا و لم ینصروا ذلک فی الرجعه »(۱)

« به خدا سوگند در مورد رجعت است، مگر نمی دانی که پیامبران خدا زیادند در این دنیا که یاری نشده اند، امامان بعد از آنان نیز کشته شده اند و یاری نشده اند » « این آیه در مورد رجعت است »

درمنابع اهل کتاب یعنی کتاب های عهد عتیق و جدید نیز مساله رجعت مردگان در عصر ظهور منجی آمده است و این مساله جزو باورهای پیروان یهودیت و مسیحیت می باشد.

مثلاً در کتاب مقدس انجیل یوحنا آمده است:

« و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند، زیرا که پسر انسان است و از این تعجب مکند، زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد ! »(۲)

در کتاب دانیال نبی می خوانیم:

« و در آن زمان میکائیل امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده است خواهد برخواست...و بسیاری از آنانی که برخاک زمین خوابیده اند، بیدار خواهند شد.»(۳)

نکته قابل توجه این که: رجعت که به معنای بازگشت مردگان است یک بار در مجموع باور های موعود گرائی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد که رخداد آن در آینده در عصر منجی خواهد بود که مورد قبول پیروان دین یهود و دین مسیحیت ونیز مورد قبول شیعیان می باشد. بار دیگر رجعت را به معنای فعل واقع شده تلقی کرده، و وقوع آن را بر امت های گذشته شاهد هستیم که مورد قبول اهل سنت نیز است. پس این طور می شود نتیجه گرفت که اصطلاح رجعت در موعود گرائی، وقوعش در آینده است اما رجعت و بازگشت مردگان در امت های گذشته که قرآن بدان اشاره دارد، وقوعش در گذشته بوده است که در این مورد اهل سنت، شیعیان را همراهی می کنند.

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۶۵، حویزی، عبد علی، تفسیر نوارالثقلین، دارالتفسیر، ج ۴ ص ۵۲۶
۲- کتاب مقدس، انجیل یوحنا، ص ۱۵۳،باب ۵، بندهای ۲۸-۲۷
۳- کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲، بند ها ۱_۵

« الم ترا لی الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذرالموت فقال لهم الله موتواثم احیهم»(۱)

« آیا از (حال) کسانی که از بیم مرگ از خانه های خود خارج شدند و هزاران تن بودند خبر نیافتید ؟ پس خداوند به آنان گفت: « تن به مرگ بسپارید » آن گاه آنان را زنده ساخت »

در تفسیر آیه فوق امام باقر فرموده است:

(بی تردید آن ها اهل یکی از شهر های شام و هفتاد هزار خانوار بوده اند... خداوند به آن ها امر فرمود: بمیرید، همه در یک ساعت مردند و کم کم پوسیدند، چون در راه عابرین بودند همه را در یک محلی جمع کردند، یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام حزقیل، از آن جا عبور کرد، این وضع را دید گریست اشکش جاری شد، گفت: پروردگارا !ای کاش این ها را اکنون زنده می کردی (با دعای ایشان) خداوند آن ها را زنده کرد.(۲)

« واذ قلتم یا موسی لن نؤمن لک حتی نری الله جهرةً فاخذتکم الصاعه و انتم تنظرون ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون »(۳)

« وچون گفتید:«ای موسی، تا خدا را آشکارا نبینیم، هر گز به تو ایمان نخواهیم آورد.» - پس در حالی که می نگریستید – صاعقه شما را فرو گرفت. سپس شما را پس از مرگتان بر انگیختیم، باشد که شکر گذاری کنید.»

۵. فرو آمدن حضرت عیسی

اشاره

در اندیشه های موعود گرایی چه در باور های مسلمانان و چه در اعتقادات مسیحیان و چه در معارف دینی یهودیان، نقش حضرت عیسی، پررنگ و قابل توجه است و همه با یک صدا و آهنگ آمدن او را می سرایند، یعنی در اصل باور به این که در واپسین تاریخ بشر که جهان در آستانه قیامت قرار دارد، حضرت عیسی از آسمان فرود آمده و در سعادت بخشی بشر نقش ایفا می کند، ولی در جایگاه و مقام حقوقی ایشان میان پیروان ادیان ابراهیمی اختلاف نظر وجود دارند یک بار اختلاف در میان اهل کتاب و

۱- بقره (۲) ۲۴۳

۲- ان هولا اهل مدینه من مداین الشام و کانوا سبعین الف بیت.... قال لهم الله : موتوا جمیعآ، فما توا من ساعتهم وصاروا میماً و کانوا علی طریق الماره، تجمعوهم فی موضع فمر بهم نبی من انبیا نبی اسرائیل یقال له :حزقیل :فلما رای تلک الغطام بکی و استعبر و قال رب لوشئت لا جیتهم الساعه... فعادوا احیاء - طبسی، نجم الدین، الایقاط، ص ۱۲۳

۳- بقره (۲) آیه ۵۵ و ۶۵

مسلمانان مطرح است که اهل کتاب حضرت عیسی را به عنوان رهبر و منجی جهانی که هزاره خوشبختی بشر را رقم خواهد زد می دانند ولی مسلمانان ایشان را به عنوان معاون ودستیار حضرت مهدی دانسته و در واقع در امر پیشبرد نهضت جهانی و تشکیل حکومت جهانی به کمک حضرت مهدی می پردازد، پس اهل کتاب امامت و رهبری جهانی را شایسته ایشان می دانند ولی مسلمانان وزارت و معاونت را شایسته حال او می دانند.

اما اختلاف در میان اهل کتاب، این است که یهودیان در انتظار عیسی ناصری که برای اولین بار از آسمان فرود آمده و بنی اسرائیل را به سعادت می رساند اعتقاد دارند ولی مسیحیان در انتظار رجعت عیسی به مشابه « داور جهان » که برای دومین بار به میان بشر آمده و بشر را به سعادت رهنمون می شود اذعان دارند (۱)

سر جمع اعتقاد ادیان ابراهیمی، یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام، آمدن حضرت عیسی در پایان تاریخ است موضوع حضرت عیسی و اتفاق نظری که میان پیروان ادیان ابراهیمی پیرامون نزول ایشان وجود دارد، دست مایه مناسب و خوبی است برای زمینه سازی اتحاد و هم بستگی میان باورمندان به ادیان ابراهیمی.

در این جا لازم است جهت تقویت موضوع فوق به برخی از آموزه های ادیان ابراهیمی که در خصوص حضرت عیس و فرود آمدن ایشان است نظر افکنیم:

۵-۱. حضرت عیسی در منابع اسلامی

در منابع اسلامی اعم از آیات و روایات، مطالب بسیاری پیرامون نزول حضرت عیسی آمده است.

« وقولهم انا قتلنا المسیح عیسی بن مریم رسول الله و ما قتلوه و ما صلبوه ولکن شبه لهم وان الذین اختلفوا فیه لفی شک منه ما لهم به علم الاـ الاتباع الظن وماقتلوا یقینا بل رفعه الله الیه وکان الله عزیزآ حکیما وان من اهل الکتب الی لیومنن به قبل موته و یوم القیمه یکون علیهم شهیدا »(۲)

« و گفته ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم » و حال آن که آنان او را نکشتند ومصلوبش نکردند لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که درباره او اختلاف کردند قطعآ در مورد

۱- رساله به عبرانیان، باب ۹ بند ۲۸

۲- نساء آیه ۱۵۷-۱۵۸ ۱۵۹

آن دچار شک شده اند و هیچ علم بدان ندارند جزء آن که از گمان پیروی می کنند و یقیناً او را نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خدا توانا و حکیم است. واز اهل کتاب کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان بیاورد و در روز قیامت (عیسی نیز) بر آنان شاهد خواهد بود.»

« و انه لعلم للساعه فلاتمترون بها و اتبعون هذا صراط مستقیم »(۱)

« و همانا آن نشانه ای برای (فهم)رستاخیز است پس زنهار در آن تردید مکن و از من پیروی کنید این است راه راست.»

و در آیات فوق به صورت تلویح اشاره به نزول حضرت عیسی در عصر ظهور شده است البته با کمک روایاتی که در مورد نزول حضرت عیسی در منابع روایی آمده است در آیه نخست ابتدا، قرآن، کشته و مصلوب شدن حضرت عیسی را نفی می کند و بعد او امری می دهد که ایشان پیش خدا رفته و زنده است و در آیه بعدی به ایمان آوردن همه اهل کتاب به ایشان قبل از مرگش خبر می دهد از این جا است که برخی از مفسران، آن را حمل بر نزول حضرت عیسی در عصر ظهور می کنند مثلا در تفسیر نمونه چنین آمده است:

« منظور این است که تمام اهل کتاب به حضرت مسیح پیش از مرگ او ایمان می آورند یهودیان او را به نبوت می پذیرند و مسیحیان دست از الوهیت او می کشند واین به هنگامی است که مسیح طبق روایات اسلامی در موقع ظهور مهدی (عج) از آسمان فرود می آید، و پشت سر او نماز می گذارد و یهود و نصارا نیز او رامی بینند و به او و مهدی (عج) ایمان می آورند »(۲)

امام باقر فرموده است:

« ان عیسی، قبل یوم القیامه، ینزل الی الدنیا فلا یبقی اهل مله، یهودی ولا غیره الی آمن به قبل موته و یصلی خلف المهدی (عج) »(۳)

« به طور مسلم، عیسی پیش از قیامت به این جهان فرود خواهد آمد. پیرو هیچ آئینی از یهود و غیر آن در روی زمین نمی ماند جز این که پیش از وفاتش به او ایمان می آورد و او در پشت سر مهدی نماز می خواند »

ص:۶۰

۱- زخرف آیه ۶۱
۲- مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ج۴ ص ۲۰۴
۳- مجلسی، محمد باقر، بحار النوار،ج ۵۳ ص ۵۰

اما آیه اخیر که یکی دیگر از ویژگی های حضرت مسیح را مطرح می کند،می فرماید: او (عیسی) سبب آگاهی به روز قیامت است. « یعنی طبق بیان روایات متعدد اسلامی نزول حضرت عیسی در عصر ظهور امام مهدی دلیل بر نزدیک شدن قیامت می باشد !» (۱)

پیامبر اکرم (ص) در مورد نزول حضرت عیسی فرموده است:

« کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم وامامکم منکم »(۲)

«چگونه هستید هنگامی که حضرت عیسی نزول می کند و امامت و رهبری به عهده شماست »

باز فرموده است:

« لن تهلک امه انا فی اولها،وعیسی بن مریم فی آخرها والمهدی فی وسطها »(۳)

« امتی که من در آغاز آن، عسیی بن مریم در پایان آن، و مهدی در میان آن است هرگز هلاک نمی شود.»

بعد از آن که ظهور و قیام امام مهدی رخدا و نیز بعد از حرکت لشکریان ایشان از مکه به عراق و از عراق به سرزمین فلسطین و استقرار حضرت مهدی و سربازان ایشان در منطقه فلسطین در هنگام بر گذاری نماز صبح، فرود آمدن حضرت عیسی رخ خواهد داد.(۴)یعنی آمدن حضرت عیسی بعد از ظهور امام مهدی خواهد بود پس در تفسیر روایت فوق چنین می توان گفت که برای امت اسلامی اول بعثت پیامبر اکرم تحقق پیدا کرده و بعد ظهور امام مهدی و بعد از ظهور امام مهدی، نزول حضرت عیسی به وقوع می پیوندد.

۵-۲. حضرت عیسی در منابع اهل کتاب

اندیشه موعود گرایی در مسیحیت و یهودیت با ظهور حضرت عیسی قابل توجیح است اصلا بر اساس باور داشت اهل کتاب ظهور حضرت عیسی، اندیشه منجی گرایی را دارای معنا و مفهوم می کند. از این رو شاید پرداختن به موضوع ظهور حضرت عیسی، در منابع اهل کتاب، توضیح امور بین و واضح

۱- همان مدرک، ج۲۱ ص ۱۰۰
۲- صحیح البخاری، ج ۴ ص ۱۴۳، صحیح مسلم، ج ۱ ص ۹۴
۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱ ص۸۵
۴- مسلم، صحیح مسلم، ج۱ ص ۱۰۷، عقلانی ابن هیثم، صواعق المحرفه. ص۱۶۲

باشد و به تعبیر دیگر به نوعی تحصیل حاصل باشد پس جهت خالی نبودن عریضه به برخی از موارد در منابع اهل کتاب اشاره می شود.

در انجیل متی می خوانیم:

« لهذا شما نیز حاضر باشد، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید »(۱)

« اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائک مقدس خویش می آید آن گاه بر کرسی جلال خود خواهدنشست و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند »(۲)

در کتاب دانیال نبی آمده است:

« در رویایی شبانگاه بدیدم که مانند پسر انسان بر ابرهای آسمان آمده تا بارگه آن دیرینه پیش آمد و به حضور او برده شد. سلطنت و شوکت و ملکوت به دو سپرده شد و جمله قوم ها وملت ها و زبان ها به خدمتش در آمدنند سلطنتش سلطنت ابدی است که آن را زوال نیست و ملکوتش را ویرانی نخواهد بود »(۳)

۶. آینده از آن خوبان ومستضعفان

در طول تاریخ بشریت، خوبان به جهت خوب بودن در انزوا بوده انـد گرچه در برخی از موقعیت های زمانی به طور نسبی از حالت انزوا خارج شده و در راس امور قرار گرفته اند ولی اگر به طور کلی مقاطع مختلف تاریخ را به صورت یک جا حساب کنیم زمان های بیشتری در اختیار حاکمان ظالم و ستمگر بوده است.

به طور طبیعی ستمگران با ستمگریشان و ظالمان با ظلمشان جلوی رشد و ترقی انسان ها را از لحاظ مادی و معنوی گرفته و استعداد ها و قابلیت های خدادادی بشر را عقیم نموده اند، اما تدبیر خدای حکیم علی رقم میل ظالمان و ستمگران به حاکمیت رساندن صالحان و شکوفا سازی استعداد های بشر از جنبه های مادی و معنوی می باشد. از این رو خداوند تبارک وتعالی به صالحان ومستضعفان وعده داده است که عاقبت تاریخ بشریت در دستان پر توان خوبان رقم خورده و برای اولین بار بشر به زندگی متعالی

۱- انجیل متی، باب ۲۴ بند های ۴۴-۴۶

۲- انجیل متی، باب ۲۵ بندهای ۳۱-۳۲

۳- تورات، کتاب دانیال نبی، فصل ۷ بند ۱۲

و ایده آل در طول تاریخ بشریت، به صورت فراگیر وهمه جانبه خواهد رسید. وبشر با تجربه شیرین پایان تاریخ خود را رقم خواهد زد.

نوید پیروزی صالحان و مستضعفان و خوش فرجامی تاریخ بشر، در منابع دینی ادیان ابراهیمی به وفور یافت می شود یعنی همه آموزه های موعود گرایی در منابع دینی به نحوی به خوش فرجامی تاریخ و حاکمیت و پیروزی خوبان نوید داده اند که در ذیل به برخی از آنها اشارت می شود:

مثلاً در قرآن کریم کتاب مقدس آسمانی مسلمانان چنین آمده است:

« وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلکم »

« ونرید انمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم الائمه ونجعلهم الوارثین »

« ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون »

در زبور داوود که تحت عنوان « مزامیر» ولابه لای « عهد عتیق » آمده نوید های در باره ظهور منجی و حاکمیت صالحان داده شده است.

جالب این که مطالبی که در آیه فوق آمده در زبور فعلی عیناً موجود است و از تحریف مصون مانده است.

« زیرا که شریران منفتع خواهند شد واما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندك زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تامل خواهی کرد و نخواهد بود و اما حکیمان وارث زمین خواهند شد... زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد و اما صالحان را خداوند تائید می کند. خداوند روزهای کاملان را می داند و میراث آن ها خواهد بود تا ابد الاباد »(۱)

در انجیل متی آمده است:

« اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائك مقدس خویش می آید آن گاه بر کرسی جلال خود خواهدنشست و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند... آن گاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید:بیا برای برکت یافتگان از پدر من ! وملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آمده است به میراث گیرید. »(۲)

۱- تورات، کتاب مزامیر، مزمور ۳۷ بند های۹-۱۲ و ۱۷-۱۸

۲- کتاب مقدس، انجیل متی، باب ۲۵ بند های ۳۱-۳۴

۷. گسترش عدالت

« الهم وصل علی ولی امرک القائم المؤمل، والعدل المنتظر ! »(۱)

« خداوندا درود فرست بر ولی امر خودت، آن قیام کننده ای که مایه امید است وعدالت گستری که همه مردم در انتظارش هستند »

عدالت، برابری و مساوات واژگانی که برای بشر دوست داشتنی است محبت انسان به عدالت و مفاهیم همسو با آن بر اساس فرمان فطرت می باشد به تعبیر دیگر مقوله عدالت خاستگاه فطری داشته وجزو امور فطری به حساب می آید.

نهضت جهانی منجی دارای تنوع در اهداف است برخی از اهداف منجی اهداف میانه و کوتاه مدت بوده و برخی دیگر اهداف نهایی ودراز مدت می باشد رسیدن انسان به جایگاه انسانیت و مقام والای عبودیت، از جمله اهداف اصلی و نهایی نهضت جهانی منجی است.

« و ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون »

اما عدالت و گسترش آن در پهنای کره زمین که جزو اهداف میانه و فرعی قیام جهانی منجی می باشد، خود در واقع مقدمه وزمینه ای است جهت نیل به اهداف حقیقی که همان انسانیت و عبودیت می باشد.

در باور داشت منجی باوران، ظهور منجی یعنی ظهور خوبی ها و ظهور معنویات ظهور عدالت و مساوات و دریک کلام ظهور انسانیت و عبودیت انسان، همه منجی باوران در منظومه باور های خود شاخصه های بالا را مد نظر داشته و نسبت به آن ها اذعان و اعتقاد می ورزند.

مقوله عدالت با دو رویکرد عام وخاص قابل توجیه است، با رویکرد خاص، جزو اهداف میانه و فرعی نهضت جهانی بوده و به نوعی بستر و زمینه برای اهداف عالیه قلمداد می شود اما با رویکرد عام، قلمرو عدالت فراگیر و همه جانبه بود و عدالت بر اساس روابط چهار گانه انسان با غیر خودش تنظیم می شود نظیر رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با انسان دیگر، رابطه انسان با نفس خود، و رابطه انسان با طبیعت، با این نگاه مقوله عدالت جزو اهداف عالیه قیام جهانی منجی بوده وثمره تنظیم روابط چهار گانه بر اساس عدالت، بروز معنویات، انسانیت و عبودیت انسان در جامعه است.

ص:۶۴

۱- ابن طاوس، اقبال الاعمال، ص ۱۲۴، مفاتیح الجناح، اعمال شبهای ماه رمضان، دعای افتتاح

پس اگر عـدالت را به معنای عـدالت اجتماعی بـدانیم، چنین عـدالتی جزو اهـداف فرعی و میانه منجی بوده و زمینه رسـیدن به اهداف عالیه می باشد.

ولی اگر عـدالت را به معنـای عـدالت فراگیر و همه جـانبه فرض کنیم، مقولاتی چون عبودیت، انسانیت و معنویت که اهـداف عالیه قیام منجی است از آن برمی خیزد.

در منـابع روائی پیرامون گسترش عـدالت و معنویت در دوران حکومت جهـانی مهـدی، احادیث فراوانی از پیامبراکرم (ص) و اهـل (ع) بیت او نقـل شـده است که به جهت فراوانی و کثرت آن هـا بر خی از علما و صاحب نظران در مورد عـدالت مهـدی ادعای اجماع نموده اند.

پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

« یفرج الله بالمهـدی عن الامه، یملا قلوب العباد عباده ویسعهم عـدله به یمحق الله الکـذب ویـذهب الزمان الکلب ویخرج ذل الرق من اعناقکم »(۱)

خداوند به وسیله مهدی از امت رفع گرفتاری میکند دلهای بندگان را با عبادت و اطاعت پر می کند و عدالتش همه جا را فرا می گیرد خداونـد به وسـیله او حیله گری را از بین می برد، روح درنـدگی و ستیزه جویی را نابود می سازد، حقارت و ذلت را از شما بر می دارد

امـام صادق در روایتی، فراگیری و گسترش عـدالت مهـدوی را تشبیه به گرما و سـرما کرده است، یعنی چطور گرما و سـرما به آسانی وارد منازل مردم می شود و در صورت گرم شدن یا سرد شدن هوا، همه نقاط شهر اعم از مکان عمومی و خصوصی از آن دو متـاثر می شود عـدالت مهـدوی نیز به مشابه گرما و سـرما، بـدون ممنوعیت و محـدودیت همه مکان، اعم از مکان های عمومی و خصوصی را در نوردیده و همه مردم از گسترش آن سود خواهند برد.

« اما و الله لیدخلن (القائم) علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر و القر » (۲)

« به خدا قسم که عدالت خود را دردرون خانه های مردم وارد می کند همان گونه که سرما و گرما داخل می شود. »

در این زمینه از امام رضا نقل شده است:

« فاذا خرج اشرقت الارض به نوره و وضع میزان العدل بین الناس، فلا یظلم احد احدا »(۳)

ص:۶۵

۱- طوسی، حسن، کتاب غیبت، ص۱۱۴

۲- نعمانی، محمد، کتاب الغیبه، ص۳۰۷

۳- صدوق، کمال الدین، ص ۳۷۲

« آن گاه که خروج کند، زمین به نورش منور می شود و ترازوی عدل را در بین مردم می نهند پس هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند »

در کتاب زبور پیرامون عدالت منجی می خوانیم:

«ای خدا، شرع و احکام خود را به « ملک » و عدالت خود را به « ملک زاده » اعطا فرما تا این که قوم تو را به عدالت و فقرا تو را به انصاف حکم نماید.»(۱)

در کتاب « اشعیا نبی » آمده است:

«... بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین، به راستی حکم خواهد نمود... کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امامت »(۲)

--

فصل دوم: هم گرایی مسلمانان در باور داشت مهدویت

۱. نظریه ابن خلدون و هم گرایی

اشاره

قبل از ورود به بحث لازم است نظریه ابن خلدون که مدعی است « اندیشه مهدویت ناهمخوان با نظریه همگرایی است » مورد کنکاش و امعان نظر قرار گیرد.

ابن خلدون در کتاب خود فصلی را تحت عنوان « فاطمی منتظر » باز کرده ونظریه خود را پیرامون مهدویت مطرح کرده و گفته است:

« بدان ! مشهور میان تمامی اهل اسلام در گذشته اعصار آن بوده که می باید در آخر زمان مردی از اهل بیت ظهور کند که دین را یاری نموده، عدل را ظاهر می نماید... در این باره به احادیثی احتجاج می شود که پیشوایان گفته اند، اما منکران نیز در این باره سخن رانده اند و چه بسا به اخباری دیگر، با آن مخالفت کرده اند » (۳)

۱- تورات کتاب زبور، مزامیر ۹۶ بند های ۱۰ -۱۳

۲- تورات کتاب اشعیا نبی، باب ۱۱ بند ها ۱- ۵

۳- ابن خلدون، عبدالرحمان، تاریخ ابن خلدون، ج ۱ فصل ۵۲ ص ۲۴۵

پرسش ها و اشکالاتی که از کلام ابن خلدون برداشت می شود بطور کلی در دو قسم قابل پی گیری است:

۱. ضعف روایات مهدوی و عدم شایستگی برای این که مبنای اعتقادات مسلمانان قرار گیرد.

۲.ناهمخوانی باور به مهدی منتظر با نظریه ای که ابن خلدون برای چگونگی پیدایش دولت ها و حکومت ها دارد که بر عصبیت و همگرایی استوار است.

اما در قسمت نخست اشکال،ابن خلدون بعد از طرح مطالبی پیرامون مهدویت به اسناد روایات مهدویت که تعداد آن ها را بیست و سه تا بر شمرده، می پردازد و بر اساس قاعده تقدم جرح بر تعدیل،همه آن ها را به غیر از چهار روایت رد می کند.

برای پاسخ دادن به اشکال اول مواردی چند قابل ذکر است

عملکرد دوگانه: ظاهرا ابن خلدون برای تحقیق و بررسی اخبار و شناخت روایات صحیح و ضعیف، از آگاهی کافی برخوردار نیست، چنان که قواعد رجالی را که فقیهان و محدثان به کار می گیرند نمی داند، تا بتواند به پژوهش درباره سند روایات بپردازد. از این رو وی درباره روایات به شیوه ای قضاوت کرده که پیشتر هیچ یک از پژوهش گران محدث آن را انجام نداده اند. گذشته از این که راه های شناخته شده و ضوابطی که مورخان رعایت کرده اند (و ابن خلدون هم جزء آنان به شمار می آید) را در نظر نگرفته است. علاوه بر این، خود ملتزم به فراگیر بودن قاعده ای (تقدم جرح بر تعدیل در اسناد روایات) که برای پیرایش و تنقیح روایات گفته، نیست ! روشن ترین دلیل آن است که ایشان برای اثبات نظریه (نیاز حکومت به هم گرایی عصبیت) خود روایت « ما بعث الله نبیآ الا فی منعه من قومه » را صحیح می داند در حالی که بنابر قاعده خود ساخته، ابن خلدون، روایت فوق ضعیف می باشد وباید رد شود.

عدم ذکر تمامی احادیث: پس از بیان اخبار مهدویت، ابن خلدون خواننده را به این اشتباه می اندازدکه آن چه آورده تمام یا بیشتر روایاتی است که محدثان گفته اند ! وی می گوید: « همه احادیث را در حدتوان گردآوری کردیم»(۱)

۱- ابن خلدون، عبد الرحمان، تاریخ ابن خلدون ج ۱ فصل ۵۲ ص ۲۴۶

اما وی جز بیست و هشت طریق، برای بیست و سه حدیث نیاورده است. همچنین روایاتی که در کتاب ها مورد تاکید ابن خلدون آمده است و در آن ها از نام مهدی یا از عصر ظهور سخن گفته شده، بیش از پانصد روایت با سند های گوناگون است.

وجود روایات صحیح: ابن خلدون در پایان ذکر اخبار، اعتراف می کند که بنابر مبنای خودش، برخی از روایات صحیح است: (این روایات چنان که دیدیم خالی از نقد نیست، مگر شمار اندکی.)(۱)حتی با در نظر گرفتن قاعده ای که وی برای صحت احادیث بر آن اعتماد دارد، یعنی تقدم جرح بر تعدیل همین میزان سندهای صحیح کافی است که این اخبار را از شمار آحاد بیرون آورده و آن ها را به حد تواتر برساند.(۲)

ایراد مبنایی: قاعده ای که وی برای پژوهش و ارزیابی حدیث بدان معتقد است و می گوید: که جرح مقدم بر تعدیل است به رد بسیاری از احادیث صحیح مسلم و بجاری خواهد انجامید اما ابن خلدون این کار را خوش ندارد. از این رو کوشیده است که این چالش را چنین حل کند که بگوید: (روایات هر دو صحیح ؛ اجماعی بوده، همین برای جبران ضعف سند برای احادیث بخاری و مسلم کافی است.(۳)

اما اگر مقصود وی آن است که هر چه اجماع مسلمانان باشد، مصمون از اشتباه است این امر به طور گسترده در باور مهدویت، به طور ویژه در برخی روایات مربوط به مهدی وجود دارد زیرا بسیاری از بزرگان و علماء اسلامی متواتر بودن اخبار مهدی را ادعا کرده اند. حتی برخی ادعا دارند تمامی مسلمانان معتقدند که این باور برخوردار از اجماع است. شاید آن چه ابن خلدون در آغاز سخنش درباره مهدی فاطمی می گوید ؛ (مشهور میان تمامی اهل اسلام در طی اعصار گذشته...) اشاره به این اجماع باشد. بنابراین هیچ تفاوتی میان صحیح بخاری و مسلم با اخبار مهدی از جهت اجماع وجود ندارد. اما اگر مقصود ابن خلدون این باشد که باور به مهدی و احادیثی که در این باره است از اجماع برخوردار نمی باشند، گفته می شود سخنان وی بر خلاف سخنان عالمانی است که در این باره مطلب نوشته اند اینان از کسانی که مورد اندیشه مهدویت ادعای اجماع کرده اند، یا کسانی که در مدعی اند احادیث مهدویت

۱- ابن خلدون، عبدالرحمان، تاریخ ابن خلدون ج ۱ فصل ۵۲ ص۲۴۶
۲- العمیدی، سامر هاشم، دفاع عن الکافی، ج ۹ ص ۲۳
۳- ابن خلدون، عبدالرحمان، تاریخ ابن خلدون، ص ۲۴۵

متواتر است را نـام برده انـد. در این باره نزدیک به سـی تن از عالمان متخصـص را می توان نام برد که ذکر نام و بیان سـخنان ایشان، ما را از بحث مختصر در این باره خارج می سازد.(۱)

اما اشکال دوم (عدم هم خوانی اندیشه مهدویت با نظریه هم گرایی) و پاسخ آن

ابن خلـدون نظریه هم گرایی را پـایه و اسـاس شـکل گیری حکومت هـا وتـداوم آن ها می دانـد نظریه همگرایی ایشان همان عصبیت است که خاستگاه نژادی و قومی دارد.

ایشـان پس از بیان این مطالب، اشاره می کنـد که انـدیشه و باور به مهـدی با نظریه ای که پیشتر ارائه کرده هم خوانی نـدارد، وی هنگـامی که از آبـادی هـای نخستین و دولت هـا و ملـك و خلافـت هـای فراگیر سـخن گفته بـدین باور رسـیده است که پیدایش دولت ها بر اساس نظریه عصبیت (هم گرایی قومی) است:

« سـخن و باور درستی که می بایست آن را بپذیری، این است که فراخوانی به دین یا حکومتی ممکن نیست مگر آن که توان و قدرت همگرایی وجود داشـته باشد. تا دین یا حکومت بتواند موفق گردد و دیگران قادر باشـند از آن دفاع کنند، تا خواست خداوند در این باره اجرا شود پیشتر با دلایل قطعی که به تو نشان دادیم، چنین نظریه ای را استوار کردیم »(۲)

سـپس نظریه خود ساخته خود را با مساله مهـدویت تطبیق داده و تشـکیل حکومت جهانی توسط حضـرت مهـدی را بعیـد می شمارد:

« عصبیت و هم گرایی قومی فاطمیون (بلکه تمامی قریش) در آخرالزمان و در عصـر ظهور در تمامی سـرزمین ها از بین رفته است و امت هـای دیگری وجود دارنـد که هم گرایی آنان برتر از هم گرایی قومی قریش است، حتی اگر بپـذیریم در حجاز (مکه، ینبع و مـدینه) هنوز مـدعیان از قریش باشـند... اگر ظهور مهـدی درست باشد، دلیلی وجود ندارد که بتوان دعوت کند، مگر به واسـطه هم گرایی و عصبیت قریش تا بدین وسـیله خداوند دل هایشان را به هم پیوند زده، از مهدی پیروی کنند تا وی بتواند شوکت و

۱- المقدم، محمد احمد اسماعیل، المهدی و فقه اشراط الساعه ص ۱۳۰

۲- ابن خلدون، عبد الرحمن، تاریخ ابن خلدون، ص۱۳۶

قدرت لازم را به دست آورد. اما در غیر این صورت به دلایل درستی که برشمردیم... چنین کاری غیر ممکن است.»(۱)

برای این که مقصود از به کارگیری نظریه عصبیت، برای رد اندیشه مهدویت روشن شود باید اصل نظریه ابن خلدون بیان گردد.

تعریف عصبیت

عصبیت رابطه ای اجتماعی ــ روحی است که آگاهانه یا نا آگاهانه افراد معینی را به هم ربط می دهد و بر قرابت و نزدیکی مادی و معنوی استوار است. این ارتباط، مستمر است و هر گاه خطری پیش آید که افراد را به گونه ای شخصی یا گروهی تهدید کند، هم بستگی آشکار شود و پیوند محکم تر گردد.(۲)

گسترش محدوده عصبیت

« در آغاز هم گرایی میان افراد قبیله ای به وجود می آید که دارای نسبت واحدی هستند اما گاه این محدوده تنگ، گسترش می یابد و نسبت هایی همچون دوستی و هم پیمانی با قبایل دیگر را در بر می گیرد که ارتباط نسبی با هم ندارند بدین سبب، قبایل غالبآ برای دفع این خطرها، دست به هم بستگی می زنند و پیمان دوستی می بندند.»(۳)

بی شک این نکته روشن است که هم گرایی قومی و نژادی همیشه دارای عملکرد مثبت جهت تشکیل حکومت و دوام آن نیست بلکه برخی مواقع بالعکس می شود. یعنی هم گرایی قومی عامل منفی جهت انقراض یا پای نگرفتن یک حکومت می گردد، جهت اثبات این مساله می توان به شواهد تاریخی و انبیاء پرداخت که از ناحیه ملیت و قوم خود به شدت مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند.

در این باره شاهدیم نخستین کسانی که در پی شکست دادن رسول خدا بر آمدند، قوم و عمو زادگان پیامبر بودند، اما پیامبر بر اینان به وسیله انصار پیروز شد که پیشتر هیچ ارتباط و دوستی با رسول خدا

۱- همان ص ۱۲۸

۲- الجابری، محمد عابد، فکر ابن خالدون العصبیه والدوله ص ۲۴۵

۳- الجابری، محمد عابد، فکر ابن خالدون العصبیه والدوله ص ۱۱۲

نداشتند، حتی در آغاز کار ارتباط سببی نیز وجود نداشت.(۱) قرآن از دیگر پیامبران با ما سخن می گوید که از نزدیکان و خواص خود بدترین انواع اذیت و آزار را دیدند.

« و این قوم عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند و پیامبر او را نافرمانی نمودند و از فرمان هر ستمگر دشمن حق پیروی کردند. »(۲)

مثلاً در مورد اذیت و آزار شدن رسول خدا توسط عمویش ابولهب در سنن بیهقی چنین نقل شده است:

« طارق بن عبدالله محاربی می گوید: روزی در محل کسب و کار بودم که دیدم رسول (ص)خدا از بازار ذی حجاز می گذشت و لباسی سرخ بر تن داشت، شنیدم فرمود:ای مردم بگویید « لا اله الا الله » تا رستگار شوید، اما مردی در پی ایشان بود که به طرف رسول خدا سنگ پرت می کرد. در نتیجه پاهای رسول خدا خونین شده بود و می گفت:ای مردم ! از سخن این شخص پیروی نکنید زیرا دروغ گو است ! پرسیدم: وی کیست که با سنگ بدو می زند ؟ گفتند: عمویش عبدالغزی ابولهب فرزند عبدالمطلب است »(۳)

امام مهدی نیز هنگام ظهور از ناحیه نژاد و قومیت خود که قریش و اعراب باشند نیز مورد بی مهری قرار گرفته و به خاطر همین حضرت با آنان به شدت برخورد می کند ؛

امام صادق فرموده است:

« اذا خرج القائم لم یکن بینه وبین العرب و قریش الا السیف، ما یاخذ منها الا السیف » (۴)

« هر گاه قائم قیام نمود بین او و اعراب و قریش جز شمشیر نخواهد بود و جز شمشیر از آنان نمی گیرد.»

باز حضرت فرموده است:

« کیف انتم لو ضرب اصحاب القائم الفساطیط فی مسجد الکوفه ثم یخرج الیهم المثال المستانف امر جدید علی العرب شدید »(۵)

۱- شمس الدین زین الدین، شبهادت مهدوی دوران ما، ص ۴۰

۲- هود (۱۱) آیه ۵۹-۶۰

۳- بیهقی، السنن الکبری ج ۶ ص ۲۰۲۱

۴- نعمان، محمد، کتاب الغیبه، ص ۲۳۴ ح ۲۱

۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۶۵ ح ۱۴۲

« حال شما چگونه است زمانی که یاران مهدی خیمه ها را در مسجد کوفه به پا کنند و سپس امام مهدی برای مردم برنامه ای نو بر اساس امری جدید ارائه دهد و برای اعراب سختگیر می باشد. »

پس بنابراین نظریه ابن خلدون در هم گرایی عصبیت، نظریه جامع و کاملی نیست و نمی توان با آن نظریه یک قاعده کلی درست کرد و در صورت فقدان آن شکل گیری انقلاب و نهضت ها نیز استواری و تداوم آن ها را از بین برود.

ارتباط نظریه هم گرایی باانکار مهدویت

چنان که پیشتر گفتیم ابن خلدون با یاری جستن از نظریه ای که برای پیدایش دولت ها گفته است در پی انکار مهدویت و نقش آن در هم گرایی است و اعتقاد دارد باور مهدویت، با نظریه او « که محکم است و بادلیل و برهان ثابت شده » ناهم خوان است. زیرا این نظریه ثابت می کند که هیچ جنبشی یا انقلابی نمی تواند پیروز شود مگر این که دارای هم گرایی باشد، هم گرایی که عامل بشری را برای انقلاب فراهم می آورد. زیرا مهمترین عامل در تقویت هم گرایی حسب و نسب است. پیوند نسبی « چنان که در توضیح نظریه گفتیم » اساس هم گرایی است. از این رو هم گرایی نیازمند منتسبان به حسب و نسب واحدی است که آماده از جان گذشتگی در راهی می باشند که رهبر هم قبیله ای ایشان به آن فرمان می دهد، اگر چنین وضعی را بر مهدی فاطمی تطبیق دهیم در خواهیم یافت هاشمیان و علویان « یعنی گروه فاطمیان که مهدی می تواندر قیامش به ایشان امید داشته باشد » قدرتشان از بین رفته و گروه شان از هم پاشیده است و منقرض شده اند. دیگر کسی از آن ها در یک جا و یک عقیده باقی نمانده اند، مگر اندکی که برای جنبش و انقلاب به کار نمی آیند و نمی توانند گروهی توانمند را تشکیل دهند که مهدی بتواند برای قیام خویش به ایشان امیدوار باشد چه رسد با این که بخواهد دولتی جهان گیر به دور از آفتی هم چون ستم و فساد ایجاد کند.(۱)

در پاسخ به اشکال ابن خلدون مطالب را چنین پی می گیریم:

گر چه ابن خلدون به میزان تاثیر دعوت دینی برای بنیان دولت، و کارآیی ندای دینی اشاره می کند و فصل ویژه ای به این امر اختصاص داده وتو ضیح می دهد: عامل دینی، بر توان و قدرت دولت می افزاید (همان گونه که هم گرایی قومی تاثیر گذار است) در این مورد به دست آوردهای فتوحات اسلامی اشاره می کند. شمار پیکارگران مسلمان در جنگ یرموک، سی هزار و اندی بود در حالی که جنگ جویان رومی،

۱- شمس الدین زین العابدین، شبهات مهدوی دوران ما، ص ۲۶

چهارصـد هزار نفر بودننـد نیز در جنگ قادسـیه، سـپاهیان ایرانی حدود صد و پنجاه هزار نفر بودند اما مسـلمانان سـی هزار نفر بودنـد که این همه قـدرت به خاطر هم گرایی دینی حاصل شـده بود. اما نکته ای که نباید از آن غافل بود و به نو عی با نظریه هم گرایی عصبیت ابن خلـدون هماهنگ است و از این طریق به نفی حکومت جهانی مهدویت می پردازد، مسـتقل نبودن دین و آموزه هـای دین در ایجـاد اتحـاد و وحـدت است به تعـبیر دیگر از نظر ابن خلـدون، هم گرایی از منظر عصبیت (هم گرایی قومی، نژادی) دارای تاثیر مسـتقل است ولی دین و آموزه های آن نظیر مهدویت بطور مستقل نمی تواند هم گرایی ایجاد کند بلکه در کنـار عصـبیت دارای تـاثیر می باشـند. از این رو ابن خلـدون در کتـاب خویش فصـلی را تحت عنوان « فی ان الـدعوه الدینیه من غیر عصبیه لاتتم » (۱)به این امر اختصاص داده و مهدویت را بدون عصبیت در ایجاد وحدت ناتوان قلمداد می کند.

پس نتیجه نظریه و دلیل ابن خلدون را چنین می توان بیان کرد:

هر نهضت و قیـامی زمـانی به پیروزی و هـدف می رسـد که عواملی بیرونی نظیر «عصبیت»، « دین » و « هم پیمـانی» و... آن را پشتیبانی نماید، برخی از عوامل فوق نقش استقلالی دارند نظیر « عصبیت »و بعضی دیگر نقش تکمیلی دارند نظیر دین، یعنی « عصبیت » به تنهایی توان هم گرایی میان بنی آدم را دارد اما مقوله « دین » به تنهایی نمی تواند هم گرایی ایجاد نماید بلکه در کنار « عصبیت » دارای تاثیر هم گرایی است.

بر این اساس وقتی که نژاد و قومیت امام مهدی که همان قریش، فاطمیون و علویان هسـتند، دارای جمعیت قابل توجه ای نمی باشـند، پس یکی از عوامـل مهم هم گرایی در مهـدویت از میـان رفته، امـا عامل دیگر نظیر « دین» که نقش تبعی و تکمیلی را دارد نمی توان در نهضت و قیام امام مهدی (ع) نقش هم گرایی را ایفا نماید، پس می توان چنین نتیجه گرفت که نهضت امام مهدی جهت استیلاء بر جهان و تشکیل حکومت جهانی، غیر ممکن و بدور از منطق می باشد.

در پاسخ گفته می شود:

چنان که گفته شد، تاریخ صدر اسلام نمونه بارزی است برای رد نظریه عصبیت ابن خلدون، زیرا هم گرایی که در میان مردم صدر اسـلام بود و سـبب تقویت و تعمیق اسلام پویا و تازه تاسیس گردید از ناحیه انصار که از قومیت و نژاد پیامبر اکرم (ص) نبودند حاصل شد، و اسلام در مدت زمان کوتاهی، در گستره

۱- ابن خلدون، عبد الرحمان، تاریخ ابن خلدون

و قلمروی وسیعی، گسترش پیدا کرد و قریش و قومیت رسول خدا نه تنها حمایت و همراهی نکردند بلکه در مقابل با کار شکنی و توطئه، در صدد امحای دین اسلام نیز بر آمدند و باز در فرآیند تاریخ اسلام پیروزی های فراوان لشگریان اسلام که با قومیت و موقعیت مختلف جغرافیایی در کنار هم جمع شده بودند، و با جان فشانی تمام به دفاع از اسلام و کیان اسلامی می پرداختند و با عده و عده قلیل بر عده و عده کثیر پیروز می شدند، همه حکایات از کار آمدی دین و آموزه های دینی در ایجاد هم گرایی و اتحاد در جامعه اسلامی دارد، پس نمی توان نظریه ابن خلدون را پیرامون هم گرایی، که عصبیت که به صورت مستقل تاثیر گذار بوده و نیز نقش دین « در هم گرایی » به صورت غیر مستقل بلکه با « عصبیت » تاثیر گذار می باشد، پذیرفت.

۲. جایگاه مهدویت و نقش آن

اشاره

گروه های مختلف اسلامی در اصل اعتقاد و باور به مهدویت اتفاق نظر و هماهنگی دارند اندیشه مهدویت، اندیشه ای فراگیر و فرا مذهبی است و همه گروه های اسلامی بدان اعتقاد قلبی دارند از این رو دو گروه عمده اسلامی یعنی اهل سنت و شیعه انکار امام مهدی و ظهور او را کفر و خروج از دین اسلام تلقی می نمایند. پیامبر اکرم فرموده است: « من انکر القائم من ولدی فقد انکرنی، »(۱) « هر کسی که قائم از فرزندان مرا انکار کند در واقع مرا انکار کرده است.»

باز فرموده است: « من انکر القائم من ولدی فی زمان غیبه مات میته جاهلیه » (۲)« هر کس که مهدی قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. »

همچنین در منابع اهل سنت آمده است که پیامبر اکرم فرموده باشند:

« من کذب بالمهدی فقد کفر »(۳) « هر کس مهدی را انکار کند به راستی کافر است »

باز فرموده است:

« من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد » (۴)« هر کس ظهور مهدی را انکار کند، به آنچه بر محمد نازل شده کفر ورزیده است »

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۷۳،ج ۲۰

۲- همان،ج ۲۱

۳- المبار الکفوری، تحفه الاحوذی، ج ۶ ص ۴۰۲

۴- قندوزی، ینابیع الموده ج ۳ ص ۲۹۵، باب ۷۸، ج ۱، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۴

روایات ذکر شده و امثال آن ها در منابع روائی و تاریخی شیعه و اهل سنت فراوان نقل شده که همه آن ها حکایت از اهمیت و خطیر بودن اندیشه مهدویت از منظر مسلمانان دارد

متواتر بودن روایات مهدویت

هم چنین مهم بودن اندیشه مهدویت نزد اهل سنت و شیعه را می توان از ادعای تواتری که آز ناحیه علمای اسلامی شده برداشت کرد. این مهم در منابع مهم اسلامی آمده است.

به عنوان مثال، حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی در کتاب البیان گفته است:

« تواترت الاخبار و استفاضت، بکثره رواتها عن المصطفی فی امر المهدی »(۱)

« احادیث پیامبراکرم پیرامون حضرت مهدی به دلیل راویان بسیاری که دارد به حد تواتر رسیده است. »

ابن حجر عسقلانیدر کتاب « فتح باری » که در شرح « صحیح بخاری » نوشته است می گوید:

«تواتر الاخبار بان المهدی من هذه الامه ان عیسی ینزل و یصلی خلفه »(۲)

« اخبار متواتر رسیده که مهدی از این امت است و عیسی از آسمان می آید و پشت سر مهدی نماز خواهد خواند.»

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می گوید: « اتفاق تمام فرقه های مسلمین است که دنیا و دین و تکلیف تمام نمی شود مگر با مهدی موعود »(۳)

در« اسعاف الراغبین » آمده است:

« همانا اخبار متواتری از پیامبر اکرم رسیده است که مهدی قیام می کند و او از اهل بیت پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد می کند. »(۴)

علامه برزنجی در کتاب « الاشاعه لاشراط الساعه »می نویسد:

« روایاتی که در آن ها از ظهور مهدی نام برده شده زیاد و در حد تواتر است و بعضی از آن ها صحیح و بعضی حسن و بعضی ضعیف می باشد و این نکته و این دسته بیشترین می باشد و لکن به خاطر کثرت

۱- گنجی شافعی، حافظ ابو عبدالله، البیان

۲- عسقلانی، ابن حجر « فتح الباری »

۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰ ص ۹۶

۴- الصبان، محمد، اسعاف الراغبین باب ۲ ص ۱۳۸

راویـان آن هـا، دسـته ضـعیف به وسـیله دسـته قوی تقویت و موجب قطع می باشـد و آن چه قطعی است این است که ظهور او مسلم است و از اولاد فاطمه و پر کننده زمین از عدل می باشد.»(۱)

شیخ علی ناصف می نویسد:

« مشـهور میان علما ی گذشته و حال این است که در آخرالزمان مردی از اهل بیت به نام مهدی قیام می کند و مسلمانان از او پیروی کرده و دین را یاری می کند، دجال ظاهر می شود و عیسی نازل می گردد و با مهدی یا او به تنهایی دجال را می کشند و بزرگان صـحابه و اکابر محـدثین نظیر ابی داوود ترمزی، ابن ماجه، طبرانی، ابی یعلی، بزار، امام احمد و حاکم روایات مهمی را نقل کرده اند و کسانی چون ابن خلدون که همه روایات مهدی را تضعیف می کنند اشتباه کرده اند. »(۲)

اما اثبات تواتر از منظر شـیعه دارای وضوح وروشـنی خاص است، زیرا جایگاه مهدویت از منظر شـیعیان به قدری مهم و قطعی است که حتی برخی از افراد مغرض و دارای نیات سوء، خاسـتگاه مهدویت را مذهب تشیع دانسته و رواج و شیوع مهدویت در میان اهل سنت را از طرف علمای شیعه تلقی نموده اند، از این رو مسلم بودن و متواتر بودن باورداشت مهدویت میان شیعیان به قدری روشن است که نیاز به ارائه دلیل و برهان نیست.

پاسخ مراکز رابطه العالم الاسلامی وهابی ها به پرسش مهدوی

جهت اثبات جایگاه مهدویت واعتقادی بودن آن از منظر اهل سـنت، به پاسـخی که از ناحیه رابطه العالم الاسلامی، مرکز مهم دینی وهابی ها، به پرسـش یک نفر مسـلمان سنی از اهالی کنیا « پیرامون جایگاه مهدی منتظر، از زمان ظهور او و از مکانی که حضرت ظهور می فرماید و مسائل دیگر مهدویت » داده شده اشاره می شود:

مهـدی، محمـد بن عبـدالله حسـنی، علوی و فـاطمی است و او مهـدی موعود منتظر است موقع ظهور وی در آخرالزمان است و ظهورش از نشانه های قیامت می باشد از غرب ظاهر می شود و در حجاز در مکه مکرمه بین « رکن » و « مقام » با آن حضـرت بیعت می نمایند.

۱- البرزجی، محمد الاشاعه لاشرط الساعه، ص ۸۷

۲- ناصف، علی، نمایه المامول، ج ۵، ص ۳۸۲

هنگامی که کفر و ظلم و فساد، عالم را فرا گرفته باشد او ظهور می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد بر همه جهان حکومت خواهد کرد و همه جهانیان در برابر او سر تعظیم فرو خواهند آورد و همگی تسلیم وی خواهند شد، یا به میل و دلخواه یا با نبرد.

او تمام روی زمین را مالك خواهد شد و حضرت عیسی بعد از ظهور او، از آسمان فرود می آید و « دجال » رارا می کشد ویا همراه با ظهورش از آسمان فرود می آید و حضرت مهدی را بر کشتن دجال بر در دروازه « لد » در سرزمین فلسطین، یاری می دهد.

مهدی آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر از آن ها خبر داده است و در منابع اهل سنت آمده است.

احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از « صحابه » از شخص پیامبر اکرم (ص) نقل کرده اند که از جمله آن ها است:

عثمان بن عفان، علی ابن ابی طالب، طلحهبن عبید الله، عبد الرحمان بن عوف، عبد الله بن عباس، عمار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابوسعیدخدری، ثوبان، قره بن اساس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، حذیقه بن یمان جابر بن عبدالله، ابو امامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین وام سلمه.

این ها بیست نفر از کسانی هستند که روایات راجع به مهدی را نقل کرده اند و غیر از این ها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند. سخنان فراوانی نیز از خود « صحابه » نقل شده است که در آن ها به ظهور حضرت مهدی تصریح گردیده است و آن ها را نیز می توان در ردیف روایات پیامبر (ص) قرار داد، زیرا مساله ظهور مهدی از مسایلی نیست که بتوان در آن اجتهاد کرد.

روایاتی که درباره ظهور مهدی (ع) منتظر از شخص رسول اکرم نقل شده وآن چه را که صحابه پیامبر (ص) با اعتماد به گفته رسول خدا (ص) بیان کرده اند (و شهادت و گواهی آنان نیز در حکم حدیث است) در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر اکرم (ص) اعم از سنن، معاجم و مسانید آمده است که از جمله آن ها است: سنن ابو داوود، سنن ترمزی، سنن ابن ماجه، سنن ابی عمر و الدانی، مسند احمد و ابن یعلی و بزار صحیح حاکم، معاجم طبرانی، رویانی، دارقطبی و ابو نعیم در کتاب « اخبار المهدی » و خطیب در « تاریخ بغداد » وابن عساکر در « تاریخ دمشق » و غیر این ها.

و بعضی از دانشمندان اسلامی درباره مهدی کتاب های ویژه ای نوشته اند که از آن جمله است:

ص:۷۷

ابو نعیم در کتاب « اخبار المهـدی »، ابن حجر هیثمی در کتاب « القول المختصـری فی علامات المهـدی المنتظر »، شوکانی در کتـاب « التوضـیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر و الـدجال والمسـیح » ادریس عراقی مغربی در کتـاب « المهـدی »، ابوالعباس بن عبـدالمؤمن المغربی در کتـاب « الـوهم المکنـون فی الرد علی ابـن خلـدون » و آخرین کسـی که در این زمینه بحث مشـروحی نگاشته، مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.

عـده ای از بزرگان و دانشـمندان متقدم و متاخر نیز در نوشـته های خود تصـریح کرده اند که احادیث مربوط به مهدی متواتر است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست) از آن جمله است.

سـخاوی در کتـاب « فتـح المغیث » محمـد بن احمـد سـفارینی در کتـاب « شـرح العقیـده » ابوالحسن آبری در کتاب « مناقب الشافعی » ابن تیمیه در کتاب فتوایش سیوطی در کتاب « الحاوی »، ادریس عراقی در تالیفی که درباره « مهدی » دارد شوکانی در کتاب « التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر و الدجال والمسیح » محمد بن جعفر کنانی در « نظم المتناثر فی الحدیث التواتر » و ابوالعباس بن عبدالمؤمن در کتاب « الوهم المکنون من کلام ابن خلدون »

واین تنهـا ابن خلـدون است که احـادیث مربوط به مهـدی را بـا احـادیثی مجهول و سـاختگی و بی اسـاس که می گویـد: « لا مهـدی الاـ عیسـی » مـورد ایراد قرار داده اسـت و لکـن بزرگـان، پیشوایـان و دانشـمندان اسـلام گفتـار او را رد کرده انـد و به خصوص، ابن عبـدالمؤمن که در رد گفتـار او کتاب ویژه ای به نام « الوهم المکنون من کلام ابن خلـدون » نوشـته است که از ۳۰ سال قبل در شرق و غرب منتشر شده است.

حافظـان، بزرگان و دانشـمندان علم حـدیث نیز تصـریح کرده انـد که احادیث مربوط به مهـدی شامل احادیث « صـحیح » و « حسن » است و مجموع آن ها متواتر و صـحت آن ها قطعی است بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی بر هر مسـلمانی واجب است و جز عقاید اهل سنت و جماعت است و جز افراد نادان و بی اطلاع از اسلام و بدعتگزار منکر آن نخواهد بود.(۱)

با توجه با پاسخ مرکز الرابطه العالم الاسلامی دو نکته قابل ذکر است:

۱. با این که وهابیان از تنـد روترین گروه های اسـلامی اهل سـنت به شـمار میرونـد مساله مهدویت و تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی را پذیرفته و با سایر فرق مسلمین در این خصوص هم گرایی و هم نظری دارند و نیز بطور جدی از آن دفاع می کند و آن را جز عقاید رسمی خود تلقی می نمایند.

۱- نک، هاشمی شهیدی، سید اسد الله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ومذاهب و ملل جهان، ص۱۲۵

۲. غیر از مطالبی که در صدر پاسخ آمده بود و امام مهدی را فرزند عبدالله خطاب کرده، مابقی مطالب در بیانیه مرکز رابطه العالم الاسلامی « مرکز مهم دینی وهابی ها » در راستای اعتقادات گروه های دیگر اسلامی از جمله گروه تشیع می باشد.

کثرت روایات مهدویت

کثرت روایات مهدویت از ناحیه اهل سنت و شیعه که در منابع حدیثی و تاریخی آمده است، حکایت از اهمیت موضوع مهدویت و اهتمام مسلمانان به آن دارد مثلاً روایاتی که درباره مهدی موعود و صفات و جزئیات زندگی آن مصلح جهانی، از پیامبر (ص) و سایر پیشوایان معصوم (ع) وارد شده است و علمای شیعه و سنی آن ها را در منابع معتبر خود آورده اند، بیرون از شمارش است، از این رو، فقط فهرست قسمتی از آن ها را در ذیل خواهیم آورد:

۴۸ حدیث پیرامون نام و کنیه امام مهدی

۱۳۶ حدیث پیرامون دوازدهمین امام بودن امام مهدی

۲۱۴ حدیث پیرامون این که امام مهدی دهمین فرزند امیر مؤمنان است

۱۹۲ حدیث پیرامون این که از فرزندان حضرت زهرا است

۳۰۸ حدیث پیرامون این که وی نهمین فرزندامام حسین است

۱۵ حدیث پیرامون دین و آئین امام مهدی است

۴۷ حدیث پیرامون دعوت به اسلام و تشکیل حکومت جهانی است

۱۲۳ حدیث پیرامون عدالت گستری امام مهدی است

۶۵۸ حدیث پیرامون ظهور و نشانه ظهور است

البته تفصیل مطلب فوق در کتاب ظهور حضرت مهدی اثری از سید اسد الله هاشمی شهیدی آمده است (۱)که همه آن ها حکایت از خطیر بودن اندیشه مهدویت در میان مسلمانان دارد.

از جمله مواردی که جدی بودن باور داشت مهدویت در میان منظومه معارف اسلامی را نشان می دهد، تلاش و جدیت علمای اسلامی در طول تاریخ اسلامی است که جهت حفظ و صیانت اندیشه

۱- هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی، مسجد مقدس جمکران، ص ۷۹

مهـدویت و انتقال آن ها به نسل های بعدی به کتاب ها وتالیفات مسـتقلی، دست زده اند که در ذیل به نمونه های از آن اشاره می شود:

تالیفات اندیشمندان اهل سنت پیرامون مهدویت

۱. البیان عن اخبار صاحب الزمان، تالیف ابن مغازلی شافعی

۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان، تالیف حافظ کنجی شافعی

۳. عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر، تالیف یوسف بن یحیی مقدس شا فعی

۴. احوال صاحب الزمان، تالیف شیخ سعدالدین حموی

۵. المهدی، تالیف ابن قیم حوزیه

۶. العرف الوردی فی اخبار المهدی، تالیف حافظ جلال الدین سیوطی

۷. القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، تالیف ابن حجر مکی

۸. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، تالیف علی متقی هندی

۹. فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر، تالیف مرعی بن یوسف کرمی مقدسی جبنلی

علاوه بر کتاب های نامبرده کتاب های دیگر نیز در عرصه مهدویت، در تالیفات اهل سـنت به رشـته تحریر در آمده است، که در واقع همه آن ها حکایت از مهم بودن اندیشه مهدویت از منظر اهل سنت دارد.

تالیفات اندیشمندان شیعه پیرامون مهدویت

اهتمام جـدی و فوق توان علمای شیعه در عرصه مهـدویت و دغدغه فوق العاده آن ها نسـبت به حفظ کیان اندیشه مهدویت، سبب شده تا برخی از افراد مخالف چنین ادعا کنند که خاسـتگاه اندیشه مهدویت مذهب تشـیع می باشد و با این نگاه اتهاماتی را متوجه انـدیشه مهـدویت کرده و چنین گفته اند درفرهنگ اسـلام آموزه ای به نام مهدویت نداریم بلکه مذهب تشـیع باعث شکل گیری و تقویت و نفوذ آن در میان باروهای اهل سـنت شـده است، البته این مطالب همه نشان از جدیت علمای شـیعه در راسـتای تقویت و ترویـج مهدویت در میان مسـلمانان دارد از این رو کتاب ها و تالیفات فراوانی از سوی آن ها به رشـته تحریر

در آمده است که در ذیل به برخی از آن ها اشارت می شود:

ص:۸۰

۱. اکمال الدین. تمام النعه،تالیف شیخ صدوق

۲. غیبت، تالیف محمد ابن ابراهیم نعمانی

۳. الوجیزه فی الغیبه، تالیف سید مرتضی علم الهدی

۴. کتاب الغیبه، تالیف شیخ طوسی

۵. الملام والفتن، تالیف سید بن طاوس

۶. اعلام الوری، تالیف امین الاسلام طبری

۷. المحجه فیما نزل فی القائم الحجه، تالیف سید هاشم بحرانی

۸. بحار الانوار ج ۵۱، ۵۲، ۵۳، تالیف محمد باقر مجلسی

۹. اثبات المهدی، تالیف شیخ حر عاملی

و دها کتاب دیگر که به جهت اختصار از ذکر آن ها صرف نظر می شود همه حکایت از اهتمام علمای اسلامی نسبت به مساله مهدویت دارد.

شاید بتوان چنین ادعا کرد که بعد از اصول بنیادی اسلام نظیر توحید، نبوت و معاد و بعد از اعتقاد به قران به عنوان کتاب مقدس آسمانی، باور و اعتقادی به وسعت قلمروی مهدویت که مورد قبول همه گرو های اسلامی باشد پیدا نکنیم از این رو مهدویت و اعتقاد به آن، سوژه مناسب و خوبی است تا به وسیله آن اتحاد و هم بستگی را در میان باور مندان به مهدویت تقویت گردد، البته نقش علما و اندیشمندان اسلامی در این عرصه و به کار گیری سوژه مهدویت جهت نیل مسلمانان و جوامع اسلامی به سوی اتحاد و هم گرایی، نقش بی بدیل و انحصاری است.

بی تردید لازمه رسیدن به جامعه متحد و هم گرا نیاز به اشاعه و ترویج مهدویت و آموزه های آن که به نوعی مورد قبول همه گروه های اسلامی است می باشد، از این رو در این نوشتار سعی و تلاش شده تا برخی از آموزه های مهدویت که آموزه های هم سو و مورد کلیه گروه های اسلامی است برجسته و ترویج شود.

۳. مؤلفه های هم گرایی در باور داشت مهدویت

اشاره

در میان منظومه معارف مهدوی، بسیاری از معارف، مورد قبول و اذعان همه گروه های اسلامی است به تعبیر دیگر غالب

معارف مهدوی، معارف هم سو تلقی می شوند یعنی گروه های اسلامی در آن ها هم

ص:۸۱

سویی و هم گرایی دارند و اگر با این نگاه معارف مهدویت را مورد محاسبه قرار دهیم، شاید ادعای گزافی نباشد اگر بگویم نود و پنج در صد از آن ها، جزو معارف هم سو هستند از این رو می توان ادعا کرد که در میان باورهای اسلامی نقش مهدویت در وحدت بخشی و اتحاد آفرینی، نقش مهم و تاثیر گذار است.پس لازم است با معرفی آموزه های هم سو در مهدویت و برجسته کردن آن ها به جامعه ای ایدآل اسلامی که همان جامعه متحد و هم نظر است رهنمون شویم.

۳-۱. ظهور و حتمیت آن

از جمله باور های هم سو در اندیشه مهدویت که مورد اذعان و باور همگانی است و گروه های اسلامی نسبت به آن هم نظر و هم رای هستند، مساله ظهور امام مهدی و حتمیت آن است.

ظهور و حتمیت آن دارای دو خاستگاه است یک بار ظهور و حتمیت آن از منظر دین دنبال می شود و بار دیگر فطرت به دنبال اثبات ظهور و حتمیت آن است پس دو عامل اساسی به نام دین و فطرت پشتیبان حتمیت تحقق ظهور هستند

از آن جای که مهدی باوران علاوه بر این که جزو باورمندان دین اسلام بوده و در راستای تبعیت از فرامین اسلام به اذعان و اعتقاد ظهور و حتمیت آن رسیده اند از طریق فطرت که در مساله حتمیت هم نوا با این دیت است نیز به حتمیت ظهور، پی برده و به باور مضاعفی رسیداند.

روشن است که اثبات حتمیت ظهور از منظر فطرت به خاطر حس عدالت خواهی و ظلم ستیزی انسان می باشد زیرا خداوند متعال در وجود همه انسان ها یک گرایش مرموزی به نام فطرت قرار داده که بر اساس آن گرایش، انسان ها عدالت خواه و ظلم ستیز می باشند و در طول تاریخ، بشر به صورت فرا گیر به پاسخ این حس غریب و مرموز راه پیدا نکرده است و بی پاسخ ماندن آن گرایش نیز با حکمت خدای حکیم در تهافت است از این رو باید روزی فرا رسد و بشر به پاسخ آن ندای فطری خود نائل آید و آن روز همان روز موعود و ظهور منجی است.

پس با عنایت به همگانی بود حس فطری ظهور، زمینه هم گرایی میان باور مندان به مهدویت فراهم می شود.

ص:۸۲

آموزه های دینی نیز در راستای زمینه سازی جهت اتحاد و هم گرایی میان مسلمانان، به موضوع ظهور و حتمیت آن نظر داده و در احادیث گوناگون به بیان آن پرداخته اند که در ذیل به برخی از آن ها که در منابع اهل سنت و شیعه آمده خواهیم پرداخت:

ابو داود سیستانی در کتاب « سنن » که یکی از کتب صحاح شش گانه است از ابی طفیل از علی (ع) نقل می کند که رسول خدا فرمود:

« لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلامن اهل بیتی، یملاهاعدلا کما ملئت جورا »(۱)

« اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا بر انگیزد تا زمین را پر از عدل و داد کند چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد.»

هم چنین ترمذی در کتاب « سنن» از ابو هریره نقل می کند که پیامبر اکرم (ص) فرمود:

« لو لم یبق من الدنیا الا یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یلی رجل من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی »(۲)

« اگر به پایان دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را به حدی طولانی می سازد تا مردی از اهل بیت من که هم نام من است زمام امور را به دست بگیرد.»

متقی هندی مولف کتاب «کنزالعمال » فتاوای چهار تن از علمای مذاهب اربعه از اهل مکه، یعنی ابن حجرهیثمی شافعی، شیخ احمد ابو السرور بن صباحنفی، شیخ محمد بن محمد خطابی مالکی و شیخ یحیی بن محمد حنبلی پیرامون فردی که منکر ظهور امام مهدی است، گفته اند چنین فردی باید مجازات شود و تصریح کرده اند که واجب است چنین شخصی را بزنند و او را تحقیر کنند تا ادب شود و به حق روی آورد و در غیر این صورت واجب القتل و مهدور الدم است.(۳)

نتیجه ای که از نقل روایات اهل سنت و نیز فتاوای علمای آن ها پیرامون منکرین ظهور امام مهدی به دست می آید این است که ظهور امام مهدی نزد اهل سنت یک مساله اعتقادی بوده و اهل سنت ایمان اسلامی را بدان گره زده اند، پس یکی از باورها و معتقدات اصیل اهل سنت همان ظهور امام مهدی و حتمیت آن است.

همچنین از منابع شیعه پیرامون حتمیت امام مهدی نقل شده است.

۱- سیستانی، ابو داوود، سنن، ج۲، ص ۳۱۰
۲- ترمذی، سنن، ج ۳ ص۳۴۳ باب ما جاء فی المهدی، کتاب الفتن، ج ۲۳۳۲
۳- متقی هندی، کنز العمال ف ج ۱۴ ص ۲۵۲

پیامبر اکرم فرموده است:

« لا تقوم الساعه حتی یقوم القائم الحق منا وذلک حین یاذن الله عزوجل له....»(۱)

« قیامت بر پا نمی شود تا هنگامی که قائمی از ما به حق قیام کند و این هنگامی است که خدای تعالی اذن ظهورش دهد. »

در این زمینه امام باقر فرموده:

« من المحتوم الذی حتمه الله قیام قائمنا، فمن شک فی ما اقول، لقی الله و هو به کافر وله جاحد »(۲)

« قیام قائم ما از وعده های حتمی خداوند است. هر کس در این گفتار که می گویم شک و تردید به خود راه دهد، خدا را به حال کفر و انکار ملاقات خواهد کرد.»

پیرامون حتمیت ظهور، مساله ای مطرح است و آن این که موضوع حتمیت که پسوند واژه ظهور است به چه معنای است ؟ آیا می توان احتمال داد که جهان به پایان برسد بدون این که ظهوری رخ دهد.

شاید طرح پرسش فوق به دو جهت باشد. نخست این که در میان باورهای اسلامی، باوری داریم به نام « بدا » که با وجود « بدا » برخی از رخداد ها یا اصلاً واقع نمی شود و یا این که از لحاظ کمیت و کیفیت، تغییر و تحول پیدا می کندو یا این که از لحاظ زمان، تقدم یا تاخر پیدا می نماید. از این رو آیا می توان موضوع « بدا » را درمورد ظهور به کار برد و آن را تغییر و تحول، تقدم تاخر ویا این که اصلاً، اصل رخ داد آن را زیر سوال برد ؟

جهت دوم این که در برخی از روایات، نشانه های ظهور به دو قسم حتمی و غیر حتمی تقسیم شده است، (سفیانی، ندای آسمانی، یمانی، قتل نفس زکیه، خسف بیدا، نشانه های حتمی هستند) و وقتی پیرامون نشانه های حتمی از معصوم سوال می شود که آیا احتمال دارد ظهور رخ دهد ولی نشانه های حتمی به وقوع نپیوندد ؟ در پاسخ می فرماید: بلی، این احتمال است پس وقتی نشانه های حتمی غیر حتمی می شوند، در مورد حتمیت ظهور نیز این احتمال وجود دارد که اصلاً ظهوری رخ ندهد.

جهت پاسخ به پرسش های فوق به روایتی از امام باقر که در این زمینه وارد شده، تمسک می جوئیم.

« راوی از حضرت سوال می کند که آیا در امور حتمیه نیز ممکن است برای خدا بدا حاصل شود ؟ امام فرمود: آری، گفته شد: می ترسیم که در مورد ظهور قائم (ع) آل محمد (ص) نیز تبدا حاصل شود !

۱- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۵۱، ص۶۵

۲- همان، ص۱۳۹

فرمود: نه، ظهور قائم از « میعاد » است.(۱)بعد امام باقر به آیه شریفه اشاره می کند که می فرماید: « ان الله لا یخلف المیعاد » (۲)« قطعا خداوند در وعده (خود) خلاف نمی کند. »

و در تفصیل مطالب بالا باید گفت:

« بشر در فرایند زندگی خود جهت رسیدن به هدف و مقصودی که خداوند برای او در نظر گرفته، نیاز به هادی و راهنما دارد، انبیاء به عنوان سفیران الهی با قبول مسئولیت، مبادرت به راهنمای و هدایت بشر نموده اند، انبیاء جهت موفقیت در انجام رسالت خود به دو عامل اساسی یعنی انزار و تبشیر بهره جسته اند، خداوند متعال در کتب مقدس، به ویژه قرآن کریم، به تاثیر و خطیر بودن آن دو عامل اشاره نموده است. »

حقیقت انزار همان ترساندن انسان و هشدار دادن به آن ها نسبت به عذاب الهی است به تعبیر دیگر انزار همان وعید و جزاء خدا می باشد.

حقیقت تبشیر همان بشارت و مژده دادن به انسان نسبت به نعمت های الهی است به تعبیر دیگر تبشیر همان وعده و پاداش حق تعالی می باشد.

بر اساس رویه عقل وعقلا، عمل کردن بر طبق وعده و تبشیر لازم و ضروری است که خلاف آن یعنی عمل نکردن به وعده، خلاف عقل و به نوعی کاذب بودن فرد تلقی می شود.

اما بر اساس سنت عقل و عقلاء عمل کردن طبق وعید و انزار لازم و ضروری نیست بلکه خلاف آن یعنی عمل نکردن بر اساس وعید نوعی ایثار و تفصل به حساب می آید.

بر این اساس وقتی به موضوع ظهور ونشانه های آن دقت می شود این نکته مسجل می شود که نشانه های حتمی ظهور نظیر صیحه آسمانی، خروج سفیانی و... به نوعی به سختی افتادن مردم و نیز هشدار باش به آن ها می باشد ودر واقع آن ها در غالب وعید و انزار خدا تفسیر می شوند اما، ظهور امام مهدی که سرآغاز خوش بختی و سعادت مندی بشر است در غالب وعده و تبشیر خدا توجیه می شود. که خلاف آن یعنی عدم تحقق ظهور با حکیم بودن خدا ناسازگار است.

۳-۲. نام و اوصاف امام مهدی

ص:۸۵

۱- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار ج ۵۲ ص۲۰۵، نعمانی، محمد ابراهیم، غیبت، ص ۱۶۲

۲- آل عمران (۳) آیه ۹

گرچه بر اساس دیدگاه تشیع امام زمان با اسم خاص نامبرده نمی شود اما در اصل این موضوع که ایشان هم نام و هم کنیه با پیامبر اکرم است با اهل سنت اتفاق نظر وجود دارد.

مثلاً در منابع اهل سنت آمده است:

رسول خدا فرموده:

« لا تقوم الساعه حتی یلی رجل من اهل بیتی، یواطی اسمه اسمی »(۱)

« قیامت بر پا نمی شود تا این که مردی از اهل بیت من که هم نام است به حاکمیت برسد.»

و باز فرموده است:

« یخرج فی آخر الزمان رجل من ولدی، اسمه کاسمی و کنیته ککنیتی »(۲)

« در آخر زمان مردی از اهل بیت من که هم نام و هم کنیه من است قیام می کند »

در منابع شیعه آمده است

رسول خدا فرموده:

« لن تنقضی الایام و اللیالی حتی یبعث الله رجلاً من اهل بیتی، یواطی اسمه اسمی »(۳)

«روزها و شب ها نمی گذارند (دنیا به پایان نمی رسد) تا این که خداوند، مردی از خاندان مرا بر انگیزد که هم نام من است »

باز رسول خدا فرموده:

« المهدی من ولدی، اسمه اسمی، و کنیته کنیتی، اشبه الناس بی خلقا وخلقا »(۴)

« مهدی از فرزندان من است، نام او نام من و کنیه اش کنیه من، از نظر سیرت و صورت شبیه ترین مردمان به من است.»

روایات فوق و امثال آن ها که در منابع دینی اعم از اهل سنت و شیعه بسیار نقل شده به سه شاخصه امام مهدی یعنی هم کنیه و همنامی با پیامبراکرم ونیز از اهل بیت و عترت رسول خدا بودن اشاره شده است.

۱- احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱ ص ۲۷۶
۲- عقد الدرر باب ۲ ص ۳۲
۳- مرکز الرساله، المهدی المنتظر فی الکفر الاسلامی، ص۶۸
۴- بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۷۱، ج۱۳

۳-۳. جوان بودن امام مهدی

رهبر نهضت جهانی، قیام خود را در سنین جوانی آغاز می کند، جهانی بودن نهضت و فراگیر بودن مسئولیت و خطیر بودن رسالت می طلبد، رهبر جهانی با یک نیرو و پتانسیل قوی، به ایفای رسالت و انجام مسئولیت بپردازد از این رو لازم است رهبر جهانی امام مهدی که به شاخصه جوانی مزین باشد تا در انجام مسئولیت جهانی که همان هدایت بشر به سر منزل مقصود است و نیز اجرای عدالت به شکل فراگیر در کران تا کران زمین است، موفق گردد.

در منابع شیعه آمده است.

امام صادق فرموده:

« ان من اعظم البلیه ان یخرج الیهم صاحبهم شابا وهم یحسبونه شیخا کبیرا »(۱)

« از امتحانات بزرگ خداوندی است که صاحب شان به صورت جوانی ظاهر می شود در حالی که آن ها او را پیری کهنسال می پندارند.»

باز از حضرت صادق نقل شده است:

« ان فی صاحب الزمان شبها من یونس، رجوعه فی غیبه بشرح الشباب »(۲)

«در صاحب الزمان نشانی از حضرت یونس است و آن این که بعداز غیبتش به صورت جوان ظاهر می شود. »

در منابع اهل سنت نیز به جوان بودن امام مهدی در هنگام قیام اشاره شده است.

ابی سعید خدری از پیامبر اکرم نقل کرده است:

« یقوم فی آخرزمان رجل من عترتی، شاب حسن الوجه،اجلی الجبین، اقنی الانف »(۳)

« در آخر زمان مردی از عترت من که جوان خوش چهره و پیشانی گشاده و بینی کشیده است قیام می کند »

ابن عباس از رسول خدا نقل کرده است:

« المهدی شاب منا اهل البیت » (۴)

۱- النعمانی، محمد، کتاب الغیبه، ص ۱۹۴

۲- الطوسی، حسن، الغیبت، ص ۴۲۱

٣- السنن الوارده فی الفتن ص ٩۴
۴- نعیم ابن حماد المروزی، کتاب الفتن، ص ٢٢٨

«مهدی جوانی از اهل بیت می باشد »

پس از جمله مواردی که گروه های اسلامی در آن اتفاق نظر دارند جوان بودن امام مهدی هنگام ظهور است اما در کنار این هماهنگی تفاوت های نیز وجود دارد که لازم است تبیین شود.

اولاً اهل سنت اعتقاد دارند که امام مهدی هنگام ظهور از لحاظ چهره و سن جوان است ولی شیعه اعتقاد دارد که امام مهدی از لحاظ چهره جوان ولی از لحاظ سن پیر است.

ثانیاً تفاوت دیگر این که اعتقاد اهل سنت پیرامون جوان بودن امام مهدی از راه طبیعی اثبات پذیر است ولی اعتقاد شیعه پیرامون جوانی امام مهدی از راه اعجاز قابل توجیه است.

ثالثاً تفاوت سوم این که طبق اعتقاد شیعه امام مهدی از لحاظ سنی جوان نیست که لازمه چنین ادعای، ادعای طولانی بودن عمر امام مهدی را به همراه دارد ولی اهل سنت بر اساس دیدگاه خودشان نیاز با اثبات طول عمر برای امام مهدی نیستند.

۳-۴. نسب امام مهدی

اشاره

یکی از راه های شناخت امام مهدی شناخت اصل و نسب او است البته شناخت اصل و نسب در شناسایی امام مهدی، شرط لازم است نه شرط کافی، از این رو در روایات گوناگون که از منابع دینی اعم از منابع اهل سنت و شیعه نقل شده امام مهدی از لحاظ نژادی، جزو نژاد قریش بوده و از لحاظ نسبی جزو عترت و اهل بیت رسول خدا می باشد و نیز از لحاظ فرزندی جزو فرزندان غیر مباشر حضرت زهرا و امام حسین بوده و همچنین فرزند بلافصل امام حسن عسگری می باشد.

۳-۴-۱. نژاد امام مهدی

در مسند احمد از قول پیامبر اکرم چنین آمده است:

«لا یزال الدین قائما حتی یکون اثنا عشر خلیفه من قریش »(۱)

« به وجود دوازده خلیفه از قریش دین اسلام پا بر جاست »

باز رسول خدا می فرماید:

« ابشروا بالمهدی، رجل من قریش من عترتی »(۲)

۱- احمد بن حنبل، مسند احمد ج ۵ ص ۸۶

۲- همان ج ۳ ص۳۷، الصوائق المحرقه ج ۲ باب ۱۱

« بشارت باد شما را به مهدی او مردی از قریش و از عترت من است »

انس بن مالک از پیامبر اکرم (ص) روایتی نقل کرده است:

« لن یزال الدین قائما الی اثنا عشر خلیفه من قریش، فاذا هلکوا ماجت الارض با هلها »(۱)

« پیوسته دین پا بر جا است هر گاه دوازده خلیفه از قریش باشند ولی هر گاه از میان رفتند زمین اهلش را فرو می برد. »

چنانکه پیامبر اکرم (ص) در این زمینه فرموده است:

« الائمه من بعدی اثناعشر، تسعه من صلب الحسین و التاسع قائمهم »(۲)

« امام بعد از من دوازده نفر است که نه نفرشان از صلب حسین است و نهمی آن ها قائم آن هاست »

در روایات فوق هم اعتقادی اهل سنت و شیعه پیرامون امامهدی در چند جهت می باشد. نخست این که امام مهدی جزو خلیفه دوازده گانه است ف ثاناً ایشان آخرین خلیفه خدا می باشد و ثالثآ قائم بودن وصف اختصاصی امام مهدی است.

۳-۴-۲. نسب پدری امام مهدی

اشاره

امام مهدی از نظر نسب پدری به صورت غیر مباشر به رسول خدا (ص) تعلق دارد و هم چنین در سلسله انساب، ایشان در برخی از روایات به امام علی و حضرت زهرا انتساب داده شده و نیز در روایات دیگر فرزند امام حسین (ع) و امامان بعداز ایشان انتساب داده شده اما در برخی از روایات به صورت بلافصل فرزند امام حسن عسگری تلقی شده است در این مورد روایات گوناگون در منابع اسلامی یعنی اهل سنت و شیعه آمده است که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود.

امام مهدی فرزند رسول خدا:

ص:۸۹

۱- احمد بن عیاش الجوهری، مقضب الاثر، ص ۴

۲- احمد حسین یعقوب، حقیقه الاعتقاد بالامام المهدی المنتظر، ص ۱۹۴

رسول خدا فرموده است:

« لو لم یبق من الدنیا یوم واحد لطول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یبعث فیه رجلاً من ولدی»(۱)

« اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد خداوند تعالی آن را بقدری طولانی کند تا مردی از فرزندانم قیام کند »

روایت فوق هم از منابع اهل سنت و هم از منابع شیعه نقل شده است

فاطمی بودن مهدی:

در این زمینه که امام مهدی از نسل فاطمه است در مجموع منابع اهل سنت و شیعه ۱۹۲ روایت نقل شده است (۲) که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود.

ام سلمه از رسول خدا نقل کرده است:

« المهدی حق و هو من ولد فاطمه » (۳)

«امام مهدی حقیقت دارد و ایشان از فرزندان فاطمه است »

باز حضرت رسول اکرم به دخت گرامیش فرموده است:

« یا فاطمه...منا سبطا هذه الامه الحسن و الحسین و هما ابناک و منا المهدی »(۴)

«ای فاطمه... از ما هستند دو سبط این است حسن و حسین که از فرزندان تو هستند و مهدی از ماست »

در این زمینه شعرانی در یواقیت که به منزله شرح معلقات فتوحات مکیه است به نقل از محی الدین (در باب سیصد و شصت و شش کتاب فتوحات مکیه) آورده است « بدانید که مهدی باید ظهور کند ولی او ظهور نمی کند مگر این که زمین پر از ظلم و ستم شود و او آن را پر از عدل و داد می کند اگر جز یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد خداوند آن روز را چنان طولانی می گرداند که این خلیفه به خلافت رسد. مهدی از عترت رسول خدا و از فرزندان فاطمه جدش حسین بن علی بن ابی طالب است، پدر او حسن عسگری، پسر امام علی النقی، پسر امام محمد تقی، پسر امام علی رضا، پسر امام موسی الکاظم، پسر امام جعفر صادق، پسر امام محمد باقر، پسر امام زین العابدین علی، پسر امام حسین، پسر علی بن ابی

۱- عقد الدرر ص۲۴ باب ۱، کمال الدین ج ۱ ص ۳۱۷، باب ۳۰ ص ۴

۲- صافی، لطف الله، منتخب الاثر، ج ۲ ص ۱۴۶

۳- البخاری التاریخ الکبیر، ج ۳ ص ۳۴۶

۴- الهیثمی، مجمع الزوائد،ج۹ ص ۱۶۵

طالب است (۱) او هم نـام رسول خـدا است. مسـلمانان در بين رکن و مقـام بـا او بيعت می کننـد، او شبيه پيامبر (ص) است از لحاظ اخلاق نيز به او شباهت دارد.(۲)

در منابع شيعه نيز روايات فراوانی در خصوص موضوع فوق آمده و فاطمی بودن امام مهدی را ثابت می کند:

رسول خدا فرموده است:

« المهدی من عترتی، من ولد فاطمه، يقاتل علی سنتی كما قاتلت انا علی الوحی »

« مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است، او بر اساس سنت من پيکار می کند چنان که من بر اساس وحی پيکار نمودم »

حسینی بودن مهدی

در ميـان رواياتی که به نسل پـدری امام مهـدی پرداخته انـد بيشترين روايات به حسـينی بودن مهـدی اختصاص دارد يعنی در منابع اهل سـنت و شـيعه روايات فراوانی از پيامبر اکرم (ص) و اهل بيت او وارد شده که به فرزند امام حسـين بودن امام مهدی اشاره دارند که تعداد آن ها ۲۰۸ حديث می باشد.(۳)

رسول خدا فرموده است:

«لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد طول الله مه عزوجل ذلک اليوم حتی يبعث فيه رجلاً. فقام سلمان الفارسی، فقال: يا رسول الله من ای ولدک ؟ قال: من ولدا بنی هذا، و ضرب بيده علی الحسين »(۴)

« اگر از روز دنيا جز يک روز باقی نمانـده باشـد خداونـد متعال آن روز را به قـدری طولانی می کند تامردی در آن روز قيام کند. در اين هنگام سـلمان فارسی بر خاست و پرسيد: از کدام فرزندانت ؟ رسول خدا دستش را گذاشت روی حسين و فرمود از اين فرزندم »

۱- در نسـخه چـاپی و خطی فتوحات که تا کنون ديـده ايم، اسامی ائمه معصومين از امام زمان تا امير مؤمنان نيست بی ترديـد، چون محی الدين مقام عظيم داشته، نسخه نويسان يا ناشران فتوحات اين قسمت را که شاهد صادقی بر مدعای شيعيان در تطبيق مهـدی آخر الزمان به امام محمـد بن الحسن العسـگری بوده است، از باب مـذکور حذف کرده اند غافل از اين که عبدالوهاب شعرانی با مقام شامخی که نزد عموم اهل سنت دارد، مستقيماً از فتوحات نقل کرده است.

۲- شعرانی، عبدالوهاب، اليواقيت، والجواهر، ج ۲ ص ۱۴۵

۳- صافی لطف الله، منتخب الاثر، ج ۲ ص ۱۵۸

۴- کتاب سليم بن قيس، ص۴۲۹

در این زمینه امیر مؤمنان علی فرموده است:

«التاسع من ولدک یا حسین هوالقائم بالحق »(۱)

« نهمین فرزند تو یا حسین قائم به حق است.»

باز از امام حسین (ع) نقل شده است:

« التاسع من ولدی هو القائم بالحق »(۲)

« نهمین فرزند من قائم به حق است »

در روایتی رسول خدا خطاب به امام حسین فرمود:

« هذا ابنی، امام، اخو امام، ابو ائمه تسعه، تاسعهم قائمهم »(۳)

« این فرزندم (حسین) امام، برادر امام و پدر نه امام است که نهمین آن ها قائم است »

مهدی فرزند حسن عسگری

مباحث نسب امام مهدی در دو قالب، مباشر و غیر مباشر قابل پی گیری است. بحث گذشته بر اساس نسب دور و با واسطه تنظیم شده بود اما در این فراز، بحث نسب پدری امام مهدی بر اساس نسب مباشری و بلافصل خواهد بود از این رو علاوه بر این که در منابع شیعه روایات فراوانی به این موضوع پرداخته اند در میان اهل سنت مطالب فراوانی پیرامون موضوع مورد نظر از بزرگان اهل سنت نقل شده است و تعداد روایاتی که در این باب از پیامبر اکرم و اهل بیت معصوم او نقل شده است ۱۰۸ حدیث می باشد.(۴)

موفق بن احمد خوارزمی حنفی « که اهل سنت او را صدر الائمه خوانده اند » در کتاب خودش از ابی سلمی روایت کرده است که گفت: من از رسول خدا شنیدم که فرمود:

در معراج خداوند فرمود: بر طرف راست عرش نگاه کن ؛ چون به طرف راست عرش نگریستم، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی،... حسن بن علی و مهدی را دیدم که هاله ای از نور آن ها را احاطه کرده است و ان ها ایستاده نماز می خوانند و او (حضرت مهدی) در وسط آن ها مانند

۱- طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲ ص ۲۲۹
۲- نعمانی، محمد، کتاب الغیبه، ص ۴۲
۳- الکورانی، علی، معجم الاحادیث، الامام المهدی، ص ۱۴۳
۴- صافی لطف الله، منتخب الاثر، ج ۲ ص ۲۰۲

ستاره درخشان بود. پس خدا فرمود:ای محمد این ها حجت های من هستند و مهدی انتقام گیرنده عترت تو است...(۱)

در منابع شیعه رسول خدا فرمودهاست:

« ان الله عزوجل، رکب فی صلب الحسن (ای العسگری) نطفه مبارک زکیه طیبه طاهره مطهره... فهو امام تقی نقی هاد مهدی، اول العدل و آخره...»(۲)

« خداوند متعال در صلب حسن (عسگری) نطفه ای مبارک، میمون، پاک و پاکیزه قرار داده...او پیشوای پارسا، پاکیزه، هادی و مهدی است آغاز و انجام عدالت است... »

در این زمینه اهل سنت نیز مطالبی نقل کرده اند که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

علی بن حسین مسعودی در کتاب خود (مروج الذهب و التنبیه و الاشراف) پیرامون نسب امام مهدی چنین آورده است:

ـ در سال ۲۶۰ ق ابو محمد حسن بن علی... بن حسین بن علی ابی طالب در زمان خلافت معتمد در بیست و نه سالگی وفات یافت و او پدر مهدی منتظر و امام دوازده هم شیعه امامیه است.(۳)

ـ مسعودی در کتاب التنبیه و الاشراف می نویسد: سلیم بن قیس هلالی از ابان بن ابی عیاشی روایت کرده است که پیغمبر به امیرمؤمنان علی بن ابی طالب فرموده: تو و یازده تن از فرزندانت امامان به حق هستید... امام آن ها (شیعیان) که تا موقع تاریخ تالیف این کتاب (۳۴۵ ق)، منتظر ظهورش هستند، محمد بن الحسن... بن علی ابی طالب است.(۴)

ـ ابن طلحه در کتاب مطالب السئول فی مناقب آل الرسول، طی دوازده باب راجع به ائمه طاهرین سخن گفته و چنین نوشته است:

« باب یازدهم، ابو محمد حسن (العسگری) در سال ۲۳۱... منقبت و مزیت بزرگی که خداوند به وی اختصاص داده و آن را صفت دائمی او نموده است و جهان آن را کهنه نمی گرداند و زبان های مردم آن را فراموش نمی کند، این است که محمد مهدی را از نسل او قرار داده و پسر او است.

۱- مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۱ ص ۹۵ و فراند السمطین، ج ۲ ص ۳۱۹ ج ۵۷۱
۲- مجلسی، محمد باقر، البحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۱۰
۳- مسعودی، علی، مروج الذهب، ج ۴ ص ۱۹۹
۴- مسعودی، علی، التنبیه والاشراف، ص ۱۹۸

باب دوازدهم، ابوالقاسم محمد بن الحسن الخالص بن علی المتوکل ابن محمد القانع بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر علی زین العابدین بن الحسین الزکی بن علی المرتضی امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب المهدی الحجه الخلف الصالح المنتظر(ع).(۱)»

ابن صباغ در کتاب الفصول المهمه یک یک ائمه اطهار را نام برده و شرح می دهد و در آخر یعنی فصل یازدهم می نویسد

ابو محمد (رضی الله عنه) فرزندی از خود باقی گذاشته است که همان حجت قائم است که همه منتظر دولت حقه او هستند. ولادت او پنهان ماند و ماجرای او مستور گشت به واسطه بیم از خلیفه وقت و وضع دشوار و جستجوی شیعه و حبس ایشان و دستگیری آنان اما در فصل دوازدهم درباره ابوالقاسم حجت خلف الصالح ابن ابی محمد الحسن الخالص یعنی امام دوازدهم و تاریخ ولادت و دلایل امامت وی و قسمتی از احادیث و اخبار مربوط به او و غیبت و مدت و بیان نسب و کنیه و لقب آن حضرت. سپس تاریخ ولادت امام زمان را بیان نموده و احادیث صریحی که راویان موثق و مورد اعتماد از پیامبر و امامان پیشین راجع به او آوردهاند و تطبیق آن ها بر شخص حجت الحسن العسگری به عنوان امام دوازدهم را نقل کرده است تا آن جا که می گوید:

(شیخ ابو سعید محمد بن یوسف گنج یشافعی در کتاب البیان فی الخبار صاحب الزمان استدلال می کند که مهدی زنده است و از زمان غیبتش تا کنون باقی است.)(۲)

عبد الوهاب شعرانی در کتاب خود در باب شصت و پنجم جلددوم « الیواقیت والجواهر» می نویسد:

تمام علایم پیش از قیامت که شارع مقدس به ما اطلاع داده درست است و باید همگی پیش از قیامت واقع گردد، مانند ظهور مهدی و آمدن دجال و نزول عیسی و غیره. حتی اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد باید این ها واقع گردد.

مهدی از اولاد امام حسن عسگری است. ولادتش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق واقع شد و هم اکنون زنده است، تا این که خداوند عیسی بن مریم را با وی گرد آورد. بنابراین سن مهدی تا زمان ما یعنی سال ۹۵۸، هفتصد وشش سال است.(۳)

۵-۳. مقامات و فضائل امام مهدی

اشاره

۱- شاصغی، کمال الدین محمد، مطالب السئول فی مناقب آل الرسول، باب ۱۱ و ۱۲

۲- نک، دوانی، علی، دانشمند ان عامه و مهدی موعود، ص ۱۴۱

۳- شعرانی، عبدالوهاب، الیواقیت والجواهر، ج ۲ باب ۶۵

در اعتقادات مسلمانان امام مهدی به عنوان ناجی و سعادت بخش بشریت شناخته شده و همو با ظهور خود در پایان و فرجام تاریخ بشریت برای اولین و آخرین بار نجات و سعادت همه جانبه را به تجربه بشر می رساند، لازمه رسالت و مسئولیت سنگین امام مهدی در راهنمایی و هدایت همه انسان ها، به کارگیری اعجاز و به خدمت گرفتن فرشته ها و... می باشد بر این اساس در آموزه های دینی اهل سنت و شیعه برای رهبر جهانی، شاخصه های انحصاری نظیر، همراهی فرشتگان، صدور اعجاز و نیز جایگاه متعالی ایشان، برشمرده شده است یعنی اهل سنت و شیعه در بیان شاخصه ها و مقامات امام مهدی متفق القول و همگرا هستند.

۳-۵-۱. همراهی فرشتگان

رهبر نهضت جهانی برای رسیدن به اهداف عالیه که همان تشکیل حکومت جهانی و گسترش عدالت در سراسرجهان است نیاز به مساعدت مافوق طبیعت و همراهی فرشتگان دارد از این رو در روایات گوناگون می خوانیم علاوه بر یاران خاص و عام امام مهدی که در میان انسان ها گزینش می شوند یارانی نیز از میان فرشتگان، جهت همراهی و مساعدت رهبر جهانی انتخاب می شوند چنان که حضرت رسول خدا در بیان وصف امام مهدی می فرماید:

«... فیبایع له بین الرکن و المقام، ثم یخرج متوجها الی الشام جبریل علی مقدمه و میکائیل علی ساقته،فیفرح به اهل السماء و اهل الارض... »(۱)

« در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند. سپس در حالی که جبرئیل پیشاپیش او و میکائیل پشت سر او است متوجه سرزمین شام می گردد. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می شوند. »

باز حضرت رسول خدا به نقل از کنز المعال فرموده است:

« فلو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یاتیهم »(۲)

« پس اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن یک روز را به قدری طولانی نماید تا این که مردی از اهل بیت من که ملائکه در پیشاپیش او قرار دارند و قیام کند و اسلام را پیروز گرداند. »

۱- الحاوی للفتاوی، ج ۲، باب آثار الوارده فی المهدی، ص ۸۲

۲- کنزالعمال، ج ۱۴ ص ۲۶۹ ج ۳۸۶۸۴

در منابع شیعه روایاتی که به همراهی فرشتگان با امام مهدی اشاره دارند فراوان آمده است که در ذیل به برخی از آن ها پرداخته می شود:

رسول خدا (ص) در یک روایت طولانی که به بحث نبوت و امامت پرداخته اند در پایان آن به بحث امام مهدی نیز اشاره کرده و فرمودند:

« التاسع منهم قائم اهل بیتی و مهدی امتی، اشبه الناس بی فی شمائله و اقواله و افعاله... ویؤید بنصر الله و ینصر بملائکه الله... (۱)»

« نهمین آن ها قائم اهل بیت من مهدی امت من است که در خوی، گفتار و کردار از همه کس به من شبیه تر است... به یاری خداوند تایید می گردد و به وسیله فرشتگان یاری می شود.»

امام باقر فرموده است:

«کانی بالقائم علی نجف الکوفه، وقد سار الیها من مکه بنجسه آلاف من الملائکه: جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن شماله »(۲)

« گویی قائم را در بلندی کوفه می بینم که با پنج هزار فرشته از مکه به سوی کوفه شتافته جبرئیل از طرف راست و میکائیل ار طرف چپ حرکت می کنند. »

۳-۵-۲. معجزات امام مهدی

از آنجایی که رسالت امام مهدی جهانی است و نتیجه بخش رسالت همه انبیاء در طول تاریخ بشریت می باشد، امام مهدی جهت پیشبرد اهداف جهانی خود نیاز به اعجاز و نیروی ماوراء طبیعت دارد بر این اساس استفاده امام مهدی از اعجاز همه انبیاء و بهره بردن ایشان از مواریت انبیاء و حضور و ظهور ملموس برخی انبیاء و مشارکت آن ها در پیشبرد نهضت جهانی قابل توجیه است.

در منابع اهل سنت از قول رسول خدا آمده است:

« یخرج المهدی علی راسه غمامه، فیها مناد ینادی: هذا المهدی خلیفه الله فاتبوه »(۳)

١- الخزاز القمی، کفایت الاثر، ص ١١
٢- محسن امین، اعیان الشیعه، ج ٢ ص ٨٢
٣- الذهبی، میزان الاعتدال، ج ٢ ص ۶٧٩

« امام مهدی قیام می کند که بر بالای سرش ملکی صدا می زند این فرد مهدی است پس پیروی کنید او را »

در منابع شیعه نیز پیرامون اعجاز امام مهدی روایات گوناگونی نقل شده است:

جابر بن عبدالله با مشاهده لوحی که برابر حضرت زهرا بود نقل می کند که خداوند در آن پیرامون امام مهدی چنین فرموده است:

«ولاطهرن الارض بآخرهم من اعدائی ولامکینه مشارق الارض و مغاربها ولاسخرن له الریاح و لارکضن له السحاب لارقینه فی الاسباب، ولانصرنه نجندی و لامدنه بملائکتی حتی یعلن دعوتی، و یجمع الخلق علی توحیدی »(۱)

«و زمین را به وسیله آخرین آن ها (امام مهدی) از دشمنانم پاک می سازیم، شرق و غرب جهان را به او تملک نموده، بادها را به تسخیر او در آورده، ابرها را زیر پای او قرار می دهیم، برترین ابزارها را در اختیار او گذاشته، با سپاه خود او را یاری نموده، با فرشتگانم او را تایید می نمایم تا دعوت مرا آشکار سازد و همه مخلوقات را بر توحید من گرد آورد. »

امام باقر در مورد اعجاز امام مهدی می فرماید:

« اذا قام بمکه و اراد ان یتوجه الی الکوفه نادی منادیه: الا لایحملن احد طعاماً ولا شرباً و یحمل معه حجر موسی بن عمران... فلا ینزل منزلاً الا انفجرت منه عیون فمن کان جائعاً و من کان ظامئاً روی... »(۲)

« هنگامی که در مکه قیام کند عازم به سوی کوفه می شود منادی ندا می کند هیچ کس خوردنی و آشامیدنی با خود بر ندارد. آن گاه سنگ حضرت موسی را با خود بر می دارد... در هر محلی که منزل کند از آن سنگ چشمه ها سرازیر می شود افراد سپاه از آن می خورند گرسنگان سیر می شوند و تشنگان سیرآب می شوند... »

۳-۵-۳. مقام و سیاست امام مهدی

۱- طوسی، حسن، کتاب غیبت، ص ۵۹

۲- اصول کافی، ج ۱ ص ۲۳۱

از منظر اهـل سـنت و شـیعه قیام گر نهضت جهانی علاوه بر این که نزد مردم جایگاه والا و مقام ارزشـمندی دارد، نزد خـدا نیز دارای مقـام ومنزلت است، نمودار این جایگاه و مقام، روایات بسـیاری است که در منابع حـدیثی و تاریخی اهل سـنت و شـیعه آمده است که در ذیل به برخی از آن ها اشارت می شود:

رسول خدا فرموده:

« نحن ولد عبدالمطلب ساده اهل الجنه: انا و حمزه و علی و جعفر و الحسن و الحسین و المهدی »(۱)

« ما فرزندان عبدالمطلب یعنی من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین، و مهدی، سروران بهشت هستیم.»

باز ابن عباس از رسول خدا نقل کرده است:

المهدی طاووس اهل الجنه »(۲)

باز از رسول خدا پیرامون محبت امام مهدی نقل شده است:

« اربعه من اهلی قد احبهم الله و امرنی، بحبهم:علی بن ابی طالب، والحسن والاحسین والمهدی »(۳)

« خداونـد چهر تناز اهل بیت من رادوست دارد و بهمن نیز امر کرده که آن ها را دوست بـدارم یعنی علی ابن ابیطالب، حسن، حسین و مهدی »

و در کتاب سلیم بن قیس از قول پیامبر اکرم (ص) چنین نقل شده است:

« الا نحن بنو عبدالمطلب ساده اهل الجنه ؛ انا و علی و جعفر و حمزه و الحسن والحسین و فاطمه و المهدی »(۴)

«همانا ما فرزندان عبدالمطلب یعنی من، جعفر، حمزه، حسن، حسین، فاطمه و مهدی سروران بهشت هستیم »

باز در منابع شیعه در کتاب غیبه نعمانی پیرامون مقام امام مهدی از قول رسول خدا نقل شده است:

« ان الله عزوجـل اختار من کل شـئ شـیئآ...و اختار منی و من علی: الحسن و الحسـین یکمله « وتکلمه » اثنا عشـر اماماً من ولد الحسـین، تاسـعهم بـاطنهم، و هـو ظـاهرهم، وهو افضـلهم، و هو قـائمهم، ینفون عنه تحریف الغـالین وانتحـال المبطلین و تـاویل الجاهلین »(۵)

۱- سنن ابن ماجه، ج ۲ ص ۱۳۶۸، ب ۳۴ ح ۴۰۸۷

۲- الدیلمی، شیرویه، الفردوس الاخبار، ج ۴ ص ۲۲۲ ح ۶۶۶۸

۳- الحلی، حسن، کشف الیقین، ص ۱۱۷
۴- کتاب سلیم بن قیس الکوفی، ص ۲۴۶
۵- نعمانی، محمد، کتاب الغیبه، ص۷۳

« خداونـد متعـال از هر شـئی چیزی را برگزیـده است... واز من و علی، حسن و حسـین، را انتخاب کرده و تکمیل کرده امامان دوازده گانه از فرزندان حسین که نهمین آن ها باطن و ظاهر آن هاست و او افضل و قائم می باشد و به واسطه مهدی تحریف، تحریف کنندگان و نیرنگ و تاویل گواهان و نادانان از بین می رود. »

۳-۶. نشانه های ظهور

اشاره

رخـداد ظهور به جهت مهم بودن دارای نشانه هایی است، که نقش بیدار باش و هشدار را دارند، ظهوری که پیام آور نهضـت جهانی که ثمره آن تشکیل حکومت جهانی و گسترش عدالت در کران تا کران زمین بوده و برای اولین بار زمینیان « به زیستن » را در زیستگاه خود تجربه می کنند.

نشـانه منـد بـودن ظهور از منظر باورمنـدان به موعود و معتقـدین به مهـدویت امری مسـجل و واضـح است و در این امر نه تنها مهدی باوران هم نظر هسـتند بلکه موعود باوران نیز آن ها را (در نشانه مند بودن ظهور) همراهی می کنند، در این قسمت تنها به نشانه های ظهور که گروه های اسلامی در آن متفق القول هستند، اشاره می کنیم:

۳-۶-۱. ندای اسمانی در منابع اهل سنت و شیعه

احمد بن المنادی از حضرت علی نقل می کند:

« اذا نادی مناد من السماء ان الحق فی ال محمد فعند ذلک یظهر المهدی »(۱)

« هنگامی که منادی از طرف آسمان صدا می زند که حق مال آل محمد است در این هنگام حضرت مهدی ظهور می کند»

امام باقر پیرامون نشانه های ظهور فرموده است:

«ان فی القـائم من آل محمـد شـبهآ من خمسه من الرسل... و ان علامات خروجه... و مناد ینادی من السـمائ باسـمه و اسم ابیه »(۲)

۱- ابن منادی، احمد، الملاحم والفتن، ص ۴۴
۲- صدوق، محمد، کمال الدین،ج۱ ص ۳۲۷

« امام مهدی شباهت به پنج پیامبر دارد... و ظهورش دارای نشانه های است.... از جمله ندای آسمانی که به اسم خودش و پدرش نام برده می شود. »

پیامبر اکرم در حدیث طولانی پیرامون ظهور امام و نشانه های اوفرموده است:

« ثم نودی بنداء یسمعه من البعد کما یسمعه من القرب، یکون رحمه علی المؤمنین و عذاباً علی المنافقین، قلت (امیر مؤمنان) وما ذلک النداء ؟ قال: ثلاثه اصوات فی رجب، اولها:الا لعنه الله علی الظالمین، والثانی ازفت الازفه و الثالث ترون بدریآ مع قرن الشمس ینادی: الا ان الله قد بعث فلان بن فلان حتی ینبسه الی علی فیه هلاک الظالمین »(۱)

« بانگ بر آورده شده وصدای آن را دور و نزدیک می شنوند، پیام آور رحمت برای مؤمنان و عذاب برای منافقان است، امیرمؤمنان به رسول خدا گفت آن بانگ چه بانگی است است فرمود: سه بانگ در ماه رجب زده می شود، نخست نفرین بر ظالمین دوم اعلان نزدیک شدن قیامت و سوم این که بالای خورشید منادی ای ندا می زند: آگاه باشید خداوند حجه بن الحسن بن علی بن محمد بن... علی بن ابی طالب را مبعوث کرده تا ظالمین را به هلاکت برساند.»

۳-۶-۲. طلوع شمس از مغرب

در این زمینه از رسول خدا نقل شده است:

« ان الساعهلا تقوم حتی یکون عشر آیات: الدخان، والدابه و طلوع الشمس من مغربها...»(۲)

« قیامت رخ نمی دهد مگر با ظهور ده علامت نظیر دود، دجال، دابه الارض و طلوع خورشید از ناحیه مغرب »

در سنن الدانی، خطبه ای از امیر مؤمنان علی نقل شده که حضرت بعد از سخن گفتن پیرامون دجال فرموده:

« وذلک بعد طلوع الشمس من مغربها »(۳)

« خروج دجال بعد از طلوع خورشید از مغرب است »

۱- الخزاز القمی، علی، کفایهالاثر ص۱۵۷

۲- الطیالسی، سلیمان، مسند الطیالسی، ج ۱۰۶۷ ص ۱۴۳

۳- الدانی، عثمان، السنن الوراده فی الفتن، ص ۱۳۵

در منابع شیعه نیز به طلوع خورشید از مغرب اشاره شده و آن را نشانه ظهور حضرت مهدی قلمداد نموده است:

مثلاً رسول خدا می فرماید:

« عشر آیات بین یدی الساعه خمس بالمشرق و خمس بالمغرب،فذکر الدابه والدجال و طلوع الشمس من مغربها و عیسی بن مریم و... »(۱)

« ده نشانه در شرف قیامت به وقوع می پیوندد پنج تا از ناحیه مشرق و پنج تای دیگر از ناحیه مغرب رخ می دهد پس رسول خدا یاد کردند دابه و دجال و طلوع خورشید از مغرب و نزول حضرت عیسی را »

جهت تبین رخداد « طلوع خورشید از مغرب » نیاز به طرح برخی از دیدگاه ها پیرامون نشانه های ظهور است، مثلاً سید محمد صدر در کتاب « تاریخ ما بعد ظهور »(۲) به این نکته می پردازد که برخی از نشانه های ظهور به صورت رمزی و نمادین می باشد زیرا درک پایین مردم، به رسول خدا و امامان معصوم اجازه نمی داد تا رخداد های آینده و نشانه های ظهور را به صورت صریح و واضح بیان کنند از این رو برخی از نشانه غریب و به صورت سمبلیک مطرح شده است با فرض قبول دیدگاه فوق می توان به تاویل و تفسیر « طلوع خورشید از مغرب » پرداخت و دو نظریه را فراسوی خود ترسیم کرد:

نظریه اول: واقعه « طلوع خورشید از مغرب » به منزله یک رخداد خارجی تلقی نمی شود که خورشید از مسیر خود خارج شده و حرکت عکسی داشته باشد یعنی در آن مسیری که حرکت می کرده و به جلو می رفته است، برگردد و مسیر عقب گرد را ادامه دهد که بر این اساس محل غروب خورشید، محل طلوع خورشید و محل غروب خورشید محل طلوع آن تصور شود، بلکه تعبیر درست آن است که بگوئیم، خورشید بکار رفته در روایات همان امام مهدی است که در میان انسان ها نقش خورشید را ایفا کرده و سبب حیات ونجات انسان ها می شود، همان تعبیری که در روایت پیامبر اکرم آمده و امام مهدی به منزله خورشید به مردم نفع می رساند حتی در زمانی که در پس پرده غیب بسر می برند شبیه خورشید پس پرده ابر، برای مردم منفعت آوری دارد.

پس بر این اساس چنین میتوان نتیجه گرفت که امام مهدی به منزله خورشیدی است که در مکه برای غالب کشورهای اسلامی نظیر ایران، عراق، دمشق و مردمان عربستان از لحاظ جغرافیایی در مغرب

۱- بابویه قمی، محمد الحضال، ج۲، ج ۴۶، ص۴۴۷

۲- صدر، سید محمد، مابعدالظهور، ص ۱۴۰

این کشورها قرار دارد، ظهور می کند پس طلوع خورشید از مغرب به معنای ظهور امام مهدی از مکه است.

در تایید نظریه فوق می توان به روایتی از امیر مؤمنان اشاره کرد که به همین موضوع اختصاص دارد ودر منابع اهل سنت و شیعه آمده است.

در یک روایت طولانی امیر مؤمنان پیرامون خروج دجال و نشانه های ظهور و قیامت مطلبی را نقل می کند که از جمله آن ها بیان طلوع خورشید از مغرب است. در این راوی از صعصعه (یکی از یاران خاص امیر مؤمنان است) از تفسیر سخنان حضرت علی می پرسد. صعصعه می گوید:

« ان الذی یصلی خلفه عیسی بن مریم هو الثانی من العتره، التاسع من ولد الحسین بن علی و هو الشمس الطالعه من مغربها، یظهر عند الرکن التهام... »(۱)

« آن کسی که حضرت عیسی پشت سرش نماز می خواند دوازدهمین عترت و نهمین فرزند امام حسین است و او خورشیدی است که از مغرب طلوع می کند و میان رکن و مقام ظاهر می شود. »

نظریه دوم: طلوع خورشیداز مغرب، بیان واقعه ای است که در شرف ظهور رخ خواهد داد و آن رخداد همان کسوف و خورشید گرفتگی است که به یک باره در اثنای روز با پدیده خورشید گرفتگی، تاریکی و ظلمت همه جای زمین را فرا گرفته، این طور وانمود می شود که شب پدیدار گشته است و بعد از گذر ساعاتی مثلآـ در شرف پایان روز، خورشید از گرفتگی خارج می شود ف این طور برای مردم تلقی می شود که انگار خورشید در مغرب طلوع کرده است.(۲)

۳-۶-۳. قیام دجال

از جمله نشانه های ظهور امام مهدی، قیام سمبل شرارت و خساست، دجال است شاید علت خروج دجال این باشد که در دوران ظهور دو حیث مثبت ومنفی بشر یعنی حضال خوب و بد انسانها به اوج خود می رسد، به تعبیر دیگر خوبیها و بسترهای آن درمقابل بدیها و زمینه های آن به منتهی الیه سیر خود خواهند رسید.

۱- صدوق، محمد کمال الدین، ج۲ ب ۴۷، ج۱ ص ۵۲۵، الدانی، عثمان، السنن الوارده من الفتن، ص ۱۳۵

۲- مفید، محمد، الارشاد، ج ۲ ص ۳۶۸

بر این اساس امام مهدی که سمبل خوبی هاست، با ظهور خویش محسنات اخلاقی و زندگی انسانی و معنویات جنبه های مادی متعالی رابه ارمغان می آورد، و در مقابل، دجال که نماد بدیها است، با قیام خویش رذایل اخلاقی، زندگی حیوانی و مادی را در میان بشر ترویج می کند،پس بنابراین در دوران ظهور دو قطب مخالف که در اوج مثبت ومنفی قرار دارند به میدان مبارزه جنگ کشیده شده و برای اولین و آخرین بار مظهر بدیها بدست مظهر خوبی ها نیست ونابود می گردد.

در منابع اهل سنت آمده است که رسول خدا چنین فرموده است:

« بادروا بالاعمل ستآ: طلوع الشمس من مغربها، والدجال، والدخان و دابه الارض...»(۱)

« به انجام کارها بپردازید قبل از آن که شش واقعه رخ دهد: طلوع خورشید از ناحیه مغرب، خروج دجال و پدید دود و دابه الارض و...»

امیر مؤمنان از رسول خدا (ص) نقل می کند:

« عشر قبل الساعه لا بدمنها: السفیانی، والدجال، والدخان، و الدابه... »(۲)

« حتمآ چیزی قبل از قیامت رخ خواهد داد، سیفانی و دجال و دود و دابه الارض از جمله آن هااست..... »

در تفسیر عیاشی در ذیل آیه « یوم یاتی بعض آیات ربک لا ینفع نفسآ ایمانها » (۳)« روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت (پدید) آید، ایمان آوردن سودی ندارد »، از قول امام محمد باقر و امام صادق چنین نقل شدهاست:

« طلوع الشمس من المغرب و خروج الدابه و الدجال...»(۴)

« طلوع خورشید از مغرب و خروج دابه و دجال از نشانه های قیامت است »

۳-۷. زمینه سازان ظهور (الممهدون)

۱- الطیالسی، سلیمان، مسند الطیالسی، ج ۲۵۴۹ ص۲۳۲

۲- طوسی، حسن، کتاب الغیبه، ص ۲۶۷

۳- انعام (۶) آیه ۱۵۸

۴- تفسیر عیاشی ف ج ۱ ص ۳۸۴

وجود ممهـدون و زمینه سازان ظهور قبل از تحقق ظهور، مورد گفتمان و قبول داشت اهل سـنت و شـیعه است به بیان دیگر در بـاورداشت همه گروه های اسـلامی ظهور امری دفعی و صـدفه ای تلقی نمی شود بلکه یک واقعه ای است که با بستر سازی و تمهیـدات که توسط ممهـدون تشکل می گیرد و به صورت تـدریجی رخ می نماید. بر این اساس قیام های قبل از ظهور که به قیام امام مهدی منتهی می شود و در منابع اهل سـنت و شیعه آمده قابل توجیه است: در تفسیر مجمع البیان آمده که رسول خدا بعـداز تلاوت آیه و« وممن خلقنا امه یهـدون بالحق وبه یعدلون » (۱)« واز میان کسانی که آفریدیم، گروهی هسـتند که به حق هدایت می کنند و به حق داوری می نمایند »فرموده است:

«ان من امتی قوماً علی الحق حتی ینزل عیسی بن مریم »(۲)

« همانا از امت من گروهی دائماً بر محور حق دور می زنند تا حضرت عیسی از آسمان نازل شود »

امام محمد باقر می فرماید:

« کانی بقوم قد خرجوا بالمشـرق، یطلبون الحق فلایعطونه، ثم یطلبونه فلا یعطونه فاذا راوا ذلک وضـعوا سیوفهم علی عواتقهم، فیعیطون ما سالو فلا یقبلونه حتی یقوموا، ولا یدفعونها الا الی صاحبکم، قتلاهم شـهدا اما نی لو ادرکت ذلک لا سـتبقیت نفسی لصاحب هذا الامر »(۳)

« گروهی از طرف مشـرق جهت دست یابی به حق قیام می کنند ولی به آن نمی رسند بار دیگر قیام خود را آغاز می کنند باز به آن نمی رسـند در این صورت با اسـلحه به قیام خود ادامه داده و به هـدف و خواسـته خود می رسـند ولی این مقدار را قبول نکرده به قیام ادامه می دهنـد تا این که نهضت خود را به صاحب شان (امام مهـدی) می رسانند، کشـته هایشان شـهید حساب می شوند، چنان که آن زمان را درک کنم خود را وقف صاحب آن قیام (امام مهدی) می کنم.

در سنن الدانی جابر بن عبدالله از رسول خدا نقل می کند:

«لاتزال طائفه من امتی تقاتل عن الحق حتی... ینزل المهدی »(۴)

« گروهی از امت من پیوسته در راه حق مبارزه می کنند تا این که حضرت مهدی ظهور کند.»

رسول خدا فرموده است:

ص:۱۰۴

۱- اعراف (۷) آیه ۱۸۱

۲- الطبرسی، فضل، مجمع البیان، ج ۴ ص۵۰۳

۳- نعمانی، محمد، کتاب الغیبه، ب ۱۴ ج ۵۰ ص ۲۷۳

۴- الدانی، عثمانی، سنن الوارده فی الفتن، ص ۱۴۳

« یاتی قوم من هاهنا، من نحو المشرق، اصحاب رایات سود، یسالون الحق فلایعطونه، مرتین او ثلاثآ فیقاتلون فینصرون، فیعطون ماسالوا فلا یقبلوها حتی یدفعو ها الی رجل من اهل بیتی، فیملا ها عدلا کما ملووها ظلمآ... »(۱)

« گروهی از طرف مشرق که پرچم های سیاه دارند قیام می کنند، دو یا سه بار در راه حق مبارزه می کنند تااین که به پیروزی می رسند، بعد از پیروزی باز به مبارزه ادامه می دهند تا این که پرچم را بدست مردی از اهل بیت من می رسانند پس ایشان جهان را پر از عدل می کند چنانچه پر از ظلم شده بود.

۳-۸. یاران خاص امام مهدی

از جمله مواردی که تحقق ظهور وابسته به آن می باشد، به حد نصاب رسیدن یاران خاص امام مهدی است با تعبیر دیگر و نگاه دقیق تر وجود یاران خاص امام مهدی در واقع شرط ظهور می باشد که با آمادگی آن ها وقوع ظهور و آمدن حضرت مهدی قطعی می شود.

منتسشیب

بیان موضوع فوق: در فرآیند تحقق ظهور، دو نوع رخداد وجود دارد که دارای نقش متفاوت می باشد، برخی از آن رخداد ها نقش علامت و نشانه را ایفا می کنند نظیر، صیحه آسمانی، خروج دجال، خسف بیداد و... و برخی دیگر از آن رخدادها نقش شرط و علت معده را دارندکه تفاوت آن ها در این است که ظهور بدون وجود علامت دست یافتنی است اما بدون وجود شرط اصلآ دست یافتنی نمی باشد و همچنین با وجود علامت نمی توان به تحقق حتمی ظهور دست یافت اما با تحقق شرایط، تحقق ظهور حتمی است.

یاران خاص امام مهدی در واقع جزو شرط ظهور به حساب می آیند، البته با یک نگاه دقیق تر و ریز تر به نتیجه دیگری می توان رسید و آن این که وجود یاران خاص به نوعی نشانگر تحقق شرط هستند نه خود شرط یعنی خود وجود یاران خاص حضرت شرط ظهور نیستند، بلکه فراهم آمدن یاران خاص در جامعه، حکایت از این

۱- ابن المنادی، احمد الملاحم والفتن، ص ۸۴

مساله دارد که جامعه ای که چنین یارانی را پرورش و شکوفا می کند، جامعه قابل و شایسته ای است، که قابلیت و آمادگی وقوع ظهور امام مهدی را دارد پس نتیجه کلام را چنین می توان گفت:

اولاً جامعه ای که یاران خاص حضرت را در دامان خود پرورش می دهد جامعه ای شایسته و بایسته ای است.

ثانیاً جامعه ای که دارای شایستگی و بایستگی لازم باشد لیاقت درک ظهور و تشکیل حکومت جهانی وگسترش عدالت را دارد.

ثالثاً پس در چنین جامعه ای امام مهدی با یاران خاص و همراه با مردم شایسته به رسالت جهانی خویش مبادرت می کند.

از جمله مواردی که اهل سنت و شیعه با هم اتفاق نظر دارند، وجود یاران خاص امام مهدی و تعداد آن هاکه سیصد سیزده عدد می باشند است.

در مصنف بن ابی شیبه، ام سلمه از رسول خدا نقل می کند:

« یباع لرجل بین الرکن و المقام کعده اهل بدر »(۱)

« به تعداد اصحاب بدر در میان رکن ومقام با حضرت مهدی بیعت می کنند.»

باز ام سلمه از رسول خدا نقل می کند:

« یجتمع الیه (المهدی) ثلاثمائه و اربعه عشر رجلاً، فیهم نسوه »(۲)

« همراهی می کنند حضرت مهدی را سیصد و چهارده نفر مرد که در میانشان زنان نیز هستند »

در منابع شیعه پیرامون یاران خاص امام مهدی روایات فراوانی آمده که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود.

امام صادق می فرماید:

« یخرج معه (مهدی)مثل عده اهل بدر: ثلاثمائه ثلاثهعشر رجلاً »(۳)

«همراه حضرت مهدی (ع) سیصد و سیزده نفر مردم به تعداد اصحاب بدر قیام می کنند »

امام باقر فرموده است:

« اصحاب القائم ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلاً اولاد العجم »(۴)

«یاران امام مهدی سیصد و سیزده مرد می باشند که همه آن ها از عجم هستند »

۱- ابی شیبه عبدالله، المصنف ج ۱۹۰۷۰ص ۴۵
۲- الهیثمی، نورالدین علی، مجمع الزوائد ومنبع الفواید، ج ۷ص ۳۱۵
۳- صدوق، محمد، کمال الدین، ج ۲ باب ۵۷ ج ۲۰ص ۶۵۴
۴- نعمانی، محمد، کتاب الغیبه، ب ۱۱، ح ۴، ص ۱۹۵

۳-۹. میراث داری انبیاء

رهبر نهضت جهانی به خاطر رسالت جهانی و تشکیل حکومت جهانی، علاوه بر ابزار و وسایل طبیعی، نیاز به امداد های غیبی و نیرو های ماورائی دارد، از این رو برخی از روایات، به صدور اعجاز به دست امام مهدی اشاره شده است

رسول خدا فرموده است:

« لو لم یبقی من الدنیا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یملک رجل من اهل بیتی تجری الملاحم علی یدیه... »(۱)

« اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را به قدری طولانی می سازد که مردی از اهل بیت من جهان را مالک شود و معجزات به دست او آشکار می شود »

و نیز بر همین اساس وجود مواديث انبیاء و صدور کارهای مافوق طبیعت از آن ها از ناحیه امام مهدی را می توان توجیه کرد، این موضوع در منابع اهل سنت و شیعه به روشنی منعکس شده است.

سیوطی در کتاب خویش از امیرمؤمنان علی چنین نقل کرده است:

« معه (المهدی) رایه رسول الله »(۲)

« پرچم رسول خدا همراه امام مهدی است »

امام باقر فرموده است:

« یظهر المهدی بمکه عند العشاء و معه رایه رسول الله »(۳)

«امام مهدی هنگام عشاء در مکه ظاهر می شود در حالی که با او پرچم رسول خدا (ص) است. »

در کتاب مصنف عبد الرزاق از کعب نقل کرده است:

«ویستخرج (المهدی) التواره والا نجیل، من ارض یقال لها: انطاکیه » (۴)

« امام مهدی از منطقه انطاکیه تو رات و انجیل رااز زمین خارج می کند.»

امام باقر فرموده است:

«یستخرج (المهدی) التوراه وسائر کتب الله من غار بانطاکیه »(۵)

ص:۱۰۷

۱- السیوطی، جلا الدین، الحاوی للفتاوی، ج ۲ ص ۱۳۳
۲- السیوطی، جلال الدین، الحاوی للفتاوی،ج۲ ص۷۷
۳- الحر العاملی، محمد، اثبات الهداه، ج ۳ ب ۳۲ ف ۱۵ ج ۱۵۱ ص ۶۱۴
۴- الصنعانی، عبد الرزاق، المصنف، ج ۱۱ ح۲۰۷۷۲ ص۳۷۲
۵- صدوق، محمد، علل الشرایع، ب ۱۲۹ ج ۳ ص ۱۶۱

« امام مهدی تورات و سایر کتاب های آسمانی را از غار انطاکیه بیرون می آورد. »

باز امام باقر فرموده است:

« معه (المهدی) سلاح الله، ودرع رسول الله، سیف رسول الله »(۱)

« اسلحه رسول خدا و کلاه و ذرع و شمشیر رسول خدا همراه با امام مهدی است »

بیان موارد نه گانه که مورد قبول اهل سنت و شیعه بوده و رد منابع هر دو فرقه مهم اسلامی آمده است، می تواند سوژه های مناسبی برای هم گرایی و هم نظری میان همه مسلمانان باشد.

خلاصه و نتیجه نوشتار

مقوله اتحاد و هم گرایی بر اساس داده های عقلی، فطری، انسانی و دینی توجیه پذیر است یعنی عقل، فطرت، انسانیت و دین ضرورت اتحاد و هم گرایی را رصد کرده و به اثبات آن همت می گمارد، بر این اساس نمی توان جامعه بشری را منهای اتحاد و اتحاد را در بستری جزء جامعه تصور نمود، پس رابطه میان جامعه و مقوله اتحاد رابطه علی و معلولی می باشد. ورابطه علی و معلولی که همان رابطه تکوینی است بر اساس واقعیت خارجی ترسیم می شود، نه بر محور رابطه اعتباری و قرار دادی

از این رهگذر به جهت اهمیت و ضرورت هم گرایی و تاثیر گذاری آن در پیشرفت و ترقی بشر و جوامع بشری از حیث مادی و معنوی صاحبان مکاتب الهی و توحیدی به مساله هم گرایی و تحقق آن در بین انسان ها خصوصاً در میان انسان های باورمند به ادیان الهی، اهتمام جدی داشته و جهت اجرای آن از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرده اند.

در این میان نقش آخرین دین الهی یعنی اسلام که جامع ترین و کاملترین ادیان آسمانی است، نقش انحصاری و بی بدیل است.

در جای جای متون اسلامی اعم از آموزه های فردی و اجتماعی، رد پای اتحاد و هم گرایی نمایان است، اسلام نه تنها به باور مندان اسلامی، توصیه می کند به اتحاد و هم دلی می کند.

۱- الاصول السته عشر، ص ۷۹

ـ « واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا » (۱)« و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید »

ـ« ان هذه امتکم امه واحده وانا ربکم فاتقون » (۲)« در حقیقت این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید »

ـ « و ان هـذا صـراطی مسـتقیماً فـاتبعو ولا تتبعوا السبیل فتفرق بکم عن سبیله ذلکم وطیکم به لعلکم تتقون »(۳) « وحقیقاً این است راه راست من، پس از آن پیروی کنیـد و از راه های (دیگری) که شـما از راه وی پراکنـده می سازد پیروی مکنیـد، این هاست که (خدا) شما را به آن سفارش کرده است باشد که تقوا گرائید »

به ادیان دیگر نیز نظیر، مسـیحیت و یهودیت نیز توصـیه به اتحاد با مسلمانان کرده و آنان را به اتحاد بر محور های اصلی ترین باور های دینی یعنی خداشناسی و یکتا پرستی، فرا می خواند.

« قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا تعبدوا الا الله و لا نشرک به شیئاً...»

« بگو:ای اهل کتاب بیائید بر سر سـخنی که میان ما و شـما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم...»

در اسـلام و فرهنـگ اسـلامی وجود آموزه های هم گرا و وحـدت آفرین که تعـداد آن بی شـمار است، رسالت باورمنـدان به اسـلام خصوصاً عالمان و اندیشـمندان اسـلامی را جهت تحقق اتحاد و همـدلی میان مسـلمین و جوامع اسـلامی دو چنـدان می نماید.

بر ایـن اسـاس، می طلبـد اندیشـمندان و فرهیختگـان دینی برای فرصـت سـازی در راسـتای فرهنـگ سـازی هـم گرایی، میـان مسـلمانان از آموزه هـای هم گرایی (آموزه هـای اصـلی نظیر، خـدا، قرآن، رسـالت، مهـدویت، و... و آموزه های فرعی نظیر، نماز، حج،....) جهت نیل به جامعه مطلوب اسلامی بهره کافی ببرند.

در میان آموزه های هم گرا، نقش آموزه های مهـدویت، بی بدیل و ویژه است زیرا باور داشت مهدویت یک باور فرا مذهبی بوده و مورد قبول همه گروه های اسلامی می باشد از این رو می توان با دست مایه قرار دادن مهدویت، و با ترویج و اشاعه آن در میان مسلمانان، اتحاد و هم دلی را در میان جوامع اسلامی

۱- آل عمرآن (۳) ایه ۱۰۳

۲- مؤمنون (۲۳) آیه ۵۲

۳- انعام (۶) ۱۵۳

اجرائی و عملیاتی کرد، که ثمره آن، سوق دادن مسلمانان به سوی جامعه مطلوب و ایده آل اسلامی که همان جامعه مهدوی است می باشد.

ص:۱۱۰

منابع

۱.قر آن ترجمه فولاوند

۲.نهج البلاغه

۳.ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه،دار احیاء الکتب العربیه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، فم

۴.ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، داراحیاء الکتب العربیه، قم

۵.ابن ابی الدنیا، مکارم الاخلاق، مکتبه القرآن للطبع والنشر والتوزیع، مصر

۶.ابن الاشعث السجستانی، سنن ابی داوود، دارالفکر للطباعه والنشر، التوزیع، سال ۱۴۱۰ ق

۷.ابن المنادی، احمد، الملاحم الفتن، المکتبه الظاهریه، دمشق

۸.ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، دار اللکتاب العلمیه، بیروت

۹.ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، قم ۱۴۰۴ ق

۱۰.ابن منظور، محمد، لسان العرب، ادب الحوزه، قم ۱۳۸۰ ش

۱۱.ابن هشام الحمیدی، السیره النبوره مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، مصر، ۱۹۶۳ م

۱۲.ابی شیبه، عبد الله، المصنف، الدار السلفیه، هند

۱۳.احمد بن حنبل، مسند احمد، دارالصادر، بیروت

۱۴.احمد بن حنبل، مسند احمد، دارالفکر، بیروت

۱۵.احمد بن عیاشی الجوهری، مقتضب الاثر، مکتبه الطباطبایی

۱۶.احمد حسین یعقوب، حقیقه الاعتقاد بالامام المهدی المنتظر، دارالملاک اردن، سال ۲۰۰۰ م

۱۷.ارملی، علی، کشف الغمه، دارالاضواء بیروت

۱۸.الامین، حسن، مسندرکات اعیان الشیعه، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم، بیروت ۱۴۱۸ ق

۱۹.بابویه قمی، محمد، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین، قم

۲۰.البخاری، التاریخ الکبیر المکتبه الاسلامیه

۲۱.البخاری، صحیح النجاری، دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع سال ۱۴۰۱ ق

۲۲.البغدادی، احمد، الملاحم والفتن، مکتبه المسجد جدالاعظیم، قم

۲۳.بیهقی، السنن الکبری، دارالفکر، بیروت

ص:۱۱۱

۲۴.الترمذی، سنن الترمذی، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ دوم بیروت سال ۱۴۰۳ ق

۲۵.الجابری، محمد عابد، فکرابن خلدون العصبیه والدوله، دارالشوؤن الثقافیه العامه بغداد

۲۶.جمالی، ابوالحسن، نامه های سید جمال، مجموعه مقالات کنگره تقریب بین مذاهب

۲۷.الجوهری، احمد، مقتضب الاثر، مکتبه الطباالطبایی

۲۸.الجوهری، احمد، مقضب الاثر، مکتبه الطباالطبایی، قم

۲۹.الجوینی الخراسانی، ابراهیم، فرائد السمطین، موسسه المحمودی للطباعه والنشر، بیروت

۳۰.الحر العاملی، محمد، الایقاظ من الهجهه، المطبمه العلمیه، چاپ دوم، قم ۱۳۸۴ ه ش

۳۱.الحر العاملی، محمد، وسائل الشیعه، موسسه آل البیت، چاپ سوم، قم، ۱۴۱۶ ه ق

۳۲.الحزاز القمی، علی، کفایت الاثر، انتشارات بیدار، قم ۱۴۰۱ ق

۳۳.الحلی، حسن، کشف الیقین، دار الکتب التجاریه، نجف

۳۴.الحمیدی، سامر هاشم، دفاع عن الکافی، مرکزالغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۵ ق

۳۵.حویزی، عبد علی، تفسیر نورالثقلین، دارالتفسیر، قم ۱۳۸۲ ه ش

۳۶.الدانی، عثمان، السنن الوارده فی الفتن، المکتبه الظاهریه، دمشق

۳۷.دوانی، علی، دانشمندان عامه ومهدی موعود، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۸۴

۳۸.الدیلمی،شیرویه، الفردوس الاخبار، دارلکتب العلمیه، بیروت

۳۹.الذهبی، میزان الاعتدال، دارالمعرفه الطباعه والنشر، بیروت ۱۹۶۳ م

۴۰.ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دارالحدیث، قم ۱۴۱۶ ق

۴۱.سلار، المراسم العلویه، چاپ امیر، قم

۴۲.سید حسینی، سید صادق، مدارا بین مذاهب، موسسه بوستان کتاب، قم ۱۳۸۳ ه ش

۴۳.السیوطی، جلال الدین، الحاوی للفتاوی، المکتب الاسلامیه بیروت

۴۴.شافعی، کمال الدین محمد، مطالب السئول فی مناقب آل الرسول

۴۵.شرف الدین الحسینی، تاویل الآیات، مدرسه الامام المهدی، قم ۱۳۶۶ ش

۴۶.شعرانی، عبد الوهاب، الیواقیت والجواهر، مطبعه ازهریه، مصر، ۱۳۰۷ ق

۴۷.شهید اول، محمد، الدروس الشرعیه، انتشارات صادقی، قم

۴۸.شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم ف تهران ۱۳۶۵ ش

ص:۱۱۲

۴۹.الصافی، لطف الله، منتخب الاثر، چاپ سلمان فارسی، قم ۱۴۲۲ ق

۵۰.الصبان، محمد، اسعاف الراغبین

۵۱.صدوق، کمال الدین، موسسه النشر الاسلامی، قم سال ۱۴۰۵ ق

۵۲.صدوق، محمد، علل الشرایع، المکتبه الحیدریه، النجف

۵۳.الصنعانی، عبدالرزاق، المصنف، المکتب الاسلامیه بیروت

۵۴.الطبرسی، اعلام الوری باعلام المهدی، موسسه آل البیت، قم ۱۴۱۷ق

۵۵.الطبری، فضل، مجمع البیان، احیاء التراث العربی، بیروت

۵۶.الطوسی، حسن، کتاب الغیبه، مکتبه نینوی، قم

۵۷.الطیالسی، سلیمان، مسند الطیالسی، دارالمعرفه، بیروت

۵۸.عیاشی، محمد، تفسیر العیاشی،المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران

۵۹.القندوزی، ینابیع الموده، دارالاسوه للطباعه والنشر سال ۱۴۱۶ ق

۶۰.کتاب سلیم بن قیس الکوفی، دارالفنون، بیروت

۶۱.الکلینی، محمد، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم تهران، ۱۳۳۶ ش

۶۲.الکورانی، علی، معجم الاحادیث الامام المهدی، موسسه المعارف الاسلامیه قم ۴۱۱ ق

۶۳.المبار الکفوری، تحفه الاحوذی، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۰ ق

۶۴.المتقی الهندی، کنز العمال، موسسه الرساله، بیروت ۴۰۹ ق

۶۵.مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، چاپ دوم، بیروت ۱۴۰۳ ق

۶۶.محسن امین، اعیان الشیعه، دارالتعاریف للمطبوعات، بیروت

۶۷.محقق کرکی، رسایل، مکتبه ایه الله العظمی مرعشی نجفی، قم

۶۸.مرکز الرساله، المهدی المنتظر فی الفکر الاسلامی، مرکز الرساله، قم ۱۴۱۷ ق

۶۹.مسعودی، علی التنبیه والاشراف

۷۰.مسعودی، علی، مروج الذهب

۷۱.مسلم النیشابوری، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت

۷۲.مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، انتشارات صدرا ۱۴۱۷ ه ق

ص:۱۱۳

۷۳.مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، چاپ نهم، قم ۱۳۷۹ ه ش

۷۴.المقدم، محمد احمد اسماعیل، المهدی و فقه اشراط الساعه، دارالعالمیه، مصر ۱۴۲۳ ق

۷۵.مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه

۷۶.نعمانی، محمد، الغیبه انوارالمهدی، قم سال ۱۴۲۲ ق

۷۷.نعیم بن حماد المروزی، کتاب الفتن، دارالفکر للطباعه والنشر و التوزیع، بیروت سال ۱۴۱۴ ق

۷۸.النمازی شاهرودی،مستدرک سیفنه البحار، موسسه النشر الاسلامی، قم۱۴۱۹ ق

۷۹.واعظ زاده خراسانی، محمد، رساله التقریب، العدد الثانی عشر

۸۰.هاشمی شهیدی، سید اسد الله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ومذاهب و ملل جهان، مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۸۰ ش

۸۱.هاشمی شهیدی، سید اسد الله، مسجد مقدس جمکران، قم، سال ۱۳۸۰ ش

۸۲.الهیثمی، مجمع الزوائد، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۰۸ ق

۸۳.الهیثمی، نورالدین علی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتاب العربی بیروت

فهرست مطالب

ص:۱۱۵

ص:۱۱۶

ص:۱۱۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹